



کانون معلولین توانا

ماهنامه فرهنگی واجتماعی

ISSN 2008-7101

پس توانا

سال هفتم - شماره ۶۵ - دی و بهمن ۱۳۹۵
قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال



- دست کوتاه معلولان
از قامت بلند تجهیزات توانبخشی
- اعطای تندیس اولین کنگره جهانی
دنایای بدون محدودیت
به مؤسس کانون معلولین توانا
- بالندگی آتیه ایران
در سایه تکیه به توانمندی های معلولان



کانون معلولين توانا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



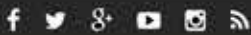
۲۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

باسایت ایران توانا آشنا شوید

پایگاه جامع اطلاع رسانی معلولان ایران

www.irantavana.com



English | فرم عضویت | تماس با ما | گالری عکس | مقالات | اخبار | صفحه اصلی

شما هم می‌توانید آخرین اخبار و اطلاعات خود را از پایگاه جامع اطلاع رسانی معلولان ایران دریافت نمایید

جستجو



فروشگاه اینترنتی توانا
فروشگاه محصولات صنایع دستی
کانون معلولان توانا

بازارچه توانا
bazarche.irantavana.com

مشاوره پزشکی
وننا

مشاوره مددکاری اجتماعی

سوالات حقوقی خود را از ما بپرسید

kanountavana



دریافت اپلیکیشن اندروید
آخرین مطالب سایت

جدید



یک میلیارد معلول در جهان زندگی می‌کنند
۱۱.۵ میلیون نفر در ایران

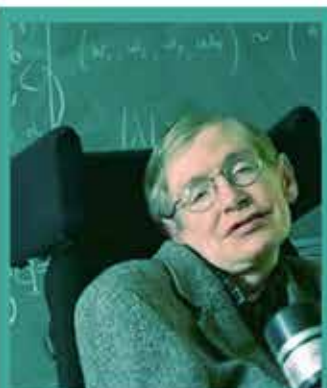
آخرین مطالب هر بخش

+ اخبار معلولین ایران و جهان

+ آخرین اخبار تشکل‌ها

- مقالات

- سرزمین نخبگان - سراغ نخبه ایرانی رفت
- احساس حرارت و گرما با دست مصنوعی
- ساخت نمونه صنعتی پروتز برای فلج کامل دویا
- لحظاتی همراه با زوجی خوشبخت



معلولین موفق ایران
و مشاهیر جهان

تشکل های داخل کشور

تشکل های خارج کشور



تشکل‌ها

مراکز توانبخشی

تولیدکنندگان تجهیزات توانبخشی



توانبخشی

مشاوره حقوقی

استاد و قوانین

قانون جامع دفاع از حقوق معلولان

قوانین حمایتی در دنیا



حقوقی



کاریکاتور

معرفی ورزش های معلولین

مدال آوران پارالمپیک



ورزش معلولین

شما می‌توانید هرگونه مقاله، یادداشت، خبر، شعر، داستان و نوشته‌های خود در رابطه با موضوع افراد دارای معلولیت را در اختیار پیک توانا قرار دهید.

هم‌چنین می‌توانید افراد دارای معلولیتی را که می‌شناسید به پیک توانا معرفی کنید تا این ماهنامه آن‌ها را به عنوان الگو به مخاطبانش معرفی کند.

شما دوست عزیز می‌توانید با اشتراک پیک توانا آن را به دوستان دارای معلولیت خود هدیه دهید.

شما دوست دارای معلولیت، می‌توانید با اشتراک پیک توانا با حقوق خود آشنا شوید.

هم‌چنین شما دوست عزیزی که دارای شرکت یا واحد صنعتی هستید می‌توانید با اشتراک پیک توانا آن را به کارمندان دارای معلولیت خود هدیه دهید و به رشد و ارتقای فرهنگی کارکنان خود و خانواده‌های آن‌ها کمک کنید.

پیک توانا با یاری شما دوستان و همراهان همیشگی، می‌تواند هرچه بیشتر به سوی افق‌های روشن قدم بردارد.

در این حرکت فرهنگی با ما همراه شوید

ماهنامه‌ی پیک توانا با رویکرد فرهنگی اجتماعی، نشریه‌ای است که از چند سال پیش وارد عرصه‌ی فرهنگی جامعه شده و در تمام این سال‌ها تلاش کرده تا بتواند آینه‌ای از دغدغه‌ها، مشکلات، توانمندی‌ها و آرزوهای افراد دارای معلولیت باشد و با انعکاس مشکلات این گروه، زمینه‌ای فراهم آورد تا هم همه‌ی افراد جامعه با توانمندی‌های آن‌ها آشنا شوند و هم مسئولان، نگاه مؤثرتری به این قشر داشته باشند و گام‌های اثربخشی برای رفع مشکل‌های آنان بردارند.

لازم به یادآوری است صاحب امتیاز این نشریه، کانون معلولین توانا، موسسه‌ای غیردولتی بوده و با دو هدف تغییر نگرش جامعه به افراد دارای معلولیت و نیز احقاق حقوق آن‌ها شکل گرفته است. این موسسه برای حفظ عزت و کرامت انسانی افراد دارای معلولیت، درخواست هرگونه کمک بلاعوض را ممنوع کرده و با تکیه بر فکر و اندیشه‌ی افراد دارای معلولیت در راه اهداف خود گام برمی‌دارد. پیک توانا از تمام کسانی که در این راه همراه و هم‌گام ما بوده‌اند سپاس‌گزاری می‌کند و دست همه‌ی مخاطبان را به گرمی می‌فشارد.

فرم اشتراک ماهنامه پیک توانا

پذیرش اشتراک پیک توانا به معنای مشارکت در :

فرهنگ سازی عمومی، تغییر نگرش جامعه به معلولیت و تحقق شعار برابری فرصت هاست.

هزینه‌ی اشتراک:

یک ساله (۶ شماره) (برای مخاطبان دارای معلولیت و در صورت ارسال کپی کارت معلولیت) : ۳۵۰/۰۰۰ ریال

یک ساله (۶ شماره) (برای مراکز، شرکت‌ها، سازمان‌ها و مخاطبان عادی) : ۴۰۰/۰۰۰ ریال

نکته : در صورت اشتراک شش ماهه هزینه‌های پیش‌گفته به صورت ۵۰ درصد به حساب واریز شود. علاقه‌مندان به اشتراک و دریافت مجله می‌توانند، بهای اشتراک مجله را به حساب جاری شماره ۰۱۰۰۵۶۳۹۷۵۰۰۷ سیبا بانک ملی به نام کانون معلولین توانا (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی) واریز کرده و اصل رسید آن را به همراه فرم اشتراک تکمیل شده (گواهی معلولیت یا کپی کارت معلولیت برای عزیزان معلول)، به نشانی دفتر ماهنامه پیک توانا ارسال نمایند.

در صورت اشتراک بیش از ۵ جلد در هر شماره ۲۰ درصد تخفیف تعلق خواهد گرفت.

نشانی ماهنامه پیک توانا : قزوین - بلوار شهید بهشتی - کانون معلولین توانا - دفتر ماهنامه پیک توانا - تلفن : ۳۳۳۳۹۲۱۲ - ۰۲۸

نام مرکز/ نام و نام خانوادگی : تاریخ تولد: / / شماره فیش :

تحصیلات: شغل:

در صورت داشتن محدودیت جسمی، نوع آن را درج نمایید:

آدرس پستی (دقیق):

کد پستی ده رقمی: آدرس الکترونیکی:

تلفن ثابت : تلفن همراه:



صاحب امتیاز: کانون معلولین توانا

مدیر مسئول: محمدرضا هادی پور

شورای سیاست گذاری:

حجت‌اله یوسفی، سید اکبر حسینی، محمدحسن هادی، مرتضی رویتوند

سردبیر: رقیه بابایی

هیئت تحریریه:

سیما سلطانی آذر، مرتضی رویتوند، معصومه آمدی، هستی خجسته، مریم ایران دوست، میترا بهرامی

گرافیک و صفحه آرایی: فهیمه طیبیا

عکس: مرضیه خادمیان، میثم کلاتری

عکس روی جلد: مریم بابایی

ویراستار: علی اصغر نظری

با تشکر صمیمانه از همکاری این عزیزان:

مرضیه کریمی، فهیمه عباسی، مهدیه برین، مهناز رجبی، منیر رضائی و سایر همکاران

نشانی دفتر ماهنامه:

قزوین - بلوار شهید بهشتی - نرسیده به میدان قدس

کانون معلولین توانا - دفتر ماهنامه پیک توانا

صندوق پستی: ۳۴۶۳-۳۴۱۸۵

تلفکس: ۰۲۸-۳۳۳۹۲۱۲

شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۵۴۵

چاپ و صحافی: رواق روشن مهر

* خواهشمند است نوشته‌ها و عکس‌های خود را

(با موضوع معلولیت) از طریق پست الکترونیکی

Info@irantavana.com

و یا صندوق پستی ۳۴۶۳-۳۴۱۸۵ ارسال

کنید و از اینکه مسئولیت آثارتان را به عهده گرفته

و ویرایش نهایی را به ما می‌سپارید، سپاسگزاریم.

مقاله‌ها، مطالب، و عکس‌های ارسالی شما نزد ما به

یادگار می‌ماند و بازگردانده نمی‌شود.

* استفاده از مطالب پیک توانا، تنها با ذکر منبع

امکان پذیر است.

* درج نظریه‌ها، عقاید و به ویژه آگهی در این

مجموعه به معنای تأیید آن از سوی مسئولان مجله

نیست. بررسی، تحقیق و اطمینان از درستی آن، به

عهده شما عزیزان است.

اجتماعی

- ۵ اعطای تندیس کنگره جهانی به مؤسس کانون معلولین توانا
- ۶ دست معلولان از قامت تجهیزات توانبخشی کوتاه است
- ۸ هاجر به باورش تکیه زد و تکیه گاه خانواده شد
- ۹ بازدید دانشجویان دانشگاه آئزه USO فرانسه از کانون توانا و فیروز
- ۱۰ زندگی را زندگی کنید؛ با ادامه تحصیل
- ۱۲ ایست! اینجا حریم خصوصی است
- ۱۳ بیایید بترسیم
- ۱۴ اشتغال معلولان؛ فرش قرمز استقلال
- ۱۶ قصه پروانگی مادر بزرگ
- ۱۸ نشست کانون توانا با سفیران ۲۰ کشور
- ۱۹ معابری که هرگز مناسب سازی نمی‌شود
- ۲۰ پیک توانا نماینده معلولان ایران در نمایشگاه مطبوعات
- ۲۲ تاریخچه پارک دیزنی لند
- ۲۵ رسم عاشقی
- ۲۸ معلولان و جهان زندگی روزمره
- ۲۹ آزمون و خطا تا کی؟
- ۳۲ تغییر فضاهای آموزشی همپای تحول نظام های آموزشی

ادب و هنر

- ۳۴ احضاریه طلاق
- ۳۵ صبح روز هفتم
- ۳۷ زندگی لاکچری ما

کودک و نوجوان

- ۳۸ دیوار
- ۴۰ بازی من

سلامت

- ۴۲ ارتباط با افراد سندروم داون
- ۴۳ فقط کمی تا ریشه کنی
- ۴۴ آینده ای بهتر برای رفع آسیب های نخاعی

علمی

- ۴۵ فناوری های نوین ویژه افراد نابینا و کم بینا

برای معلولان سرانه اعتبار سالانه منظور شود مدیریت شهری پای کار بیاید

● حجت‌اله یوسفی

عضو هیئت مدیره کانون معلولین توانا

حل و فصل شدن در خود شهرها دیگر همچون گره بزرگ به صورت کشوری عرضه نمی‌شود تا باز کردن آن از عهده دولت مردان، نمایندگان مجلس و مدیران کشوری نیز خارج شود.

معلولان ۱۰ درصد جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند و همین میزان از امکانات رفاهی جامعه باید برای این گروه در نظر گرفته شود اما آنها با امید به عملیاتی شدن این رویکرد به تخصیص ۵ درصد از اعتبارها نیز رضایت دارند.

قشر دارای معلولیت به تخصیص همین ۵ درصد نیز راضی است به شرط آنکه از کل بودجه‌های سالانه شهرداری‌ها که چگونگی توزیع آن بر مبنای الویت‌بندی اعضای شورای شهر صورت می‌گیرد تنها ۵ درصد به‌عنوان سرانه برای جمعیت معلول در نظر گرفته شده و صرف تامین سیستم‌های حمل‌ونقل مناسب حال معلولان شود.

در صورت منظور شدن سرانه برای شهروندان معلول، شهرداری‌ها همه ساله همین ۵ درصد را صرف خرید، تجهیز و مناسب‌سازی وسایل نقلیه عمومی ویژه شهروندان معلولان کرده و این امر علاوه بر اینکه در دراز مدت خواسته‌های معلولان را تامین و دست‌یابی به حقوق شهروندی را برای آن‌ها محقق می‌کند مسئولان را نیز از تخصیص اعتبارات کلان و ناگهانی رها خواهد کرد.

بنابراین اگر اعضای شوراهای شهری در بودجه‌بندی‌های سالانه معلولان را لحاظ و فرمانداران محترم نیز آن را تایید کنند و سازمان برنامه و بودجه در این زمینه مدافع و وکیل دلسوز ما باشد گام بزرگی در زمینه حقوق شهروندی و عدالت اجتماعی برداشته خواهد شد.

زمان کم است و فرصت‌ها در گذرند، بیایید تا فرصت باقیست هموطنان معلول خود را دریابیم.

سهیم می‌دانند و وضعیت نامناسب حمل‌ونقل، موانع شهری، پله‌های بی‌شمار، اماکن عمومی و دانشگاه‌ها، مسکن‌های مُسکن، بیکاری، هزینه‌های سرسام‌آور، تجهیزات پزشکی و درمانی و... قلب‌هایشان را به درد می‌آورد و ما این صحنه را بارها به چشم سر و دل دیده‌ایم ولی برنامه‌ای که حاکی از حل این مشکلات باشد را از آنها ندیده‌ایم و بدیهی است بدون برنامه و بودجه‌بندی هرگز نمی‌توانند اثبات کنند به فکر معلولان هستند.

با این حال هنوز هم تردد یک معلول ویلچری در شهر بدون همراه تقریباً غیرممکن است. ما هنوز هم شاهد صدور گواهی پایان‌کار برای ساختمان‌های مناسب‌سازی‌نشده و معلولان محکوم در پای پله‌ها هستیم و امکان حضور اجتماعی برای معلولان هنوز فراهم نیست.

اکنون از دل همان روزهای سخت سخن می‌گوییم و این بار روی صحبت‌مان با اعضای محترم پارلمان‌های شهری است. کسانی که بر اساس قانون برنامه‌ریزان مشارکت‌گیری مردم در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی هستند. اعضای شوراهای شهری و روستایی، مدیرانی که باید با ارزیابی‌های جامع، نیازمندی‌های گروه‌های مختلف شهروندان را شناسایی و در راستای رفع نیازها و ارائه خدمات شایسته‌تر تخصیص بودجه کنند.

حمل‌ونقل و تردد درون شهری از عمده مشکلات معلولان است که سال‌هاست به صورت لاینحل بر جای خود باقیست در حالی که اگر اعضای شوراهای اسلامی هر شهر و روستا هنگام توزیع اعتبارات همه‌آحاد را مستقل در نظر گرفته و معلولان را نیز در ارزیابی‌های خود مورد توجه قرار دهند، بخش اعظم این مشکلات در صورت

۲۲ سال پیش، زمانی که سنگینی نگاه‌های نادرست جامعه به افراد دارای معلولیت، اندیشه تاسیس کانون معلولین توانا را در روح و جان‌مان پروراند، از همان زمان که خانواده‌ها از معرفی فرزندان معلول خود به دیگران شرم داشتند، از روزی که اطرافیان معلول در نتیجه عدم آگاهی، او را در کوچه پس‌کوچه‌های شهر دست می‌انداختند و دیوانه‌اش می‌پنداشتند، زمانی که دست ناتوان جامعه، لباس تکدی‌گری بر قامت رنجور معلولان می‌دوخت و به دست‌هایشان کاسه جلب ترحم می‌داد، درست از همان روز ما فریاد برمی‌آوریم که معلول، ناتوان نیست.

بیش از دو دهه از عمر خود را برای معرفی معلولان موفق، اطلاع‌رسانی حقوق معلولان، انجام اقدامات فرهنگی مختلف، اثبات توانایی معلولان ابتدا به خود آنها و سپس به مسئولان و... صرف کردیم تا فقط این نکته نه‌چندان مبهم را بگوییم که «معلولان نیز اگر چه محدودیت جسم دارند اما شهروندان این جامعه هستند.»

تلاش کردیم تا بگوییم این افراد که حالا بزرگ‌ترین اقلیت جامعه هستند در تمامی امکانات شهری سهم دارند، معلولیت ناتوانی نیست بلکه محدودیت است و محدودیت سهم همه انسان‌هاست چرا که معیار اصلی ارزش انسان‌ها، انسانیت آنهاست نه جسم‌شان.

به نظر می‌رسد این نگرش برنامه‌ریزان ماست که نیازهای معلولان را وارد برنامه‌ها و قوانین نمی‌کنند و تا وقتی که نیازمندی‌های معلولان در برنامه‌ریزی‌ها جای نگیرد نمی‌شود انتظار اقدام و اجرا داشته باشیم.

آنچه مسلم است این است که ما مدیران و مسئولانی دلسوز با قلب‌هایی آکنده از محبت و دلسوزی به مردم به‌ویژه معلولان داریم. مدیرانی که خود را در دردها و مشکلات این گروه

در اولین کنگره بین المللی دنیای بدون محدودیت انجام شد

اعطای تندیس کنگره جهانی به مؤسس کانون معلولین توانا



شاهد شکوفایی و توانمندی آنها باشد. گفتنی است فیروز با دادن جایگاه های کاری و اشتغال به معلولان، عنوان پایلوت اشتغال معلولان دنیا را داشته و ثابت کرد معلولان تنها به احقاق حقوق شهروندی نیاز دارند.

در زمینه معلولان و تغییر نگرش جامعه به پدیده معلولیت ابراز خوشحالی کرد. سید محمد موسوی رئیس هیات مدیره ی کانون معلولین توانا و مدیرعامل گروه بهداشتی فیروز است که با اعتماد به توانایی معلولان خطوط تولید واحد تولیدی خود را به دست این افراد سپرد تا دنیا

اولین کنگره بین المللی دنیای بدون محدودیت که با حضور نمایندگان کشورهای اروپایی و در استانبول ترکیه برگزار شد، تندیس ویژه خود را به سید محمد موسوی، کارآفرین برتر معلولان ایران اعطا کرد.

به گزارش پیک توانا: این کنگره بین المللی با هدف رشد امکانات و تسهیلات، کاهش محرومیت ها و تحقق تساوی فرصت ها برای معلولان جهان ۲ تا ۴ دسامبر ۲۰۱۶ به همت تالار معلولان شهرداری استانبول برگزار شد.

در کنگره جهانی دنیای بدون محدودیت موضوعاتی همچون آموزش، دسترسی به امکانات، فن آوری های نوین و ارتباطات جهانی در قالب کارگروه های تخصصی مورد بررسی قرار گرفت و مقرر شد نتایج به دست آمده در سطح جهان به اشتراک گذاشته شود.

سید محمد موسوی کارآفرین معلولان در ایران و مجید مجیدی کارگردان فیلم سینمایی رنگ خدا تنها نمایندگان دعوت شده از ایران در این کنگره که با همکاری وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و گردشگری، دانشگاه استانبول، دانشگاه نجم الدین اربکان قونیه و با حضور میهمانان داخلی و خارجی برگزار شد، بودند.

بر اساس نظر قاطع کارشناسان، تندیس ویژه نخستین کنگره جهانی دنیای بدون محدودیت به پاس ایجاد بیش از ۶۰۰ شغل پایدار برای معلولان و حرکت در مسیر مسئولیت های اجتماعی به سید محمد موسوی اختصاص یافت.

همچنین در حاشیه این کنگره، وزیر کار و امور اجتماعی ترکیه در نشست با سید محمد موسوی گفت و گو کرده و نسبت به اقدامات ارزشمند او

درخشش ۳ جایزه و نشان ملی و استانی در کارنامه موسس کانون توانا



کارآفرین برتر استان انتخاب شده و ضمن دریافت تندیس افتخار، مورد تجلیل قرار گرفت. گفتنی است این ۶ کارآفرین منتخب قزوینی در مراحل بعدی برای انتخاب کارآفرینان برتر کشوری ارزیابی خواهند شد.

عمومی و خصوصی به وسیله تبیین و ترویج مسئولیت اجتماعی در آنان برگزار شد.

در نخستین کنفرانس مدیریت فرآیند و رهبری سازمان که با حضور ۸۰۰ نفر از مدیران ارشد در عرصه مدیریت و رهبری بنگاه های کسب و کار برگزار شد، جایزه ملی مدیریت فرآیند و رهبری سازمان به مدیرعامل گروه بهداشتی فیروز و موسس کانون توانا اختصاص یافت.

در این نشست که آخرین دستاوردهای تحقیقاتی و علمی محققان، رهبران، مدیران سازمان ها و شرکت های کشور در زمینه مدیریت فرآیندهای کسب و کار ارائه شد، جایزه ملی مدیریت فرآیند و رهبری سازمان به دلیل مدیریت موثر و منجر به ارتقا و بهبود سطح عملکرد سازمان به این کارآفرین برتر حوزه معلولان کشور اعطا شد.

همچنین مدیرعامل گروه بهداشتی فیروز در آیین امتنان از کارآفرینان برتر قزوین به عنوان یکی از ۶

موسوی نشان مسئولیت اجتماعی ایران، جایزه ملی مدیریت فرآیند و رهبری سازمان و عنوان کارآفرین برتر استانی را دریافت کرد.

به گزارش پیک توانا: رئیس هیئت مدیره کانون توانا در اولین همایش ملی نشان مسئولیت اجتماعی ایران که با حضور رئیس جمهوری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزیر بهداشت و درمان، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، رئیس دفتر رئیس جمهور، معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده، مدیران دولتی، صاحبان صنایع و اساتید دانشگاه ها در سالن اجلاس سران برگزار شد، تندیس برنزی مسئولیت اجتماعی ایران را از علی ربیعی، وزیر رفاه دریافت کرد.

در این همایش که با توجه به بسترسازی و گسترش فرآیندهای ارتقای سلامت و رفاه اجتماعی در کشور، از طریق مشارکت نهادها و سازمان های اجتماعی



از قیمت‌های نجومی لوازم توانبخشی تا ارائه طرح تجویز ویلچر به بهزیستی

دست معلولان از قامت تجهیزات توانبخشی کوتاه است

● رقیه بابایی

لوازم توانبخشی برای معلولان را شفاف‌سازی کند و با این روش ضمن توانمندسازی معلولان؛ از بروز معلولیت‌های ثانویه و همچنین از ایجاد بار مالی مسائل درمانی در آینده پیشگیری می‌کند.

باید گفت علیرغم تصور عمومی که وسایل کمکی را در ویلچر، عصا، واکر و سمعک خلاصه می‌دانند، این وسایل شامل دامنه وسیعی از تجهیزات و تولیدات هستند که افراد معلول می‌توانند از آنها در آشپزخانه، استحمام، خوردن و آشامیدن و حتی آراستن و مرتب کردن خود استفاده کنند و زندگی عادی داشته باشند.

همچنین لوازمی چون نرم‌افزارهای مربوط به شنیدن، خواندن و دیدن که موجب ارتقای مهارت‌های ارتباطی افراد دارای مشکلات حسی می‌شوند نیز جزء لوازم توانبخشی محسوب می‌شوند.

اما باید دید که امکانات کشور تا چه اندازه در راستای توانمندسازی معلولان و تولید لوازم توانبخشی با کیفیت به کار گرفته شده و این وظیفه مهم را ایفا می‌کند. وضعیت موجود کشور به این شکل است که تجهیزات پزشکی تولید داخل از قیمت‌های بسیار

نقش اثرگذار لوازم کمک توانبخشی در فرایند توانمندسازی معلولان بر کسی پوشیده نیست. این لوازم از مؤثرترین و برجسته‌ترین عوامل بازتوانی افراد دارای معلولیت به شمار می‌روند؛ به گونه‌ای که در تمام مراحل بازتوانی افراد دارای معلولیت ضروری هستند.

لوازم توانبخشی و کمک توانبخشی در صورتی که به موقع و مناسب به کار گرفته شوند، در ارتقای کیفیت زندگی معلولان اثربخشی بارزی داشته و به حضور اجتماعی، پویایی و توسعه بخش‌های مختلف زندگی آنها دامن خواهند زد.

استفاده از این وسایل در انجام مستقل وظایف معلولان و پذیرش نقش‌های مختلف در زندگی فردی و اجتماعی آنها تأثیر بسزایی دارد و البته این رویکرد باید به تناسب فن‌آوری‌های روز و در راستای توانمندسازی معلولان پیش برود.

یکی از الزامات کاربرد وسایل کمک توانبخشی برای افراد دارای معلولیت؛ توجه و اهتمام سازمان‌های متولی از جمله بهزیستی و هلال‌احمر است که با ورود بهنگام و اعطای این لوازم و البته با آموزش نحوه استفاده از آنها، ضرورت مجهز بودن به

حال حاضر فقط هزینه‌های خدمات دندانپزشکی معلولان تهرانی را پرداخت می‌کند و هزینه‌های معلولان سایر شهرها بر اساس تعرفه‌های موجود محاسبه می‌شود.

مشتری‌ها سمک ارزان می‌خرند

مدیرعامل شرکت آواگستر سبحان نیز با اشاره به اینکه معلولان اقشار کم‌درآمد جامعه هستند گفت: قیمت سمک‌های ما از ۴ تا ۶ میلیون تومان است اما مشتریان ما عمدتاً اجناس بین هفتصد هزار تا ۲ میلیون تومان را خرید می‌کنند و این حاکی از آن است که جامعه هدف ما توان مالی متوسط رو به پایین دارند.

به بهزیستی پیشنهاد تجویز ویلچر بر اساس معلولیت دادیم

مسئول شرکت متذکر به عرضه انواع ویلچر می‌پردازد نیز با تأکید بر عدم توانایی مالی افراد دارای معلولیت گفت: طی طرحی از سازمان بهزیستی خواسته‌ایم تا به جای دادن یک نوع ویلچر به معلولان با انواع معلولیت‌های مختلف به آنها تسهیلات خاص برای خرید ویلچر با تجویز متناسب با نوع معلولیتشان بدهند.

وی خاطر نشان کرد: استفاده از یک نوع ویلچر برای انواع معلولیت‌ها موجب افزایش معلولیت افراد و رشد هزینه‌های درمانی آنها می‌شود که با تمهیدات خاص می‌توان از وقوع این امر پیشگیری بهنگام داشت.

به انواع معلولیت‌ها ویلچرهای ثابت می‌دهند

داوود سربالابند که معلول سی‌پی است می‌گوید: قیمت تجهیزات توانبخشی معلولان در حدی بالاست که دست خود معلولان به آن نمی‌رسد.

وی که ۳۷ ساله و دانشجوی مترجمی زبان است اظهار کرد: حتی در نمایشگاه تجهیزات توانبخشی نیز اجناس ایرانی و تایلندی آن هم با کیفیت بسیار پایین ارائه می‌شود.

محمدعلی میرمحمدی نیز بیان کرد: رفتار سازمان بهزیستی در دادن تجهیزات توانبخشی به معلولان درست نیست، آنها برای تمام معلولان نیازمند به ویلچر یک یا چند نوع ویلچر ثابت دارند و برای همه متقاضیان اجناس موجود را تجویز می‌کنند بدون آنکه آن ویلچر متناسب با وضعیت فیزیکی و نوع معلولیت فرد باشد.

این جوان ۲۵ ساله که از ناحیه پای راست معلولیت دارد تصریح کرد: عمده تفاوت تجهیزات توانبخشی که بهزیستی آنها را یکجا خریداری و انبار کرده و به معلولان می‌دهد در اندازه ویلچرها، قد عصاها و موارد این چنینی است و کسی توجهی به ارگونومی معلولان ندارد.

میرمحمدی همچنین ادامه داد: کسی به این مسأله نمی‌اندیشد که تجهیزات توانبخشی باید متناسب با سایز بدن و نوع معلولیت ما معلولان باشد و اگر بخواهند اجناس از قبل خریداری شده را به ما بدهند مانند این است که ما برای خرید نقلات به سوپرمارکت مراجعه می‌کنیم.

طیبه امیدوار نیز که ۲۸ ساله و معلول ضایعه نخاعی است اذعان داشت: قیمت تجهیزات توانبخشی به حدی گران است که گویا برای قشر متمول جامعه در نظر گرفته شده است.

گران برخوردارند در حالی که از نظر کیفی با محصولات مشابه خارجی خود فاصله زیادی دارند.

همچنین محصولات وارداتی اگرچه از کیفیت‌های قابل قبولی برخوردار هستند اما به لحاظ قیمت؛ در سطحی به معلولان عرضه می‌شوند که باز هم دست این افراد به آنها نمی‌رسد و تنها درصد کمی از معلولان می‌توانند این لوازم را تهیه کنند.

البته با رعایت جانب انصاف باید اذعان کرد تولیدکنندگان داخلی نیز مورد حمایت سازمان خاصی قرار ندارند و در وضعیت فعلی در حالی که با بحران‌های مختلف اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند، توان تولید محصولات بهتر از آنچه که در حال حاضر موجود است را ندارند و گویا تا مدت‌ها نیز شرایط مطلوب را پیدا نخواهند کرد. عدم تناسب تجهیزات توانبخشی با نوع معلولیت‌ها نیز از دیگر مشکلات موجود است. در حال حاضر آن دسته از معلولان نیازمند به ویلچر، با هر نوع معلولیت دارای یک یا چند نوع ویلچر مشابه و البته کیفیت پایین هستند.

بدیهی است این امر در دراز مدت ضمن تغییر ارگونومی بدن این افراد، معلولیت‌های ثانویه را برای آنها به دنبال خواهد داشت و این رویداد که در نتیجه‌ی ناآگاهی، سهل‌انگاری و نبود دانش کافی رخ می‌دهد حق سرانه درمان کشوری را به طور چشم‌گیری افزایش خواهد داد.

۹۰ میلیون، قیمت اسکلت بیرونی

کارشناس فنی شرکت پویندگان دانش سیستم‌های توان‌افزای پاسارگاد یا پداسیس که در زمینه‌ی نرم‌افزارهای کمک حرکتی فعالیت می‌کند اظهار داشت: هم‌اکنون پروژه‌ی ربات اسکلت بیرونی توانبخشی برای معلولان پاراپلوژیک را در دست کار داریم که بیش از ۹۰ میلیون تومان هزینه دارد و در تلاشیم تا این رقم را به کمتر از ۶۰ میلیون تومان کاهش دهیم.

سعید ورزندیان با اشاره به این مطلب که هزینه بالای تحقیق و بکارگیری انواع سنسورها و موتورهای الکتریکی در این ربات عامل اصلی بالا رفتن قیمت آن است افزود: این ربات در مقایسه با ویلچر استقلال حرکتی بیشتری به فرد معلول می‌دهد و فرد به کمک آن می‌تواند عصا به دست گرفته و راه برود.

مدیرعامل شرکت آذر رها که به ارائه محصولات چوبی چون ساعت، ماشین حساب و عصا برای نابینایان می‌پردازد بیان کرد: ما همچنین بازی‌های شطرنج، منچ و مار و پله را به نابینایان عرضه می‌کنیم.

داوود خلیل‌آبادگان که خود از نابینایان است تصریح کرد: عمده‌ی مشتریان ما بهزیستی و آموزش و پرورش استثنایی هستند و خود نابینایان کمتر به سراغ خرید چنین محصولاتی می‌آیند.

بهزیستی تنها هزینه داندان پزشکی معلولان تهرانی را می‌پردازد

مسئول مرکز توانبخشی تاف نیز با بیان اینکه ما به معلولان خدمات دندانپزشکی ارائه می‌دهیم اذعان کرد: فضای این مرکز برای افراد دارای معلولیت مناسب‌سازی شده، تمامی دستگاه‌های رادیولوژی ما پرتابل هستند و مراجعان ویلچری نیازی به رفتن به اتاق رادیو ندارند، همچنین ساختمان این مرکز تمام موانع تردد معلولان را رفع کرده و آنها به راحتی می‌توانند به این ساختمان رفت‌وآمد کنند.

اسدی با بیان اینکه ما زیر نظر سازمان بهزیستی هستیم افزود: سازمان بهزیستی در



گفت‌وگو با بانوی معلولی که باور دارد رنگ‌ها در کنار هم معنا می‌یابند

هاجر به باورش تکیه زد و تکیه‌گاه خانواده شد

● فاطمه الیاسی

و امکانات بسیاری در اختیار آن‌ها قرار داده. آقای موسوی همچون پدر از اعضای کانون توانا پشتیبانی کرده و همیشه به همه ما شور زندگی و انرژی داده است.

هنر به انسان روح می‌دهد

از فاصله‌گرفتن از درس و دانشگاه ناراحت‌م و در نظر دارم در یکی از رشته‌های تاریخ باستان یا حسابداری ادامه تحصیل بدهم. همچنین به فعالیت‌های هنری از جمله گل‌دوزی، نقاشی روی سفال و شیشه علاقه بسیاری دارم و معتقدم کارهای هنری به انسان روح و امید زندگی می‌بخشد.

عاشق ورزش هستم

ورزش به‌ویژه شنا و آب‌درمانی برای معلولان ضروری است و از این‌رو قبلاً در رشته‌های والیبال نشسته و شنا فعالیت می‌کردم. عاشق ورزش کردن هستم و هنوز هم شوق فعالیت در این دو رشته را دارم. به عقیده من ورزش عامل نشاط و سرزندگی است و فکر می‌کنم در این زمینه بتوانم موفقیت‌هایی به‌دست بیاورم.

وسایل توانبخشی در دسر همیشگی معلولان است

معلولان با وجود مشکلات جسمی در صورت فراهم بودن شرایط مطلوب می‌توانند پیشرفت‌های علمی و عملی بسیاری کسب کنند و کانون توانا این بستر را ایجاد کرده است. یکی از مشکلات جدی معلولان نبود وسایل توانبخشی و تکنولوژی است. معلولان هنوز در این زمینه در دسرهای زیادی دارند و تهیه‌ی لوازم توانبخشی با کیفیت مشکل همیشگی ما معلولان است.

دختران دارای معلولیت، آسیب‌پذیرترند

فرهنگ جامعه در مورد معلولان نیازمند تغییر است و مردم باید به معلولان نگاه انسانی داشته باشند. معلول شایسته نگرش نادرست و تصورات غلط نیست و متأسفانه از این نظر دختران معلول بیشتر دچار آسیب می‌شوند. البته خود معلولان نیز باید برای مطلوب کردن شرایط تلاش کنند و مسئولان باید با آن‌ها را مورد حمایت قرار دهند.

مفید بودن انسان کمترین فایده اوست

مفیدبودن انسان برای خودش کم‌ترین فایده‌ی او در زندگی است. اگر من ۲۰ سال پیش برای تغییر زندگی‌ام تلاش نمی‌کردم ممکن بود حالا دختری افسرده و منزوی بدون شان و جایگاه اجتماعی باشم. درست است که تفکر اطرافیان بر نحوه زندگی هر کسی اثرگذار است اما انسان باید آن‌قدر قوی باشد که دیدگاه مثبت خود را از دست ندهد و خوشبختانه خانواده و کانون توانا از مشوقان اصلی من در داشتن این دیدگاه بوده‌اند.

کلام پایانی

همه رنگ‌ها در کنار یکدیگر زیبایی خود را نشان می‌دهند، زندگی هم با سختی‌ها و آسودگی‌هایش معنا پیدا می‌کند. تندرستی و سلامت جسمانی از نعمت‌های بزرگ خداوند است اما ملاک انسانیت نیست. معلولیت محدودیت نیست به شرط تلاش و همت.

منتشر خواهند شد؛ آنچه زندگی کرده است را می‌گویید. خودش خوب می‌داند سخن اگر از دل برنیاید لاجرم بر دل نمی‌نشیند. هاجر اینانلو قدرت شعار دادن ندارد و اگر می‌گوید من خواستم و معلولیت برایم محدودیت نیست، راست می‌گوید، او این کار را کرده است.

سفر به دور دنیا و لذت‌بردن از زندگی از مهم‌ترین برنامه‌های زندگی اوست و انعکاس صدایش هر شنونده‌ای را سر ذوق می‌آورد تا جایی که کمتر مراجعه‌کننده‌ای از او برای دادن تست صدا و صحبت کردن به جای شخصیت‌های کارتون خواهش نکرده است.

پای گفت‌وگوی پیک توانا با هاجر اینانلو می‌نشینیم. دختری که خانواده ۹ نفره‌ای از جنس صفا و سادگی دارد با ۴ خواهر و ۲ برادر که در یکی از روستاهای شهرستان بوئین‌زهر سکونت دارند.

فلج اطفال در یک‌سالگی

در یک‌سالگی زمانی که پدرم دوران سربازی را سپری می‌کرد دچار فلج اطفال شدم. آن‌وقت‌ها مردم اهمیت کم‌تری به دکتر و مراقبت‌های پزشکی می‌دادند با این حال بعدها چند مرحله جراحی روی پایم انجام شد اما تغییری در رفع وضعیتم نداشت و به مرور هزینه‌های جراحی بر دوش خانواده پرجمعیت من سنگینی کرد و با بالا رفتن هزینه‌ها، جراحی‌ها قطع و پایم حتی ضعیف‌تر از قبل شد.

برای یافتن شغل به قزوین آمدم

سال‌های دبستان و راهنمایی در همان روستای باصفای محل زندگی و بین هم‌کلاسی‌های شیطان و دوست‌داشتنی گذشت و دوران دبیرستان به صورت غیرحضور و در مدرسه یک‌نفره خانه طی شد.

در زمان کودکی و نوجوانی من تحصیل دخترها در روستا چندان خوشایند نبود اما خانواده من مخالفتی با درس‌خواندنم نداشتند و حتی از تحصیل من حمایت می‌کردند. پدر و مادرم توجه ویژه‌ای به استقلال شخصی من داشتند و برایشان مهم بود که در آینده زندگی خوبی داشته باشم. این‌گونه شد که پس از گرفتن دیپلم برای تحصیل و یافتن شغل از روستا خارج شدم. به شهر قزوین آمدم و برای مدت ۱۰ سال در قسمت قطعات الکترونیکی شرکت صنایع الکترونیک البرز توانا زیر نظر کانون توانا مشغول به کار شدم.

مستاجر اما مستقل

با این‌که در شهر قزوین مستاجر بودم و در خانه اجاره‌ای زندگی می‌کردم اما به حدی مستقل شده بودم که خواهر و برادرم که در مقاطع مختلف برای تحصیل یا کار به قزوین می‌آمدند در خانه من زندگی می‌کردند و به لطف خدا توانستم به تکیه‌گاهی برای خانواده‌ام تبدیل شوم.

موسوی پدر کانون تواناست

از سال ۷۵ عضو کانون معلولین توانا شدم و از سال ۷۷ به‌صورت مستمر با کانون توانا همکاری دارم. پس از سال‌های اشتغال در شرکت ترانس ۲۰ سال در شرکت فیروز و در بخش اداری فعالیت کردم و بعد از آن در واحد مالی کانون معلولین توانا به عنوان تنخواه‌دار مشغول هستم. کانون معلولین توانا حمایت‌های ویژه‌ای از معلولان کرده



عمق همان است که دیده نمی‌شود و ریشه همان جاست که پیدا نیست. چشمه از جایی که نمی‌دانیم آغاز شد و زندگی از ژرف‌ترین قسمت خواستن پیچ‌و‌تاب گرفت. خدا از وقتی هست که بود و عشق از آغاز عشق شروع شده است. این جهان از نظم دائم پیوسته‌ای در دوران است و همه چیز همان جایی است که باید باشد. حالا آیا کسی هست که بداند عمق چقدر عمیق است؟ کسی می‌داند واژه‌ها چقدر عمیق‌اند و ریشه آن‌ها کجاست؟ کسی می‌داند معلولیت، ناتوانی نیست یعنی چه؟ و پاسخ درست این‌جا ریشه دارد که معلولیت ممکن است محدودیت باشد اما ناتوانی هرگز!

جمله‌ای که بارها در سخنرانی‌ها و کتاب‌ها شنیده و خوانده‌ایم اما وقتی دختر جوانی که نه به عصایش، بلکه به باور، ایمان و اراده‌اش تکیه زده آن را بیان می‌کند حال‌وهوای جمله متفاوت می‌شود. انگار واژه‌ها در گلوئی این دختر عمق می‌گیرند، درست مانند زندگی که از ورای سال‌های دور و دراز، از دل حادثه‌های ندیده، از کوچه‌باغ‌های نرفته سر بر می‌آورد و درست همان‌جا که وقتش است سر می‌رسد و ناگافل می‌گوید سلام. آری، هاجر اینانلو ۳۷ سال دارد و حرف‌های بسیاری برای گفتن.

از روزهای تارک می‌گوید، وقتی خورشید پشت ابرها پنهان می‌شود و گمان می‌کنی نگاهش را از تو دریغ کرده. وقتی که توان پایین مالی، نای درمان پای دخترک نوپای خانواده را نداشت و شد آنچه که کاش نمی‌شد.

اما هاجر این نیابدها را از پا درآورد. در کنج خانه نماند تا یاس و تاریکی احاطه‌اش کند؛ او خورشید روزهایش را از پشت ابرهای سیاه شب‌های زمستانی بیرون کشید و آسمان را در آغوش گرفت. آنقدر قوی شد که روی همان پای نحیف و رنجور ایستاد، حرکت کرد و دست دیگران را هم گرفت.

ذره‌ای تردید در حرف‌های این خانم جوان نیست. او شعار نمی‌دهد. غلو نمی‌کند؛ حالا که مقابل خبرنگار ایستاده و می‌داند حرف‌هایش ضبط و

رئیس بنیاد مستضعفان کشور در جریان بازدید از فیروز:

آمده ام تا از فیروز بیاموزم / ۱۱ هزار خانواده معلول را صاحب خانه می کنیم

موسوی: سرمایه داری الهی یعنی ارزش دادن به جایگاه انسان



رئیس بنیاد مستضعفان کشور در نشستی که در حاشیه بازدید از خطوط تولید گروه بهداشتی فیروز برگزار شد با بیان اینکه معلولان افرادی توانا هستند اظهار داشت: برای آموزش و الگوبرداری از نحوه اشتغال و کار با افراد دارای معلولیت به کارخانه فیروز آمدم. به گزارش پیک توانا: محمد سعیدی کیا در این بازدید از اعطای مسکن رایگان به خانواده های دارای ۲ عضو معلول و بیشتر خبر داد و افزود: تاکنون ۱۱ هزار خانواده واجد شرایط در کشور شناسایی شده اند که همه آنها را تا ۴ سال آینده با همکاری بنیاد خیرین مسکن ساز، بهزیستی و راه و شهرسازی خانه دار می کنیم. وی افزود: حفظ عزت نفس مستضعفان و توجه همزمان به رفع علل محرومیت از مهمترین رویکردهای بنیاد مستضعفان است و تفاوت ما با کمیته امداد اینجاست که می خواهیم خدمت گیرندگان امروز را به خدمت دهندگان فردا تبدیل کنیم.

اتوماسیون به جای نیروی کارآمد انسانی، پیروی از امپریالیسم غربی است و با سرمایه داری الهی منافات دارد.

موسس کانون معلولین خاطرنشان ساخت: معلولان امروز با تن رنجور خود در کارخانه کار فیزیکی انجام می دهند زیرا در گذشته بستر تحصیل آنها فراهم نبوده اما این سرنوشت برای دانش آموزان معلول امروز نباید تکرار شود.

مدیرعامل گروه بهداشتی فیروز نیز در این نشست اظهار داشت: نقطه نهایی هدف ما ایجاد اشتغال برای معلولان نیست بلکه هدف اصلی ما معرفی سبک سرمایه داری الهی به جامعه و ارزش دادن به جایگاه انسانی است. سیدمحمد موسوی تاکید کرد: جایگزین کردن ماشین و دستگاه

بازدید دانشجویان دانشگاه آنژه usو فرانسه از کانون توانا و فیروز

را به کار گرفتیم چون این افراد از شانس کمتری برای اشتغال برخوردارند. این تیم ۱۲ نفره که به منظور بازدید از چند مجموعه ایرانی پیشرو در انجام مسئولیت های اجتماعی به ایران سفر کرده اند پس از نشست با موسس کانون توانا ضمن اهدای یادبود به بنیانگذار کانون معلولین از این مجموعه خواستند تا اجازه دهد سفیران فرهنگی کانون توانا و فیروز در فرانسه باشند.

رئیس هیئت مدیره کانون توانا نیز در این نشست اظهار داشت: نگاه نادرست جامعه به پدیده معلولیت ما را تشویق به راه اندازی کانون معلولین توانا کرد تا دست به اصلاح دیدگاه جامعه در این زمینه بزنیم. وی در پاسخ به سؤال یکی از دانشجویان فرانسوی که پرسید علت بکارگیری نیروهای معلول در فیروز چیست ابراز داشت: کشوری مانند کشور ما دارای نرخ رشد جمعیتی بالاست و همین نکته امکان استفاده از اتوماسیون را نمی کند اما ما معلولان

به گزارش پیک توانا: رئیس دپارتمان دانشگاه کاتولیک فرانسه از اینکه برای بازدید از کانون معلولین و گروه بهداشتی فیروز مورد پذیرش قرار گرفته اند تشکر کرد و گفت: در دانشگاه کاتولیک فرانسه بیش از ۹ هزار دانشجو در رشته های آسیب های اجتماعی و رشته های مرتبط با معلولیت تحصیل می کنند. وی تصریح کرد: ما امروز با بازدید کانون توانا و خطوط تولیدی فیروز با نحوه فعالیت کارکنان معلول آشنایی کامل پیدا کردیم.



زانویم شکست و سختی بسیاری کشیدم؛ چنان‌که درد پا هنوز با من همراه است و خاطره بدی از آن سال‌ها برایم باقی گذاشت.

زندگی را زندگی کنیم

همه معلولان از جمله دوستان نخاعی‌ام باید به زندگی امیدوار باشند. برخی معلولان فقط به امید درمان نشسته‌اند و زندگی نمی‌کنند. خوب است بدانند وظیفه همه ما در زندگی شاد بودن است و بهتر است همگی زندگی را به معنای واقعی زندگی کنیم.

آتیه اکنون با گذشت ۱۹ سال از معلولیتش گرچه با سختی معلولیت آشناست، به شادی اعتقاد راسخ دارد. او در کنار خود کسانی مانند برادرش علیرضا را دارد که یار و یاور آتیه‌اش هستند. او اکنون سختی درس خواندن با شرایط معلولیت را به جان خریده تا به هدفش برسد، تا روزی روانشناسی کودک بخواند و مهد کودک باز کند.

بی‌شک فرزندان‌ی که در مهد این‌چنینی و در کنار یک دختر موفق رشد کنند، اعتقاد و اعتماد به توانمندی معلولان در وجودشان جوانه می‌زند و رشد می‌کند؛ تا آن‌جا که آتیه ایران روز به روز ببالد.



دوست دارم و این حس متقابل است. مسئولان، کارکنان و استادان دانشگاه هم مراعات شرایطم را می‌کنند و هوایم را دارند. آن‌ها مرا دوست دارند و به ادامه تحصیل تشویق می‌کنند. استادانم مرا به عنوان الگو به دیگران معرفی می‌کنند و من از برخورد تمام آن‌ها راضی هستم. پیش از آن تصور این بود که تحصیل دانشجویان فقط برای گرفتن مدرک است اما حالا خودم چیزهای زیادی آموخته‌ام، با افراد و افکار بیشتری آشنایی پیدا کرده‌ام.

نمی‌دانستم دانشگاه به این اندازه خوب است

محیط دانشگاه را دوست دارم. پیش از رفتن به دانشگاه کمتر پیش می‌آمد که بدون خانواده در محیط‌های شلوغ اجتماعی حاضر شوم؛ اما اکنون به حضور در فضای شلوغ دانشگاه عادت کرده‌ام. با دوستان قدیمی هنوز در ارتباطم و در دانشگاه هم به تعداد دوستانم اضافه شده است. با وجود آن‌ها در دانشگاه احساس تنهایی نمی‌کنم. فکر نمی‌کردم تحصیل در دانشگاه این اندازه خوب باشد و حالا از ورود به دانشگاه خوشحالم.

بهبودی با دانشگاه هم‌هنگ شد

وقتی به بهبودی اعلام کردم که قصد رفتن به دانشگاه را دارم با دانشگاه برای عبور و مرور من و یکی دیگر از دوستان معلول هم‌هنگی‌های لازم را انجام دادند و برای تردد آسان ما با ویلچر، رمپ ساختند. کلاس‌های درسی ما در طبقه اول ساختمان برگزار می‌شود و به راحتی می‌توانیم برای شرکت در کلاس‌ها رفت‌وآمد کنیم.

خانواده، پشتیبان همیشگی‌ام

خانواده و بیشتر از همه مادرم به من کمک می‌کنند. مادرم همیشه هوای درس خواندنم را داشت و در همه کارهای شخصی کمکم می‌کرد. تشویق‌های او تا همین حالا هم ادامه دارد. برادر و پدرم نیز همیشه حمایت می‌کنند. حالا که به دانشگاه می‌روم، خانواده‌ام مرا به دانشگاه می‌برند و هنگام بازگشت نیز همیشه پدر و مادرم هر دو برای بازگرداندن من به دانشگاه می‌آیند. برادرم علیرضا را بسیار دوست دارم. هر زمان که به کمک او احتیاج داشته باشم در کنار من است. علیرضا پس از آسیب نخاعی من به دنیا آمد و تولد او خاطره‌ی خوش همیشگی من است.

علاقه زیادی به دانشگاه دارم

تحصیل نه خیلی سخت است و نه خیلی آسان. رفت‌وآمد به دانشگاه خستگی و سختی دارد و من که اغلب در منزل هستم، وقتی به دانشگاه می‌روم بسیار خسته می‌شوم. با این حال به دانشگاه علاقه زیادی دارم. اهل مطالعه هستم و هر روز کتاب می‌خوانم. به شدت به کتاب‌های روانشناسی و رمان علاقمندم. چند سال پیش کار تحقیق و تایپ انجام می‌دادم و این کار مدتی شغلم بود؛ اما بعد از آن کار را کنار گذاشتم.

معلولیت همیشه محدودیت نیست

معتقدم تمام انسان‌ها مشکل دارند و معلولان هم مانند همه انسان‌ها با مشکلات دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛ مردم از دیدن من معمولاً خوشحال می‌شوند، تعجب می‌کنند یا برای ادامه تحصیل تشویق می‌کنند اما به هر حال باید زندگی کرد. از زندگی‌ام رضایت دارم. اگر بخواهم به معلولیت فکر کنم، تلاشم این است که نگاهی به پدیده‌ها داشته باشم. گاهی دوست داری جایی بروی اما نمی‌توانی؛ با این حال نمی‌توان گفت که معلولیت همیشه محدودیت است.

آتیه‌ای با هزاران خاطره

چند سال پیش که به مشهد رفته بودیم وقتی با خانواده به آرامگاه فردوسی رفتیم برای پایین رفتن از پله‌ها با ویلچر دچار مشکل شدیم. به خانواده‌ام گفتم به نوبت به آرامگاه بروند و من بالای پله‌ها در انتظار آمدن آنان بمانم. در همین حین یکی از مسافران آن‌جا آمد و به ما در پایین رفتن از پله‌ها با ویلچر کمک کرد. او قول داد نیم‌ساعت بعد برای بازگرداندن ما برگردد و دقیقاً به محض بیرون آمدن ما از آرامگاه، بیرون در منتظر بود.

این خاطره خوب از آن فرد مهربان همیشه در ذهنم مانده است. سال گذشته هم روز سالگرد تولدم استادی که برای او علاقه و احترام زیادی قائل بودم، به همراه دوستانم همگی بدون اطلاع قبلی به منزل ما آمدند و با آوردن کیک و هدیه و برگزار کردن جشن تولد غافلگیرم کردند. البته یک خاطره تلخ هم دارم و آن این است که ۱۰ سال پیش که به فیزیوتراپی رفته بودم به دلیل ناآشنایی فیزیوتراپ با نوع کار،

ایست! اینجا حریم خصوصی است

دکتر غلامرضا زین کفشیان



می‌شود که معلولان نمی‌توانند از حریم خصوصی بدنی آگاه باشند و لذا در دایره انسان‌های عادی قرار نمی‌گیرند.

به عبارت دیگر فرض بر این است که «از نظر دیگران نداشتن حریم خصوصی و بدنی معلولان امری است عادی» و متعاقبا گروه‌های افراد معلول خودشان را به عنوان محروم‌شده از بسیاری از جنبه‌های انسانی‌ای که جامعه به افراد غیرمعلول پرداخت می‌کند، می‌دانند.

بنابراین درد و ناتوانی معلولان در عدم کنترل حریم خصوصی و بدنی باعث می‌شود تا آن‌ها احساس کنند: بدبخت و مفلوک هستند و حتی حریم خصوصی و بدنی‌شان توسط دیگران سرپرستی می‌شود، دور نگه داشته می‌شوند، نادیده گرفته می‌شوند، توسط غریبه‌ها مورد تمسخر قرار می‌گیرند، به‌عنوان یک سربار با آن‌ها رفتار می‌شود و در دید عموم نامناسب و حتی بدون نیاز به احترام جلب توجه می‌کنند. البته ثبت‌هایی از تجارب و دریافت‌های معلولان می‌تواند در تفهیم مطلب راه‌گشا باشد.

افراد دارای معلولیت به دلیل درد ناشی از عدم توانایی در کنترل حریم خصوصی احساس می‌کنند بسیار زشت و نامناسب هستند، از معلولیت خود خجالت می‌کشند و به شرمساری آن‌ها بیش از پیش افزوده می‌شود. غالبا احساس می‌کنند زندگی آن‌ها بار مسئولیت روانی دارد و ارزش آن‌چنانی ندارد و به این دلیل همیشه آرزو می‌کنند که سالم باشند. به هر حال معلولان از خود به‌عنوان یک معلول به هر شکلی که دیگران در مورد معلولان نگاه می‌کنند آگاهند.

بنابراین آن‌ها از این بی‌حریم‌بودن دائم رنج می‌برند و هر رنجی غیرعادلانه است و ترس و انزوا ایجاد می‌کند اما این مباحث باعث می‌شوند تا معلولان از هر اقدام درمانی که آن‌ها را از این شرایط رها کند استقبال کنند چرا که عزت و کرامت انسانی خود را در حال تهدید تصور میکنند. لازم به ذکر است که صریح‌نبودن در بسیاری از این دیدگاه‌ها، یک تراژدی شخصی است البته ایده‌آل این است که بتوان کمپینی را برای توانبخشی افراد معلول و از بین بردن این نوع نگاه ترتیب داد.

خصوصی جسمی و بدنی شامل داستان‌هایی از درد آنها و تحقیرهای روزانه مبنی بر ناتوانی خویش در عدم کنترل و حفاظت از حریم خصوصی جسمی و بدنی‌شان خواهد بود.

باید بدانیم که این مسئله تا حد زیادی فردی، غیرقابل پیش‌بینی و تلخ است. این مسئله مستوجب دردی روحی و روانی است که گاهی اوقات دودمان ذهنی فرد معلول را به باد می‌دهد. این درد موجب چالش بین ذهن و بدن معلول می‌شود. البته تضاد بین فکر و بدن در بیشتر نظریات کنونی بدن، به نظر پیش‌پاافتاده می‌آید ولی این درد چند منبع برای مقاومت در برابر ساخت‌های ایدئولوژیکی مثل زنانگی و مردانگی، آلت‌تناسلی، انحصار شهوانی اندام تناسلی یا خشونت نفس ارائه می‌دهد. بنابراین این درد نمی‌تواند دوست معلول باشد و منبعی مخفی برای تغییر موقعیت نیست و اصلا موجب رضایت و لذت فرد معلول نمی‌شود. بنابراین پیرو مباحث مورد اشاره، می‌توان گفت حریم خصوصی و بدنی معلولان، آسیب دیده است. به عبارت بهتر افراد دارای معلولیت خواسته یا ناخواسته، فاقد این حوزه و حریم هستند.

البته نظریاتی که این تفسیرها را ارائه می‌دهند نه تنها در مورد درد واقع‌گرایانه هستند بلکه سعی دارند از به حاشیه رفتن افراد دارای معلولیت جلوگیری کنند و داستان‌های رنج و قربانی‌شدن آن‌ها را غیرقابل باور نکنند.

پس باید بپذیریم که این نگاه، مبتنی بر قضایایی واقعی و منطقی است و افراد معلول نیز تمایل دارند جدا باشند و حریم و خلوت شخصی بدنی داشته باشند. در حالیکه مطالعات نشان می‌دهند بیش از نیمی از معلولان، دارای هیچ‌گونه حریم خصوصی و شخصی نیستند و این امر در حال افزایش است. افراد دارای معلولیت به‌صورت خودآگاه از این مسئله احساس خوشایندی ندارند و تأثیرات این مسئله در بعد اجتماعی و فرهنگی نیز در تولید و بازتولید نگرش منفی جامعه علیه آنها قابل تامل است.

بر این اساس برخی افراد تصور می‌کنند معلولان هیچ هویت بدنی منحصر به فردی ندارند و یا نمی‌توانند آن را مانند افراد غیر معلول حفظ کنند و اینگونه تلقی

بحث حریم خصوصی از دیرباز مورد توجه حقوق‌دانان و اندیشمندان حوزه‌ی حقوق و جامعه‌شناسی بوده است. حریم‌شخصی یا حریم‌خصوصی یعنی یک فرد یا گروه بتواند خود و یا اطلاعات مربوط به جسم و بدن خود را مجزا کند و در نتیجه بتواند خود و یا جسم و بدن خود را با انتخاب خویش در برابر دیگران آشکار کند. همچنین حریم خصوصی بخشی از زندگی انسان است که باید از دید و نظارت دیگران در امان باشد. این حریم به دو بخش اطلاعاتی و جسمی تقسیم می‌شود؛ حریم خصوصی جسمانی را می‌توان جلوگیری فردی مزاحم از وارد شدن به خلوت فردی دیگر تعریف نمود. در این مقال سؤال این است که آیا معلولان دارای حریم خصوصی و شخصی بدنی هستند یا نه؟ خیر! باید بگوییم، معلولان حریم خصوصی بدنی ندارند. برخی از آن‌ها اذعان دارند که ناتوان از کنترل و حفاظت از حریم خصوصی بدنی خود هستند.

اعضا یا قسمت‌هایی از بدن مثل آلت تناسلی و غیره... جزو حریم خصوصی بدنی هر شخصی تلقی می‌شود و باید از دید و نظارت دیگران در امان و مخفی باشد اما این نکته در مورد معلولان صادق نیست.

بنابراین افراد دارای معلولیت برخلاف میل خود مجبورند تمام اعضای بدن خود را به دیگری نشان دهند و همچنین برخی از آن‌ها به‌علت وابستگی جسمی به دیگران نمی‌توانند حریم خصوصی جسمی و بدنی خویش را حفاظت کنند. اگر بخواهیم شفاف بگوییم، پیرو قاعده، معلولان نیز باید بعد از رفتن به توالت خود را بشویند، یا اینکه کسی دیگر آن‌ها را تمیز کند، یا این‌که لوله‌هایی را داخل منافذ دفع خود قرار دهند تا ادرار و مدفوعشان در یک کیسه جمع شود. این حقایق شفاف و واضح هستند. بنابراین ناگفته پیداست که حوزه خصوصی بدنی معلولان در پنهان‌ترین لایه‌های خود به گسترده‌ترین نحو مورد دخالت، کنترل و نظارت قرار می‌گیرد. این داستان زندگی روزانه معلولان است. بنابراین تفاوت بین کسانی که به کمک نیاز دارند و آن‌ها که نیاز ندارند، تفاوت بین آن‌هایی است که حریم خصوصی دارند و آن‌هایی که این حریم را ندارند.

معلولان به ندرت درباره این موارد صحبت می‌کنند و وقتی هم صحبت می‌کنند واقعیت‌ها را پشت زبان عمومی یا طنز پنهان می‌کنند. بیاید واقع‌بین باشیم: معلولان از صحبت کردن درباره این نیاز خجالت می‌کشند. این نیازی است که فقط معلولان جسمی شدید، کودکان و افرادی که قسمتی از بدنشان جراحت دارد تجربه آن را دارند.

بله، این نکته موجب تفاوت بین معلولان و دیگرانی است که حریم خصوصی بدن دارند. به هر حال اگر معلولان بخواهند به‌راحتی در این دنیا زندگی کنند، باید این موارد را بلند و با زبان واقعی بیان کنند. بنابراین تا زمانی که تمام بزرگ‌سالان توسط فرد دیگری بعد از توالت تمیز نشوند، تا زمانی که فرد مراقب بتواند خودش را بعد از توالت تمیز کند، افرادی که احتیاج به این خدمت دارند، ضعیف یا پست تلقی می‌شوند. چرا که شهادت افراد مبتلا به معلولیت در مورد حریم

آوای بیم «بم» در دنیای معلولیت؛

بیایید بترسیم

کنیم و از نهادهای حمایتی بخواهیم آنان را زیر چتر خدمات خود بگیرند؟
آیا وقت آن نرسیده است که این ایران زلزله‌خیز، خود را مقاوم کند، آموزش‌ها را فراگیرد، ایمنی‌اش را ارتقا بخشد و خود را آماده کند برای مقابله با زلزله؟

عقل می‌گوید باید ساختمان‌ها را مقاوم‌سازی کرد، تجهیزات ایمنی را مهیا ساخت، نهادها و مجموعه‌های مرتبط با موضوع را به‌درستی سازماندهی کرد و اقدامات ایمنی در برابر زلزله را آموخت؛ چنان‌که در موقعیت خطر بتوان با انجام آن جان خود و دیگران را نجات بخشید.

باید با نگاه پدافندی به موضوعات نگرینت و با همین نگاه، تمام اقدامات را برای وقوع بحران به کار گرفت تا هر حادثه‌ای به بحران تبدیل نشود و اگر شد، بتوان از آسیب‌ها و تبعات بیشتر آن جلوگیری کرد.

نگذاریم زلزله‌خیزی و حادثه‌خیزی ایران برایمان لوٹ شود، تکرار و کلیشه شود؛ چه، آثار و تبعات آن لوٹ نشدنی است. چنان فکر و ذهن و جسم و جان را درگیر می‌کند و می‌خراشد که بی‌تفاوتی به آن شدنی نیست. نگذاریم حرف زلزله لوٹ شود.

گاهی هراس خوب است. آری، هراسی که خداوند در وجودمان نهاده خوب است؛ مشروط به اینکه منتهی شود به برنامه، طرح و کاری که ما را از خطر آن در امان می‌دارد. بیایید بترسیم.

ضایعه نخاعی و ۳۸۲ معلول جسمی- حرکتی بر جای گذاشت و پس از آن بود که ۲ مرکز ویژه شبانه‌روزی و توانبخشی معلولان ضایعه نخاعی در بم راه‌اندازی شد.

حادثه خبر نکرد و ما با آن‌که می‌دانستیم هر آن ممکن است سرزده از راه برسد و دنیا را روی سرمان آوار کند، هیچ نکردیم. به زلزله چنان میدان دادیم که برای خود تاخت، جولان داد و رفت و ما هنوز نمی‌دانیم اگر بنا باشد دوباره در هر نقطه دیگری بگرد و بجنبند چگونه باید خود را از آن نجات دهیم.

سال ۶۹ پس از زلزله تلخ و سهمگین رودبار و منجیل سازمان نظام مهندسی ساختمان و نهادهای دیگری شکل گرفتند و بسیاری از روستاها و شهرها بازسازی شدند؛ مثل جاهایی که پس از هشت‌سال جنگ ویران‌گر بازسازی شده بودند. اما دوباره ۱۴ سال بعد همان اتفاقی که در شمال ایران رخ داده بود در جنوب کشور هم چهره سهمگین خود را نمایان کرد و باز هم همان ویرانی‌ها، تلفات، جان‌دادن‌ها و معلولیت‌ها.

آری، ایران زلزله‌خیز است و این زلزله‌خیزی تهدیدش می‌کند و بر آمار معلولانش می‌افزاید. با رویکرد نامناسبی که نهادهای حمایتی به طور معمول در پیش گرفته و اقدامات رفاهی را به جای توانمندسازی در نظر گرفته‌اند، به راستی تا کی بنیاست از پیشگیری خودداری کنیم؟

آیا قرار است با سیاست‌های نابه‌جا معلول تولید

ایران زلزله‌خیز است. این را بارها شنیده و هراسان و نگران شده‌ایم. گاهی هم آن‌قدر این جمله برایمان تکراری و یکنواخت می‌شود که از خود بی‌تفاوتی نشان می‌دهیم.

چندان هم مقصر نیستیم؛ زیرا تا بوده، شعار بوده و همایش و سخنرانی و امثال آن؛ اما کمتر کار عملی دیده‌ایم.

هولناک‌ترین زلزله کشور ما برمی‌گردد به ۱۳ سال پیش؛ نیمه‌شب پنجم دی ماه ۸۲ و زمانی که مردم شهر در خواب بودند. زلزله، بی‌خبر آمد و به خانه‌های آرام سرکی کشید. زمین بم از خواب بیدار شد، با صدای بم غرید و بم تاریخ را با خاک یکسان کرد.

حاصل آن جنبش زمین و غرش بم، هزاران کشته و تخریب تمام شهر بود. این سانحه اما چندین و چند معلول هم بر جای گذاشت؛ آنان که با تن و بدن سالم خوابیدند و یک‌شبه دچار معلولیت شدند. چشم که گشودند دنیای‌شان دنیای دیگری بود. دیگر دنیای آنانی نبود که تا پیش از پنجم دی‌ماه صاف راه می‌رفتند و زندگی عادی داشتند. حالا دنیایشان شده بود دنیای معلولیت. تعدادشان هم کم نبود. همان شب یک‌هزار و ۷۰۰ نفر به تعداد معلولان استان کرمان اضافه شد. ذره بین زمان در آن سوز و سرمای زمستانی بر نقشه جغرافیای بم آمد و آن را با معلولیت بزرگ کرد.

این زلزله حدود ۶۶ معلول ذهنی، ۲۲۸ معلول

همگام با تشکل‌های مردم‌نهاد معلولان کشور



گرفت را یکی از بهترین رویدادهای این موسسه دانست و افزود: در این مراسم تلاش کردیم تا با تجلیل از زحمات مادران و پرستاران دارای معلولیت گوشه‌ای از زحمات آنها را ارج نهیم.

و با حضور شهردار، اعضای شورای اسلامی شهر، معاون فرهنگی شهرداری و رئیس سازمان بهزیستی شهرستان زنجان برگزار شد.

قنبری همچنین تجلیل از پرستاران و مادران دارای فرزند معلولیت که به مناسبت روز پرستار صورت

پیک توانا به‌عنوان تنها ماهنامه سراسری معلولان در ایران بر آن است تا در هر شماره گزارشی از فعالیت‌های هر یک از تشکل‌های مردم‌نهاد معلولان که در سراسر کشور و در حوزه معلولان تلاش می‌کنند را منتشر کند. در این شماره شرح مختصری از فعالیت‌های انجمن جامعه معلولین زنجان را می‌خوانیم.

جامعه معلولین زنجان در آیین دهه فجر

مدیرعامل جامعه معلولین زنجان ایام گرمی‌داشت دهه فجر را پر برکت و مبدا برگزاری حرکت‌های جدید در جامعه معلولین زنجان دانست.

به گزارش پیک‌توانا؛ مهدی قنبری اظهار داشت: برگزاری سومین همایش رالی جانبازان و معلولان زنجان، جشنواره غذایی جامعه معلولین که با همکاری بانوان خیر، تجلیل از پرستاران و مادران افراد دارای معلولیت به بهانه روز پرستار و بازدید از کلینیک مهرانه از جمله برنامه‌های جامعه معلولین زنجان در ایام گرمی‌داشت دهه فجر بود.

وی ادامه داد: سومین همایش رالی جانبازان و معلولان زنجان حضور جانبازان و معلولان زنجان

پیک توانا گزارش می دهد؛

اشتغال معلولان؛ فرش قرمز استقلال نرخ بیکاری معلولان ۵ برابر افراد عادی است

● میترا بهرامی



این چینی، آنان نه تنها باری بر دوش جامعه نباشند؛ بلکه بتوانند استقلال یافته و در جامعه به افراد تندرست هم یاری برسانند.

موسوی حرفه‌آموزی به معلولان در مدارس و نهادهای متولی را امری ضروری دانسته و بیان می‌کند: اشتغال نقش قابل توجهی در استقلال معلولان دارد و در صورت اجرای قوانین، همراهی نهادهای آموزشی و احساس مسئولیت متولیان می‌توان آن را جامه عمل پوشانید.

موضوع همکاری بانکها و دستگاه‌های اجرایی با واحدهای تولیدی را استاندارد قزوین نیز بارها مورد تأکید قرار داده و آن‌ها را در نشست‌های مختلف ملزم به همراهی با تولیدکنندگان کرده است تا به قول خودش مانع زخمی کردن تولیدکنندگان شود و بتوان اقتصاد مقاومتی را جان بخشید.

به‌کارگیری نیروهای معلول برای کارفرمایان جاذبه ندارد

محمدرضا طاهری نیز وضعیت اشتغال معلولان به‌ویژه در استان اصفهان را بسیار نامطلوب اعلام می‌کند و به پیک توانا می‌گوید: اشتغال در سراسر کشور دچار مشکل است و در اصفهان نیز به دلیل قدیمی بودن صنعت این استان، مشکلات خاصی دارد.

او که از فعالان حوزه‌ی افراد دارای معلولیت و رئیس مجمع تشکل‌های اصفهان و نایب‌رئیس جامعه معلولان این استان است با تأکید بر اهمیت ایجاد تحول در صنعت اصفهان به‌منظور بهبود وضعیت اشتغال معلولان این استان عنوان می‌کند: مسائل اجتماعی و اقتصادی در سال‌های اخیر تعطیلی کارگاه‌های تولیدی و خصوصی را به دنبال داشته و فرآیند واگذاری امور به بخش خصوصی از سوی دولت نیز مزید بر علت شده،

بانک‌ها در خدمت کارآفرینان باشند

کارآفرین برتر حوزه معلولان اعتقاد دارد که معلول، تواناست و چنان‌چه برای او شغل و فرصت برابر ایجاد شود، نیاز به ترحم دیگران ندارد.

سید محمد موسوی با به‌کارگیری معلولان در خط تولید و بخش‌های مختلف گروه بهداشتی فیروز، برای ۶۰۰ نفر شغل ایجاد کرده است.

وی رمز موفقیت این شرکت را اتکا به توانمندی‌های معلولان عنوان و بیان می‌کند: در سال جاری که سال «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل» نام گرفته، باید تمام متولیان امر با دوری از شعارزدگی نسبت به ایجاد فرصت‌های شغلی به‌ویژه در حوزه معلولان اقدام کنند؛ کاری که کانون معلولین توانا از حدود ۲۰ سال پیش با بهره‌مندی از قدرت و اراده قشر معلول انجام داده است.

رئیس هیئت‌مدیره‌ی کانون معلولین توانا اضافه می‌کند: به‌منظور ایجاد فرصت‌های شغلی برای قشر معلول لازم است ضمن ایجاد امنیت اقتصادی از سوی دولت، بانک‌ها نیز در خدمت کارآفرینان باشند.

موسوی با انتقاد از اجرایی‌نشدن قانون استخدام ۳ درصدی معلولان در دستگاه‌های اجرایی و اداری ادامه می‌دهد: اجرای مقطعی قانون یاد شده هم کمکی به اشتغال معلولان نمی‌کند و اثرگذار نیست.

وی ایجاد ضمانت اجرایی برای قوانین مرتبط با اشتغال معلولان را لازمه تحقق آن می‌داند و یادآور می‌شود: به فرموده رهبر معظم انقلاب کمک به مردم باید با رویکرد اجتماعی صورت گیرد و اشتغال‌زایی در کانون معلولین توانا و شرکت فیروز نیز با همین رویکرد بوده است.

کارآفرین برتر کشور خاطر نشان می‌کند: باید نگاه به این قشر چنان باشد که با فراهم کردن فرصت‌های

«استخدام معلولان تکلیف قانونی شد»؛

این خبر اخیر انوشیروان محسنی بندپی، رئیس سازمان بهزیستی کشور برای جامعه یک‌میلیون و ۳۰۰ هزار نفری معلولان ایران بود؛ آماري که خود سازمان اعلام کرده است.

بر این اساس، ۶۵ درصد معلولان کشور را مردان تشکیل می‌دهند و ۷۰ درصد کل جامعه معلولان پس از تولد و بر اثر حوادث دچار معلولیت شده‌اند که بی‌شک برای داشتن شغل و فرصت‌های برابر با افراد تندرست محق هستند.

اینک طبق آمار ۳۰۰ هزار معلول در سراسر ایران متقاضی شغل هستند و بسیاری از معلولان با وجود داشتن شرایط و تحصیلات از شغل بی‌بهره‌اند.

رئیس سازمان بهزیستی ایجاد اشتغال را از اولویت‌های نخست و مهم این سازمان عنوان کرده و گفته بود قرار است قانون جدید استخدام معلولان در دستگاه‌ها از ابتدای سال آتی اجرایی شود تا به این ترتیب آنان نیز امکان بهره‌مندی از فرصت‌های شغلی را داشته باشند. محسنی بندپی این را هم گفته بود که لایحه اخیر استخدام معلولان در دستگاه‌ها در مجلس دهم بررسی و تصویب شده و امید است در آینده نزدیک به اجرا درآید؛ ضمن اینکه اجرایی‌شدن قانون یاد شده نیازمند تخصیص اعتبارات و تدوین الزامات مورد نیاز در قانون برنامه ششم توسعه است.

قاسم عبدالله‌زاده، قائم‌مقام توانمندسازی و مشارکت‌های مردمی سازمان بهزیستی اما در سفر اخیر خود به قزوین گفت: سهم ۳ درصدی اشتغال معلولان در دستگاه‌های دولتی در حال اجراست اما در بخش خصوصی اهرم اجرایی قوی برای الزام به اشتغال معلولان وجود ندارد.



زیرا به کارگیری نیروی دارای معلولیت برای کارفرمایان جاذبه ندارد.

نایب‌رئیس جامعه معلولان استان اصفهان اجرای قانون استخدام ۳ درصدی افراد دارای معلولیت در دستگاه‌های دولتی این استان را بسیار ضعیف عنوان و بیان می‌کند: در بخش دولتی در چند سال اخیر آزمون‌های استخدامی زیادی برگزار نمی‌شود، آزمون‌ها استانی شده و نهادها با اعتبارات داخلی خود اقدام به جذب نیروی انسانی می‌کنند اما از آن‌جا که برای مسئولان افراد تندرست در اولویت جذب هستند، حتی در صورت پذیرفته شدن معلولان در آزمون استخدامی، در مرحله مصاحبه افراد تندرست یا دارای سابقه کار جذب می‌شوند.

وی خاطرنشان می‌کند: به‌طور معمول وقتی کارفرما بتواند چند وظیفه را به نیروی تندرست واگذار کند، جذب نیروی معلول به دلیل محدودیت در جسم، برایش جاذبه‌ای ندارد.

طاهری تصریح می‌کند: دولت در سال‌های اخیر برای تشویق کارفرمایان به جذب نیروی معلول امتیازاتی مانند پرداخت حق بیمه به کارفرمایان را در نظر گرفته که در عمل چندان موفق نبوده است.

این فعال حوزه معلولان اضافه می‌کند: طرح کار در خانه هم که برای معلولان برنامه‌ریزی شد، به دلیل نداشتن برند و بازار مناسب برای عرضه تولیدات خانگی معلولان با اقبال چندانی روبه‌رو نشده است.

وی ادامه می‌دهد: در میان معلولان، افراد ناشنوا بیشترین و معلولان جسمی‌حرکتی کمترین شانس اشتغال را دارند.

نایب‌رئیس جامعه معلولان استان اصفهان اضافه می‌کند: دفاتر پیشخوان دولت، دفاتر رسمی و پلیس +۱۰ از بخش‌هایی هستند که افراد دارای معلولیت قادر به انجام نوع کار آن‌ها هستند و این مجموعه‌ها می‌توانند هنگام واگذاری به بخش خصوصی، مسئول آن را ملزم به به‌کارگیری نیروهای دارای معلولیت کنند.

طاهری خاطرنشان می‌کند: طبق اعلام مسئولان بنیاد طرح جدیدی با الگوگیری از کشورهای پیشرفته برای اشتغال پایدار معلولان در کشور اجرا شود که استان اصفهان به عنوان پایلوت آن انتخاب شده و بر اساس آن با توجه به علاقه و به تناسب توان فیزیکی معلولان، پس از چند سال آموزش و حمایت مالی، شغل‌های

پایداری برای آنان ایجاد شود.

نیمی از معلولان بیکارند

یک دکترای جامعه‌شناسی نیز با بیان اینکه نرخ بیکاری افراد دارای معلولیت دست کم پنج‌برابر افراد عادی است، به پیک‌توانا می‌گوید: این در حالی اتفاق می‌افتد که خودکفایی و استقلال فردی، بنیادی‌ترین موضوع در زندگی افراد دارای معلولیت است و نبود کار مناسب از مهم‌ترین عوامل طرد اجتماعی است.

غلامرضا زرین‌کفشیان ایجاد و توسعه اشتغال پایدار را زمینه‌ساز توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌داند و می‌افزاید: اشتغال در ایجاد حس مشارکت افراد دارای معلولیت نقش کلیدی دارد و این مشارکت می‌تواند به حوزه‌های مختلف تسری یابد که ثمره آن ارتقای سلامت روحی معلولان و جامعه است.

وی با بیان اینکه بیکاری معلولان ضمن تنزل جایگاه اجتماعی و انسانی آنان، روحیه‌ی ناامیدی و رکود را در آنان افزایش می‌دهد، می‌گوید: هزینه‌های مادی و معنوی ناشی از این موضوع برای جامعه چشم‌گیر است و از همین‌رو اشتغال این قشر موجب حذف هزینه‌های تأمین مستمری‌های مادام‌العمر می‌شود.

اشتغال معلولان موجب حذف هزینه‌های تأمین مستمری‌های مادام‌العمر می‌شود در حالی که دادن بسته‌های حمایتی موقت و رویکردهای مردود رفاهی به معلولان مشکلی از آنها رفع نمی‌کند.

این دکترای جامعه‌شناسی با اشاره به لزوم توجه به اشتغال در برنامه‌های توسعه‌ای جوامع اضافه می‌کند: جامعه‌ای که در آن اشتغال ایجاد شود، اما توزیع آن در میان افراد معلول و غیرمعلول متناسب نباشد، به توسعه‌یافتگی نرسیده است؛ هرچند اگر درآمد آن افزایش یابد.

زرین‌کفشیان با بیان اینکه دادن بسته‌های حمایتی موقت مانند بن و رویکردهای مردود رفاهی به معلولان مشکلات این قشر را حل نمی‌کند، ادامه می‌دهد: رویکردهای این‌چنینی در عمل مددجویانی وابسته، منفعل و متکی به منابع حمایتی می‌سازد که در هیچ صورتی از نهادهای حمایتی جدا نمی‌شود.

وی خاطرنشان می‌کند: این مشکل فقط در صورت ایجاد و توسعه اشتغال پایدار حل می‌شود و در یک کلام می‌توان گفت در حوزه سیاست‌گذاری برای نهادهای حمایتی مانند بهزیستی باید در زمینه اشتغال سرمایه‌گذاری شود.

این دکترای جامعه‌شناسی درباره علل عمده بیکاری افراد دارای معلولیت، تصریح می‌کند: نگرش منفی جامعه به ویژه کارفرمایان، مناسب‌سازی نشدن محیط کار، تبعیض در آموزش فرزندان دارای معلولیت، نبود



قوانین و برنامه‌ریزی درست از جمله این علل به شمار می‌روند.

زرین‌کفشیان می‌گوید: باید نگرش جامعه را تغییر داد، برای آنان مشاغل حفاظت‌شده ایجاد کرد، مزایای مالیاتی برای کارفرمایان در نظر گرفت و تسهیلات مالی به واحدهای کوچک کسب و کار پرداخت کرد.

وی خاطرنشان می‌کند: دادن آموزش‌های حرفه‌ای یا دیگر کمک‌های مالی و فنی برای آن دسته از کارفرمایان که افراد دارای معلولیت را به کار می‌گیرند از دیگر اقدامات مفید در زمینه ایجاد اشتغال برای معلولان محسوب می‌شود که در سطح بین‌المللی نیز به منظور حمایت بیشتر از اشتغال این قشر به آن پرداخته شده است.

بر اساس این گزارش، کتاب «ناتوان‌شدگان» نوشته غلامرضا زرین‌کفشیان نتایج یک پژوهش ذکر شده که بر اساس آن حدود نیمی از معلولان در جامعه ما بیکار هستند و معلولانی هم که خود را شاغل معرفی کرده‌اند، همگی به شغل‌های کاذب، بی‌ثبات و غیررسمی اشتغال داشته‌اند.

بر این اساس بیشترین آمار اشتغال معلولان مربوط به کارگری با ۹،۳ درصد و پس از آن کارمندی با ۸،۷ درصد و کم‌ترین آمار مربوط به خیاطی، دفترداری و مترجمی هر یک با ۰،۳ درصد سهم بوده است.

تدریس در دانشگاه، مدیریت، مهندسی، سیگارفروشی، نگهداری، فروشندگی، کفاشی و بایگانی از دیگر مشاغل بوده که شرکت‌کنندگان در این تحقیق به آن اشتغال داشته‌اند.

پس اشتغال معلولان نیازمند برنامه‌ریزی، فرهنگ‌سازی و اقدام جدی به منظور فعالیت این قشر در مشاغل دارای منزلت اجتماعی و نیز ایجاد اشتغال پایدار برای معلولان است و از رهگذر آن می‌توان به برابری، استقلال، اعتمادبه‌نفس بیشتر معلولان، ارتقای شان اجتماعی و اقتصادی، دوری از انزوا و توسعه‌یافتگی جامعه دست یافت و این امر جز با تأمین منابع مالی، تغییر نگاه مردم و جدایی از رویکردهای مردود رفاهی در سیاست‌گذاری‌های مسئولان امر محقق نمی‌شود.



در حال حاضر دانش‌آموزان اتیسم دارای هوش‌بهر طبیعی را در مدارس عادی نام‌نویسی می‌کنند و هدف آموزش و پرورش صرفاً تحصیل این دانش‌آموزان نیست؛ بلکه تلاش دارد دانش‌آموزان، درک و تعامل در جامعه کوچک مدرسه را بیاموزند تا در آینده، آن را در جامعه بزرگ‌تری پیاده کنند.

خانواده‌ها فضای خانه را از تشنج و افسردگی خارج کنند

امروزه شناخت افراد از اتیسم بسیار بیشتر از گذشته شده و رفتار و نگاه آنان بهتر است. در گذشته خانواده‌ها فرزند اتیسم خود را پنهان می‌کردند در حالی که باید فرد مبتلا به اتیسم در تعامل با اجتماع باشد. از همین رو باید خانواده‌ها تا حد امکان فضای خانه را از تشنج و افسردگی خارج کنند و او را به جامعه ببرند. در حال حاضر جامعه ما در زمینه‌ی اتیسم موفق است و هیچ‌جا تمسخری نسبت به مبتلایان ندیده‌ام.

بیمه هزینه‌های بیماران اتیسم را پوشش نمی‌دهد

متأسفانه اتیسم را جزو بیماری‌های خاص محسوب نمی‌کنند، بیمه هزینه‌های این بیماری را پوشش نمی‌دهد. همچنین مبلغ ناچیزی که بهزیستی پرداخت می‌کند، با توجه به پرهزینه بودن این بیماری دردی از خانواده‌ها دوا نمی‌کند.

در کشورهای پیشرفته سازمان‌های حمایتی و پژوهشی ساعت‌ها با مبتلایان به اتیسم مصاحبه و تمرین می‌کنند تا آنان توانمند شوند و تمام این اقدامات به صورت رایگان انجام می‌شود.

این کارها در کشور ما با دریافت هزینه همراه است و به واسطه هزینه‌های سنگین آن و حمایت نشدن از سوی نهادهای دولتی به موفقیت چندانی نمی‌رسد.

زهره بانو تک‌تک چیزهایی را که می‌خواهد آرش انجام دهد، خودش هم با او می‌آموزد و انجام می‌دهد؛ تا آنجا که تمام فرمول‌های درسی آرش را در رشته ساختمان به دست می‌آورد و به ذهن می‌سپارد. با او تمرین می‌کند و آرش را به جلسه امتحان می‌برد.

او از نمره‌دادن بی‌دلیل به آرش ناراحت می‌شود چرا که می‌خواهد پسر نوجوانش متکی به توانایی‌های خود باشد. زهره بانو چنان با نوه‌اش کار و تمرین کرده که او مانند یک دانش‌آموز غیراتیسم درس بخواند، در کلاس‌های مدرسه حاضر شود و با شهامت تمام در آزمون‌هایش شرکت کند.

زهره بانو و آرش در مسیر پیش‌بینی شده‌ی مادر بزرگ پابه‌پا و دوشادوش یکدیگر پیش می‌روند و می‌خواهند آینده را با دستان توانمند خود بسازند.

مبتلایان به اتیسم ضمیر اول شخص ندارند

آرش دچار بیماری صرع است و دارو مصرف می‌کند. وقتی در کودکی‌اش او را نزد پزشک بردم، از پزشک درخواست کردم که از نوه‌ام نوار مغز بگیرد؛ اما دکتر گفت این کار لزومی ندارد؛ در حالی که اگر این کار را انجام می‌داد، صرع آرش قابل تشخیص و کنترل بود. آرش در ۱۴ سالگی برای نخستین بار خیره ماند و غش کرد و اکنون روزی ۹ عدد قرص مصرف می‌کند.

حس مبتلایان به اتیسم ممکن است متفاوت از حس افراد عادی باشد. آنها قابل پیش‌بینی نیستند، حس خود را به‌گونه‌ای متفاوت از دیگران نشان می‌دهند. همچنین مبتلایان به اتیسم ضمیر اول شخص ندارند و اگر قصد بیان چیزی را داشته باشند، آن را از زبان دیگران و با ضمیر آن‌ها می‌گویند.

مبتلایان به اتیسم حس دارند؛ اما احساس آنان یکپارچه و متمرکز نیست و با استفاده از تاب و ترامپولین می‌توان یکپارچگی حسی در آنان ایجاد کرد.

از فرزندان طیف اتیسم نوار مغزی بگیرید

مبتلایان به اتیسم به دلیل قابل پیش‌بینی نبودن، باید در یک مسیر و برنامه‌ی قابل پیش‌بینی حرکت داده شوند. آن‌ها فرمان‌پذیر و به شدت علاقمند به برنامه هستند پس باید برای این فرزندان برنامه‌ریزی کرد.

اگر قرار است فرزندان اتیسم را به کاردرمانی ببریم، به نحوی ببریم که بدانیم در آینده بنیاد به کجا برسند. در برنامه‌ریزی برای مبتلایان به اتیسم از پایان به آغاز می‌رسیم.

یک مبتلا به اتیسم به‌هنگار وقتی بداند در پایان کار قرار است چه اتفاقی بیفتد، می‌توان گفت که همکاری می‌کند. در این راستا کسی که با فرزند اتیسم کار و تمرین می‌کند، باید همراه با او به پیش برود؛ نه اینکه فقط به او امر و نهی کند.

همچنین به تمام خانواده‌های فرزندان مبتلا به اتیسم توصیه می‌کنم حتماً یک نوار مغز از فرزند خود تهیه کنند زیرا ممکن است اتیسم او از نوع اتیسم همراه با صرع باشد.

مدارس برای دانش‌آموزان اتیسم دارای برنامه‌محور شده‌اند

حدود ۱۰ سال پیش وقتی برای تحصیل نوه‌ام به اداره آموزش و پرورش قزوین مراجعه کردم و از آنها برنامه‌هایشان را برای آینده‌ی فرزندان مبتلا به اتیسم خواستم، هیچ برنامه‌ای نداشتند که مرا قانع کند اما اکنون که در جلسات و سمینارهای آنان شرکت می‌کنم، می‌بینم محتوای کار پیشرفت زیادی کرده و مطالب همان مطالبی است که در کتاب‌های علمی اروپایی خوانده بودم.

برای اولین بار در ایران برگزار شد:

نشست کانون توانا با سفیران ۲۰ کشور با هدف اشاعه فرهنگ صحیح نگرى به معلولان دنیا



برای اولین بار در ایران نشست مشترک کانون معلولین با سفیران ۲۰ کشور دنیا، نمایندگان یونیسف، یونسکو، اکو و سازمان ملل برگزار شد.

به گزارش پیک توانا: در این نشست که با هدف اشاعه فرهنگ صحیح نگرش به معلولان در سراسر دنیا و در باشگاه دیپلماتیک وزارت امور خارجه ترتیب داده شده بود، سفیران کشوری چون استرالیا، ژاپن، کره جنوبی، صربستان، نروژ، لیبی، همچنین رئیس سازمان بهزیستی کشور، رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، نماینده مردم تهران و همدان در مجلس حضور داشتند.

سید محمد موسوی با تأکید بر اینکه معلولان کمک بلاعوض نمی‌خواهند تصریح کرد: امروز کانون معلولان تنها NGO در دنیاست که کمک بلاعوض دریافت نمی‌کند. وی یادآور شد: جمع‌آوری پول برای انسان‌ها به این علت که آن‌ها ناتوان هستند نگرش اشتباهی است و به قبل از رنسانس زمانی که همه کارهای بشر توسط جسم‌اش انجام می‌شد برمی‌گردد که در دنیای امروز دیگر معنایی ندارد.

مدیرعامل کانون معلولین توانا در این نشست اظهار داشت: ما به دنبال این هستیم که فرهنگ عدم دریافت کمک بلاعوض را برای معلولان در دنیا گسترش دهیم چرا که معلولان شهروندان عادی جامعه هستند و اگر حقوق شهروندی آن‌ها رعایت شود دیگر نیازمند اعانه و ترحم نخواهند بود.

محمدرضا هادی‌پور اذعان داشت: در تمام دنیا به فرد دارای معلولیت به‌عنوان یک شهروند درجه ۲ نگاه می‌شود و حتی در قلب اروپا نیز جامعه به نفع آن‌ها دست به جمع‌آوری اعانه می‌زند.

وی افزود: ما از ابتدای آغاز به کار کانون توانا از جمع‌آوری کمک بلاعوض برای معلولان مخالفت کردیم چرا که همواره معتقد بودیم این کمک‌ها کرامت انسانی آن‌ها را خدشه‌دار می‌کند.

عضو هیات مدیره کانون توانا خاطرنشان ساخت: ما بر این باوریم که معلولیت یک محدودیت جسمی است و می‌خواهیم تجربیات خود را با کشورهای دیگر به اشتراک

بگذاریم تا معلول در تمام جهان از کرامت و جایگاه ممتاز انسانی برخوردار باشد. رئیس هیئت‌مدیره کانون معلولین توانا نیز در این نشست با بیان اینکه ما معلولان حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داریم گفت: اگر قرار است ما را به دست خیریه‌ها بسپارند که به ما ترحم کنند، حقوق ما رعایت نمی‌شود.

رئیس بهزیستی کشور نیز در این نشست نسبت به تصویب قانون حمایت از حقوق معلولان ابراز امیدواری کرده و گفت: امیدواریم در ابتدای سال ۱۳۹۶ شاهد اجرایی شدن اصلاحیه قانون حمایت از حقوق معلولان باشیم.

انوشیروان محسنی‌بندی با بیان اینکه زمینه پویایی، تحرک و به منصفه ظهور رساندن استعدادها معلولان باید فراهم شود، بر نقش دولت در این زمینه تأکید کرد.

وی خاطر نشان ساخت: امیدواریم بتوانیم در پیوستن معلولان به فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه حداکثر تلاش را داشته باشیم.

رئیس هیات مدیره کانون توانا در اختتامیه اولین رویداد استارت‌آپی:

در شرایطی که دنیا به نام معلول پول جمع می‌کند کانون توانا دست به ارتقای دانش جامعه زده است

برای معلولان و با حضور مدیران استانی، نمایندگان مردم تاکستان در مجلس و دارندگان ایده‌های کارآفرینی برگزار کرد.

استارت‌آپ یک رویداد آموزشی-تجربی است که در سراسر دنیا در ۳ روز متوالی برگزار می‌شود و برنامه‌نویسان، مدیران تجاری، طراحان گرافیک، بازاریاب‌ها و اهالی کسب‌وکار شرکت‌کنندگان آن هستند که در ۵۴ ساعت باید به یک مدل کسب‌وکار مناسب دست پیدا کنند.

رئیس هیئت‌مدیره کانون معلولین توانا در اختتامیه این رویداد اظهار داشت: در شرایطی که در همه جای دنیا از اغنیا پول گرفته و بین فقرا و معلولان توزیع می‌کنند و نوعی گدایی سیستماتیک راه انداخته‌اند، اعضای کانون معلولین توانا در فضاهای دانشگاهی وارد شده و با برگزاری استارت‌آپ به کمک علم، دانش و اقتصاد کشور آمده‌اند. سید محمد موسوی تصریح کرد: افراد دارای معلولیت در کانون توانا نه تنها از فضای معلولیت و محدودیت جسم بیرون آمده‌اند بلکه به جایی رسیده‌اند که با انجام کارهای فرهنگی به دولت ارائه طریق می‌کنند و حتی فراموش کرده‌اند که در دنیا برای معلولان پول و اعانه جمع‌آوری می‌شود.

نماینده مردم تاکستان در مجلس شورای اسلامی نیز در اختتامیه این رویداد اظهار داشت: قائل شدن برخی امتیازات برای افراد دارای معلولیت ترحم یا تبعیض نیست بلکه جامعه ضابطه‌مند باید زمینه دستیابی به حقوق برابر را برای همه شهروندان فراهم کند.

بهمن طاهرخانی از سید محمد موسوی به‌عنوان مرد بزرگ و موفق یاد کرد و گفت: موسوی کسی است که کار خود را از حداقل‌ها شروع کرده و امروز کارآفرین بزرگی است.

طاهرخانی برگزاری رویدادهای استارت‌آپی را برای جذب ایده‌های نو مفید دانست و بیان کرد: این رویدادها راه‌های خلق اشتغال و رونق اقتصادی را نشان می‌دهند.

این رویداد استارت‌آپی پس از ۳ روز فعالیت و تشکیل ۱۲ کارگروه تخصصی به کار خود پایان داد و گروه‌های پنج‌جمله، چهارمغز، تواناگر و نبرد ذهن‌ها به ترتیب رتبه‌های اول تا چهارمی این رویداد را به خود اختصاص دادند.



اولین رویداد استارت‌آپی حوزه معلولان کشور تحت عنوان رویداد استارت‌آپی نگرش ناب به همت کانون معلولین توانای شعبه تاکستان و با هدف آموزش و ترویج کارآفرینی برای معلولان در دانشگاه آزاد این شهرستان برگزار شد.

به گزارش پیک توانا: کانون معلولین توانا این رویداد آموزشی-تجربی را با هدف آموزش و ترویج کارآفرینی

نبود حلقه واسط میان معلولان و مسئولان؛

معابری که هرگز مناسب سازی نمی شود

● نسترن کیوان پور



سهولت تردد افراد معلول که از ویلچر استفاده می کنند، وضع کرده و در نیوزلند نیز بسیاری از مراکز فرهنگی و تفریحی شهر برای استفاده ی معلولان و سالمندان مناسب سازی شده است، متأسفانه ایران به این حوزه توجه چندانی نشان نمی دهد. ۱۰ درصد کل جمعیت کشورمان را معلولان تشکیل می دهند و سوال اینجاست که آیا این درصد از شهروندان، اجازه ی استفاده از خدمات شهری را ندارند که در برنامه ریزی ها به کل نادیده گرفته می شوند؟

خبرها همیشه امیدوار کننده است و گه گاه از اختصاص بودجه برای معلولان و مناسب سازی معابر و سهولت دسترسی این قشر سخن گفته می شود اما در عالم واقعیت، این گونه نیست. معلولان عملاً، از سیستم برنامه ریزی و طراحی شهری به کناری رانده شده اند.

در ماده ی ۲ قانون حمایت از حقوق معلولان می خوانیم: کلیه وزارتخانه ها، سازمان ها و موسسات و شرکت های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظفند در طراحی، تولید و احداث ساختمان ها و اماکن عمومی و معابر و وسایل خدماتی به نحوی عمل کنند که امکان دسترسی و بهره مندی از آنها برای معلولان هم چون افراد عادی فراهم شود. هم چنین تبصره دو این ماده می گوید شهرداری ها موظفند از صدور پروانه احداث و یا پایان کار برای آن تعداد از ساختمان ها و اماکن عمومی و معابری که استانداردهای تخصصی مربوط به معلولان را رعایت نکرده باشند، خودداری کنند. اما متأسفانه در عمل این اتفاق نمی افتد.

انتظارات از سازمان های مردم نهادی که به موضوعات معلولان می پردازند، بسیار بالاست اما آیا معلول برای دسترسی به این سازمان ها و فرار از انزوایی که به افسردگی و هزاران بیماری دیگر منجر می شود، برای دسترسی به خدمات درمانی و تهیه ی داروهایی که هر ماه باید به طور مرتب مصرف کند، برای استفاده از فضای سبز و گذران اوقات فراغت خود در شهر نیاز به مسیری مناسب سازی شده برای تردد ندارد؟

پیش نیاز حضور معلولان در فضاهای شهر، معابر مناسب سازی شده است که متأسفانه به دلیل نبود برنامه ریزی جامع، تنها به موازی کاری در برگزاری کارگاه ها و همایش ها می انجامد. اگر بناست طراحی شهری برای قشر هدف صورت بگیرد ناگزیر به انجام مطالعات اجتماعی و نظرخواهی از گروه هدف خواهیم بود اما باید بپرسیم دوستانی که در این حوزه به فعالیت مشغول بوده اند، چقدر مطالعات اجتماعی را در این حوزه پیش برده اند؟

مناسب سازی معابر یکی از مهم ترین خواسته های معلولان است که متأسفانه علی رغم برگزاری همایش های مختلف و حتی اجرای مقطعی قانون های تصویب شده هنوز یکی از معضلات عمده ی شهرهای امروز ماست. به ویژه استان البرز که با تعداد بالای معلولان نیاز به داشتن معابر مناسب سازی شده در آن نسبت به سایر استان ها بیشتر احساس می شود.

مشکل اصلی را شاید بتوان در نبود حلقه واسط میان معلولان و مسئولان جست و جو کرد. اگر آمار و ارقامی از کارگاه ها و همایش های تخصصی مناسب سازی معابر را جست و جو کنید، شاید به اعداد قابل توجهی برسید که نشان از توجه مسئولان به کارشناسی موضوع دارد اما نکته اینجاست که بدون بهره گیری از نظرات شهروند معلولی که بناست در این مسیرها تردد کند، چه گونه می توان انتظار خروجی کارآمدی داشت.

به فرض مناسب سازی معابر باز هم چه طور می توان معلولان را به آن قسمت از مسیر رساند؟ آن هم زمانی که اتوبوس های مناسب سازی شده در اختیار افراد نیست، هیچ گونه طراحی برای اصلاح مبادی دسترسی و ورودی به معبر لحاظ نشده است و به این ترتیب افراد معلول برای تردد در کوتاه ترین مسیری با هزاران سختی و دشواری باید از آژانس استفاده کنند و هزینه رفت و آمد بالایی به آن ها تحمیل شود.

برگزاری همایش ها بهترین فرصت برای یکسو کردن نظرات کارشناسی و هم فکری برای اجرای بهتر طرح هاست اما دو مشکل عمده طی سال های متمادی سبب شده که شهرهای امروز به این شکل درآیند؛ اول نشیندن نظرات خود معلولان و دوم عدم استفاده از کارشناسان عمران، معماری و شهرسازی که دوره های یاد شده را گذرانده باشند.

یکی از دوره هایی که امروز ۱۲ دی ماه به همت سازمان نظام مهندسی ساختمان البرز برگزار می شود، به همین موضوع می پردازد و در قالب کارگاهی چهارساعته، به بیان تاریخچه، ضوابط طراحی شهری فضای شهری، ضوابط راه های دسترسی و ورودی ها، ضوابط داخل واحدهای مسکونی، اصلاح معابر و ساختمان های موجود و مواردی از این دست می پردازد که برای مهندسان شهرسازی، معماری و عمران ارائه شده است. توجه به موضوع مناسب سازی معابر و ارائه ی آموزش های لازم در این خصوص، موضوعی قابل توجه است اما در چه تعداد از این کارگاه ها از نظرات معلولان نیز بهره گرفته می شود؟

در حالی که حدود ۲۰ سال است که کشور ژاپن، برنامه ی مناسب سازی معابر را در دستور کار قرار داده، انگلستان از سال ۱۹۹۵ قوانینی برای طراحی خیابان ها به منظور



پیک توانا نماینده معلولان ایران در نمایشگاه مطبوعات نشست مطبوعاتی، یک قاب تفاوت و پانتومیم مردنابینا، رد پای توانای معلولان در نمایشگاه مطبوعات

● رقیه بابایی

احساس خود ابراز داشت: هنگام نشستن روی ویلچر احساس زیبایی یک جانباز و هنگام برخاستن از آن احساس یک معلول را داشتم و در هر دو حالت غبغه خوردم.

در ایجاد شرایط حضور اجتماعی معلولان کم‌کاری کرده‌ایم

شهردار اصفهان نیز اظهار داشت: ما مدیران شهری در زمینه فراهم آوردن سازوکار لازم برای حضور اجتماعی معلولان کم‌کاری کرده‌ایم.

مهدی جمالی‌نژاد در بازدید از غرفه پیک توانا با بیان اینکه ما مدیران شهرها در ایجاد دسترس‌پذیری شهری برای معلولان کم‌کاری کرده‌ایم تصریح کرد: تمام مدیران شهری در مناسب‌سازی شهرها باید به یک ژنسانس و حرکت جدی دست بزنند تا معلولان نیز از نشاط اجتماعی بهره‌مند شوند.

وی از خرید ۵۰۰ دستگاه اتوبوس با ارتفاع کم و جایگاه استقرار معلولان در اصفهان خبر داد و گفت: قبلاً چند دستگاه اتوبوس به صورت محدود در اختیار معلولان بود که وضعیت تردد را برای معلولان سخت می‌کرد و آن‌ها نمی‌توانستند در تمام نقاط شهر و همه مسیرها تردد کنند.

جمالی‌نژاد در خصوص میزان مناسب‌سازی اماکن تاریخی اصفهان برای معلولان اذعان داشت: بخش اعظم اماکن تاریخی زیر نظر میراث فرهنگی است اما به طور کلی دست‌بردن در ساختمان‌های تاریخی به‌سختی امکان‌پذیر است با این حال با توجه به اینکه شهرداری در زمینه مناسب‌سازی ورود پیدا کرده سعی کرده‌ایم تا جایی که بنای این ساختمان‌ها اجازه می‌دهد فضای بیرونی آن‌ها را برای معلولان آماده و دسترس‌پذیر کنیم.

جمالی‌نژاد همچنین با اشاره به نیازهای معلولان و سالمندشدن جامعه از همه شهرداران خواست تا در بحث مناسب‌سازی ورود جدی داشته و اتمسفر شهری

قانون جامع حمایت از معلولان در دستور کار مجلس است

رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی در بازدید از غرفه پیک توانا از قرارگرفتن لایحه قانون جامع حمایت از معلولان در دستور کار مجلس خبر داد و گفت: این قانون به دلیل وجود قوانین اولویت‌دار فعلاً در نوبت قرار دارد و من به سهم خود پیگیر طرح آن در صحن علنی خواهم شد.

داوود محمدی، نماینده مردم قزوین در مجلس تصریح کرد: باید تلاش کنیم تا موارد خوبی برای تأمین حقوق معلولان در برنامه ششم گنجانده شود.

مسئولان حق معلولان را ادا نکرده‌اند

نماینده مردم همدان در مجلس نیز بیان کرد: جامعه شایسته حضور معلولان است اما این مسئولان هستند که حق این گروه را به درستی ادا نکرده‌اند.

امیر خجسته تصریح کرد: مناسب‌سازی، درمان، آموزش و... همه حقوق حقه معلولان هستند.

وکیل مردم همدان در خانه ملت با اشاره به حمایت خود از تصویب قانون جامع نسبت به معیشت معلولان ابراز نگرانی کرده و گفت: معلولان از مسئولان انتظار توجه دارند.

جامعه مناسب جانبازان و معلولان نیست

نماینده مردم تهران در مجلس نیز با بیان این مطلب که حداقل خواسته‌های دو قشر معلول و جانباز مناسب‌سازی و دسترس‌پذیری اماکن عمومی است تصریح کرد: جامعه به هیچ وجه مناسب وضعیت جانبازان و معلولان نیست و ما در این زمینه دچار کمبود هستیم.

حجت‌الاسلام مازنی افزود: در بنای شهرها و ساختمان‌ها به همه موارد اندیشیده‌ایم جز آنکه از خودمان بپرسیم معلولان و جانبازان چگونه وارد این ساختمان خواهند شد.

وی همچنین با نشستن روی ویلچر توانا در بیان

ماهانامه پیک توانا با حضور در میان اهالی رسانه علاوه بر اینکه فاصله معلولان و سایر احاد جامعه را به حداقل می‌رساند با به نمایش گذاشتن توانمندی‌های افراد دارای معلولیت و همچنین بازکردن پای معلولان به این نمایشگاه بر توانمندی‌های این گروه از جامعه صحنه می‌گذارد.

به گزارش پیک توانا: بیست‌ودومین نمایشگاه مطبوعات و خبرگزاری‌ها در آبان‌ماه سال جاری به مدت یک هفته با حضور ۹۰۰ رسانه در مصلی امام خمینی (ره) برگزار شد.

تنها ماهنامه سراسری حوزه معلولان در کشور نیز با هدف انتقال دیدگاه‌های معلولان در این نمایشگاه حاضر شد و با میزبانی از مسئولان تلاش کرد تا نماینده خوبی برای جامعه معلولان ایران بوده و مشکلات و خواسته‌های معلولان را به اطلاع آن‌ها برساند.

غرفه پیک توانا در این نمایشگاه مورد بازدید تعداد زیادی از نمایندگان مجلس و مسئولان از جمله رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، وزیر دادگستری، نماینده مردم تهران، نماینده مردم همدان، استاندار قزوین، شهردار اصفهان، مدیرکل روابط عمومی وزارت راه و شهرسازی و مدیرعامل فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه قرار گرفت.

همچنین مدیران برخی رسانه‌ها از جمله مدیرعامل خبرگزاری ایرنا، مدیرعامل مؤسسه مطبوعاتی ایران، مدیرمسئول ماهنامه سینما، بخش خبری باشگاه خبرنگاران جوان، شبکه خبر، خبرگزاری مهر و... از غرفه پیک توانا بازدید کردند.

گفتنی است علی رستگار، مجید اخشابی، مریم نشیبا، کیهان ملکی، محمدرضا حیاتی، فریبا متخصص و فریبا خادمی بازیگر تئاتر و نویسنده از جمله هنرمندان بازدیدکننده از غرفه پیک توانا بودند.



دکتر گلزاده
مدیرعامل فروشگاه های زنجیره ای رفاه در کشور



حجت الاسلام مازنی
نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی



دکتر انتظامی
معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



کارآفرین برتر معلولان در کشور:
رسانه‌ها استعداد‌های معلولان را به مسئولان منعکس کنند

کارآفرین برتر معلولان در نشست مطبوعاتی «نقش رسانه‌ها در انعکاس توانمندی و مشکلات معلولین معلولان» اظهار داشت: رسانه‌ها و مطبوعات باید بیش از پیش توانایی و توانمندی معلولان را به جامعه معرفی کنند.

به گزارش پیک‌توانا: سید محمد موسوی در نشست مطبوعاتی خود که در بیست‌ودومین نمایشگاه مطبوعات و خبرگزاری‌ها با رویکرد نقش رسانه‌ها در انعکاس توانمندی و مشکلات معلولان برگزار شد با اشاره به نقش خبرنگاران در کمک به معلولان گفت: شایسته است تا رسانه‌ها که وظیفه رصد مشکلات جامعه را دارند، نبوغ و استعداد‌های سرشار جامعه معلولان را به مسئولان منعکس کنند.

دبیر برگزاری مجامع هم‌اندیشی تشکل‌های معلولان کشور با اشاره به اینکه معلولان با افق فکری خود می‌توانند در جامعه بدرخشند، گفت: متأسفانه نگرش جامعه هنوز اینگونه است که خیریه‌ها باید دست معلولان را بگیرند.

مقام عالی مشورتی سازمان ملل در زمینه معلولان ایران ادامه داد: هنوز حقوق معلولان در جامعه مشخص نشده و هر وقت صحبت از حقوق معلولان می‌شود از کم بودن بودجه‌ها صحبت می‌شود؛ درحالی که معلولان می‌توانند بهترین ناجی جامعه خود باشند.

مدیرعامل گروه بهداشتی فیروز یادآور شد: معلولیت یک محدودیت جسمی نیست، محدودیت عامل سازندگی است و معلولان چون محدود هستند سازنده‌تر هستند.



دکتر محمدی
رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی



دکتر همتی
استاندار قزوین



دکتر بی نیاز
مدیر کل روابط عمومی وزارت راه و شهرسازی



را برای حضور شهروندان معلول و سالمند که شهروندان درجه یک جامعه هستند مهیا سازند.

مدیرمسئول پیک‌توانا نیز در این نمایشگاه گفت: پیک‌توانا در ۸ سال حضور خود در نمایشگاه‌های مطبوعات ۴ مرتبه به رتبه‌های اول تا سوم دست پیدا کرده و همواره به اطلاع‌رسانی، توانبخشی، احقاق حقوق و پیگیری قوانین معلولان اهتمام داشته است.

محمدرضا هادی‌پور همچنین به برگزاری نشست مطبوعاتی بنیانگذار کانون توانا در نمایشگاه مطبوعات اشاره کرد و اذعان داشت: این نشست از معدود نشست‌های مطبوعاتی برگزار شده در کشور در حوزه معلولان است.

معاون اجتماعی کانون توانا اظهار کرد: پیک‌توانا با حضور در محافل فرهنگی و رسانه‌ای دستاوردهای قابل توجهی برای معلولان دارد چرا که به این گروه از جامعه تعلق دارد.

محمدحسن هادی با بیان اینکه پیک‌توانا در حال حاضر تنها نماینده معلولان ایران در نمایشگاه مطبوعات است گفت: حضور افراد دارای معلولیت و تشکل‌های آن‌ها در جامعه رسانه‌ای، از اهداف پیک‌تواناست.

مدیر فرهنگی‌هنری کانون توانا نیز نشست مطبوعاتی، اجرای طرح قاب چوبی و اجرای پانتومیم مرد نابینا را از طرح‌های پیک‌توانا در نمایشگاه مطبوعات برشمرد و گفت: با اجرای طرح قاب چوبی از مردم خواستیم تا پشت قاب چوبی روی ویلچر بنشینند و احساسشان را برایمان یادداشت کنند و از مسئولان خواستیم با درک شرایط معلولان در راستای تصویب قانون جامع حمایت از معلولان تلاش کنند.



تاریخچه پارک دیزنی لند

● ترجمه: افروز راشدی اشرفی

در صف‌های معمولی می‌شود. این خدمات به مهمانان اجازه می‌دهد زمان بازگشتشان به جاذبه مورد نظر را مشخص کنند که در مقایسه با زمان انتظار معمولی کوتاهتر است. با مشخص شدن زمان بازگشت، مهمانان می‌توانند تا زمان موعده به راحتی از سایر امکانات پارک از قبیل ملاقات با یک شخصیت خاص، خوراکی، سرگرمی‌ها یا حتی یک جاذبه دیگر بهره ببرند.

مهمانان تنها مجاز به داشتن یک زمان بازگشت هستند. به محض اینکه زمان بازگشت یک جاذبه استفاده شد، مهمانان می‌توانند برای جاذبه‌های دیگر یا همان جاذبه مجدداً زمان بازگشت دریافت کنند.

خدمات ویژه برای شرایط خاص

DAS، با زمان انتظار مجازی، به بسیاری از مهمانان دارای معلولیت خدمات رسانی می‌کند. با این وجود، دیزنی لند می‌داند که نیازهای مهمانان معلول با یکدیگر متفاوت است و تلاش می‌کند با فراهم کردن دستیار برای هر شخص نیاز آنها را برآورده کند. در شرایط ویژه، کارکنان روابط مهمان با اشخاصی که تصور می‌کنند DAS نمی‌تواند نیازهای آنها را برآورده کند در رابطه با خدمات ویژه‌ی پارک گفت‌وگو می‌کنند (برای مثال، آنهایی که معلولیتشان مدت زمان حضورشان را در پارک محدود می‌کند یا باعث محدودیت آنها در انتخاب جاذبه می‌شود).

سایر خدمات برای مهمانان دارای معلولیت به شرح زیر است

- معلولیت‌های شناختی، از جمله اوتیسم
- مشکلات شنوایی با استفاده از سیستم‌های شنیداری کمکی، انعکاس زیرنویس، مترجم زبان اشاره، تلفن‌های ماشینی، تحریر متن، زیرنویس فیلم، حیوانات راهنما
- معلولیت‌های حرکتی، نیازمندی‌های سیار، انتقال از ECV به ویلچر و بالعکس، اجاره‌ی ویلچر و ECV
- معلولیت‌های بینایی، توضیحات صوتی، کتاب راهنما به خط بریل

پارک دیزنی لند بخش مرکزی تفرجگاه دیزنی لند در آن‌هایم کالیفرنیاست. پارک تفریحی اصلی دیزنی در قلب میلیون‌ها نفر در سراسر جهان جایگاه ویژه‌ای دارد. با حضور سالانه میلیون‌ها مهمان، امروزه دیزنی لند حقیقتاً یک مکان جادویی و «شادترین مکان زمین» است. بسیاری افراد آن را یک شاهکار مهندسی عمران، نوآوری و خلاقیت می‌دانند که بیش از ۵۰ سال مهمانان را از همه‌ی سنین مجذوب خود کرده است.

دیزنی لند در ۱۷ جولای ۱۹۵۵ با ۱۸ جاذبه اصلی تأسیس شد. امروزه، بیش از ۶۰ ماجراجویی و جاذبه در این مکان وجود دارد. در روز بازگشایی آن‌هایم ۵ هتل و ۲ مسافرخانه با جمعاً ۸۷ اتاق و ۳۴ رستوران داشت. امروزه آن‌هایم دارای حدود ۱۵۰ هتل و مسافرخانه با بیش از ۱۸۰۰۰ اتاق و بیش از ۴۵۰ رستوران است. از زمان بازگشایی تا کنون بیش از ۵۰۰ میلیون مهمان از دروازه‌های دیزنی لند عبور کرده‌اند. در ۵۴ سال گذشته، دیزنی لند میزبان برخی از مهم‌ترین مقامات از جمله سران دولت (۷ رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا)، چهره‌های ورزشی و افراد معروف بوده است. دیزنی لند تأثیر فرهنگی و اقتصادی نیز بر جهان داشته است.

خدمات ویژه‌ی مهمانان معلول

پارک‌های دیزنی متعهد به فراهم کردن یک محیط پذیرا و جامع به همراه تجارب قابل دسترس برای مهمانان هستند. به عنوان بخشی از این تعهدات، پارک‌های تفریحی دیزنی لند برای افزایش خدمات به مهمانان معلول، خدمات دسترسی معلولان (DAS) را فراهم کرده‌اند.

شخصی که نیاز به استفاده از ویلچر یا اسکوتر دارد، به خدمات DAS نیاز ندارد. با توجه به جاذبه‌ی انتخابی، مهمانانی که از ویلچر یا اسکوتر استفاده می‌کنند می‌توانند در صف استاندارد قرار گیرند و یا زمان بازگشت به آن جاذبه را دریافت کنند که در مقایسه با زمان واقعی انتظار کوتاهتر است.

خدمات دسترسی معلولین (DAS)

DAS برای مهمانانی در نظر گرفته شده است که معلولیتشان مانع از صبر کردن آنها



معجزه عشق

ترجمه: صهبا شیرازی



ولی خیلی زود همه مهمان‌ها شگفت‌زده شدند وقتی دیدند او ایستاده است و در امتداد راهروی کلیسا قدم می‌گذارد. گرچه داماد از قبل از سوپرایز باخبر بود اما نتوانست جلوی اشک‌هایش را بگیرد. تقریباً همه اشک می‌ریختند و لحظه تأثیرگذاری بود. یک سال قبل جاکویی به خاطر کم بودن فشار خون نمی‌توانست بیش از سی ثانیه بایستد ولی حالا او توانست کل مراسم روی پاهای خود بایستد و این زوج برای اولین بار با هم رقصیدند. هدف جاکویی این است که بیش از پیش تلاش کند تا بتواند دوباره بدون ویلچر زندگی کند.

«اولین باری که تصمیم گرفتم به باشگاه برگردم، سوار دستگاه دوچرخه شدم. پاهایم آنقدر قدرت نداشت که بتواند پدال را فشار دهد و دستگاه خاموش شد. من ناراحت شدم، سرم را روی دستگاه گذاشتم و شروع کردم به گریه کردن. زمان زیادی طول کشید تا قدرت و انگیزه لازم برای برگشتن به باشگاه را پیدا کنم. در روز عروسی شما همه به شما نگاه می‌کنند و شما می‌خواهید که زیباترین باشید. من مطمئنم که می‌شود روی ویلچر هم درخشید اما من نمی‌خواستم این‌طور شناخته بشوم.»
وقتی جاکویی همراه مادر و پدر بزرگش وارد مراسم شد، هیچکس از دیدن او روی ویلچر تعجب نکرد،

قدم گذاشتن عروس در راهرو کلیسا همیشه بخشی از مراسم عروسی بوده است و در واقع احساس برانگیزترین بخش عروسی. جاکویی گونچر عروس ۲۵ ساله، کسی که توانایی راه رفتن را از سن ۱۷ سالگی از دست داده بود؛ با قدم گذاشتن در راهرو کلیسا مهمانان عروسی را شگفت‌زده کرد. جاکویی در سن ۱۷ سالگی متحمل حادثه‌ای در شنا شد که او را از گردن به پایین فلج کرد و دکترها گفتند که او دیگر هیچ‌وقت نمی‌تواند راه برود. او که در طول زندگی‌اش یک ورزشکار بود لحظات سختی را گذراند وقتی فهمید نمی‌تواند از پس کوچک‌ترین حرکات ورزشی بر بیاید.



رئیس هیئت مدیره کانون معلولین در گردهمایی بزرگ توانا:

بساط کاسه گدایی برای معلولان برچیده شود

● رقیه بابایی



اولین گردهمایی معلولان استان مازندران با نام گردهمایی بزرگ توانا به همت کانون معلولین توانا و در شهرستان نوشهر برگزار شد.

به گزارش پیک توانا: این گردهمایی همزمان با گرامیداشت روز جهانی معلولان با حضور امام جمعه، دادستان، مدیرکل بهزیستی، روسای بهزیستی و فرمانداران غرب مازندران و بیش از هزار فرد دارای معلولیت این استان در اردوگاه افسران برگزار شد.

رئیس هیئت مدیره کانون معلولین توانا در این گردهمایی با اشاره به اینکه ما معلولان حقوق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی داریم، ابراز کرد: مجلس باید برای تحقق مطالبات معلولان برنامه‌ای مدون به تصویب برساند و بساط کاسه گدایی برای معلولان برچیده شود تا نفس کمک‌گرفتن برای معلول، حس ناتوانی را به او القا نکند.

سید محمد موسوی افزود: افراد دارای معلولیت ناتوان نیستند بلکه تنها محدودیت دارند و باید گفت معلولیت یک محدودیت جسمی است و همه انسانها محدودند.

فعال حقوق اجتماعی معلولان کشور تقسیم‌بندی بین معلول و سالم را غلط دانست و گفت: انسان از منظر فطری مرز ندارد و مرزبندی‌ها محصول ذهن انسان هستند.

مدیرعامل گروه بهداشتی فیروز مطرح کرد: جامعه باید بداند که معلول گدا و متکدی نیست، معلولان در نتیجه عدم برنامه‌ریزی‌های صحیح مسئولان مورد ترحم قرار گرفته و مستحق کمک جلوه داده می‌شوند در حالی که همه آن‌ها از حقوق شهروندی برخوردارند.

این فعال حقوق معلولان کشور با بیان اینکه چنانچه معلولان از حقوق برابر با سایرین بهره‌مند شوند جامعه خواهد دید که این افراد ناتوان و نیازمند نیستند. موسوی تأکید کرد: معماری و مبللمان شهری باید برای همه یکسان باشد تا معلولان نیز بتوانند به راحتی از امکانات برخوردار شوند.

دبیر برگزاری مجمع تشکل‌های هم‌اندیشی معلولان با اشاره به اینکه نگاه ما توانمندسازی معلولان است، گفت: ۹۲ درصد پرسنل شرکت تولیدی بهداشتی «فیروز» را معلولان تشکیل می‌دهند و با کمک همین افراد موفق شدیم امسال نشان عالی کیفیت را از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی دریافت کنیم و با فعالیت خوب معلولان به دنبال توسعه شرکت هستیم.

وی همچنین شهناز رجبی را به عنوان یکی از مدیران موفق کانون توانا معرفی کرد و افزود: وی که پیش از این چندصد واحد مسکونی برای معلولان قزوین ساخته و تنها مدیرعامل زن معلول در کشور بوده است درحال حاضر نماینده کانون توانا برای ایجاد شعب این مجموعه در مازندران است.

مدیرعامل کانون معلولین نیز اظهار داشت: افراد دارای معلولیت امروز توانمندی‌های خود را اثبات کرده‌اند و ما اکنون معلولان زیادی را شناسایی کرده‌ایم که نخبه بوده و دارای سطوح بالای تحصیلاتی هستند.

محمدرضا هادی‌پور ادامه داد: نخبگان دارای معلولیت سرمایه‌های جامعه ما

هستند و می‌توانند الگوهای خوبی برای سایر شهروندان باشند. وی تصریح کرد: معلولان مشکلاتی از جمله عدم مناسب‌سازی فضاهای شهری، نبود ساختارهای اشتغال‌زا، بالا بودن هزینه‌های درمانی و... دارند که با تصویب قانون جامع حمایت از معلولان امیدوار به رفع آن‌ها هستیم.

رئیس بهزیستی شهرستان نوشهر نیز گردهمایی بزرگ توانا را گامی برای توانمندسازی معلولان دانست و گفت: اشاعه تفکر صحیح نگرش به معلولان و ایجاد انطباق بین سازمان‌ها از دستاوردهای این گردهمایی است.

جواد بسطامی خاطرنشان کرد: شاید تعریف علمی معلولیت، ناتوانی در انجام فعالیت‌های عادی در زندگی فردی و اجتماعی باشد اما باید گفت افراد دارای معلولیت کسانی هستند که با وجود تمام محدودیت‌ها و شرایط سخت زندگی توانسته‌اند از سد محدودیت‌ها عبور کنند.

وی تصریح کرد: به نظر من معلول آن مسئولی است که مسئولیتش را در قبال افراد دارای معلولیت به شایستگی انجام نمی‌دهد چراکه این افراد در توانایی با سایرین برابرند.

بسطامی خاطرنشان کرد: با مشاهده توانایی‌های معلولان باید پذیرفت که معلولیت محدودیت نیست و باید در این زمینه به باور رسید اما متأسفانه جامعه با نگاه نادرست خود معلولان را محدود می‌کند.

در پایان این مراسم از معلولان نخبه و همچنین روسای ادارات بهزیستی غرب مازندران تجلیل به عمل آمد.



رسم عاشقی

● محمودجان قربانی



رضاع) می‌گیرد.

سال‌ها از این ماجرا گذشته بود که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و مردم هنوز طعم شیرینی انقلاب را نچشیده بودند که جنگ آغاز شد و قاسم هم مانند بسیاری از جوانان به جبهه شتافت تا هم نذر مادر را ادا کند و هم فرمان امام را لبیک گوید.

قاسم هم مانند هر کس دیگری آرزوهایی برای خودش داشت و یکی از آرزوهایش زیارت امامی بود که از او شفا گرفته بود اما توفیق این زیارت بر دلش مانده بود. سید قاسم در جبهه‌ها هم به‌خاطر از خودگذشتگی و مهربانی‌اش زبانزد بود. رزمندگان به او علاقه‌مند بودند و دوستش داشتند.

قاسم بالاخره در یک عملیات در فکه به درجه شهادت نائل شد و خبر شهادتش خیلی زود در محل پیچید. در تمام محله غوغا شد. اهالی محل و تمام کسانی که او را می‌شناختند در محل و مسجد آماده استقبال از جنازه قاسم شدند.

اما پیکر قاسم نیامد.

پیکر قاسم جوان به اشتباه به مشهد مقدس جایی که تا آخرین لحظه زندگی‌اش آرزوی زیارتش را داشت رفته و در حرم امام رضا(ع) طواف کرده بود و تازه بعد از این اتفاق مسئولان امر با بررسی‌های مجدد متوجه این اشتباه شده و پیکر پاک او را به تهران و محله‌اش برگرداندند تا روح بزرگوارش در گلزار شهدای یافت‌آباد آرامش ابدی بگیرد. کسانی که از ماجرای سید قاسم و امام رضا(ع) خبر داشتند رفتن پیکر میرباقری به مشهد را رابطه عاشق و معشوق قلمداد می‌کنند. گویا این راه راهی بود که قاسم را به سوی جاودانگی برد.

قاسم عاشق اما هشتم بود، کسی چه می‌داند شاید امام رضا(ع) هم عاشق قاسم بود...

چه زیبا فرمود:

رسم عاشق کشی و شیوهی شهرآشوبی

جامه‌ای بود که بر قامت او دوخته بود

فکرش را هم نمی‌کرد که در محله‌شان فرزندی به دنیا بیاید که بعدها باعث خیر و برکت محله شود و مردم حاجتشان را از او بگیرند. در جنوب تهران و در نزدیکی مسجد امام سجاده(ع) خانواده‌ای از قشر متوسط و متدین زندگی می‌کردند. پدر خانواده در نهایت زهد و قناعت می‌زیست و همواره خانواده‌اش را به دینداری سفارش می‌کرد. آن‌ها بعد از مدتی صاحب فرزند پسری شدند و نامش را قاسم گذاشتند، قاسم بچه عجیبی بود و کارهایی می‌کرد که با سن و سالش مطابقت نداشت. او دوران کودکی‌اش را زمانی پشت‌سر می‌گذاشت که تحولاتی در ایران شروع شده بود و بعدها منجر به شکل‌گیری انقلاب اسلامی شد.

قاسم در مدرسه و مسجد به فعالیت‌های سیاسی می‌پرداخت و همین امر باعث رفت‌وآمد بیشتر او با بچه‌های مسجد شد و این امر تا پیروزی انقلاب ادامه داشت.

قاسم علاقه خاصی به اهل بیت(ع) و به‌ویژه امام رضا(ع) داشت و بعد از شنیدن ماجرای شفا گرفتنش از امام رضا(ع) ارادتش به این امام معصوم دوچندان شده بود. ماجرا به کودکی قاسم برمی‌گشت. او زمانی که پنج‌سال داشت دچار فلج اطفال شده بود و همه دکترها جوابش کرده بودند.

مادر او که زن باخدایی بود هر شب به مسجد محل می‌آمد و در خلوت خود برای فرزندش دعا می‌کرد. یک روز که او با دل‌شکستگی در گوشه مسجد درحال دعا بود به امام رضا(ع) متوسل شده و نذر می‌کند اگر پسرش شفا پیدا کند او را در راه دفاع از اسلام نذر کند. چندروز بعد او را به اصرار مادرش به مشهد مقدس می‌برند. قاسم در صحن گوهر شاد و بین نماز ظهر و عصر شفایش را از امام

سر از پا نمی‌شناختم. خیلی خوشحال بودم. بالاخره روزی‌ام شده بود پابوس آقا بروم، از چند روز قبل از حرکت دلپره داشتم. شاید به خاطر این بود که داشتم برای اولین‌بار به زیارت آقا می‌رفتم. بالاخره روز حرکت فرا رسید. همه در مسجد جمع شدیم. بعد از صحبت‌های امام جماعت در مورد آداب زیارت به سمت اتوبوس حرکت کردیم. بیرون مسجد غوغایی بود. یکی اسفند دود می‌کرد و دیگری قرآن بالای سر زائران گرفته بود. زمزمه صلوات و التماس دعا محله را پر کرده بود. داخل شدیم. پدر شهیدی که همیشه در صف نماز جماعت پیش‌قدم بود جلوی اتوبوس نشسته بود و صلوات می‌فرستاد. در صدلی‌های ته اتوبوس نشستیم. پیرمرد آخرین صلوات را برای در پیش رو داشتن سفری بی‌خطر فرستاد و همین‌طور که جمعیت صلوات می‌فرستادند اتوبوس حرکت کرد. داخل اتوبوس مادر میرباقری را دیدم. مادر یکی از شهیدان مسجد محل که ماجرای زیبایی در رابطه با امام رضا(ع) داشت و من هر وقت نام امام رضا (ع) را می‌شنیدم ناخودآگاه به یاد این شهید می‌افتادم. در طول مسیر ماجرای شهید میرباقری ذهنم را مشغول کرده بود. به‌طوری که کمتر متوجه مسیر می‌شدم. بالاخره به مشهد و محل اقامت در حسینیه‌ای واقع در کوچه پس‌کوچه‌هایی که انتهایش به یکی از خیابان‌های اصلی منتهی به حرم می‌شد رسیدیم.

مادر و خواهرم به قسمت پایینی حسینیه که برای خانم‌ها مجهز شده بود رفتند. من هم که بی‌تاب زیارت بودم بعد از آداب اولیه زیارت خودم را به حرم رساندم. هنوز دلپره داشتم و در راه ذکر می‌گفتم تا اینکه حرم را جلوی چشمانم دیدم. اذن دخول خواندم و داخل حرم مطهر شدم. حالا بهشت پیش رویم بود. غم‌هایم را فراموش کردم و تمام خواسته‌ام خیره‌شدن به ضریح بود. بعد از زیارت و نماز وارد حیاط مسجد گوهرشاد شدم و ناخودآگاه در گوشه در اصلی صحن نشستیم.

محو تماشای گنبد مسجد گوهرشاد بودم که صدای لاله‌الی‌اله نظرم را جلب کرد. جمعیتی انبوه داخل مسجد شده بودند و تکبیر گویان به سمت حرم در حرکت بودند. کمی جلوتر رفتم. مردم جنازه‌ای را برای طواف و تبرک وارد مسجد گوهرشاد کرده بودند، ناگهان یاد ماجرای تشییع جنازه میرباقری افتادم.

ماجرا به سال‌ها پیش برمی‌گشت. سال‌هایی که کسی



آسمان نیلی، آسمان مهربانی



انجمن حمایت‌گران آسمان نیلی در سال ۱۳۹۱ با هدف حمایت و آموزش کودکان سندروم داون تاسیس شد و ابتدا به‌عنوان یک انجمن از فرمانداری اصفهان مجوز گرفت و بعدها به عنوان یک سازمان مستقل در سازمان ثبت اسناد رسمی ثبت شد.

انجمن سندروم داون «آسمان نیلی» به یاد و خاطره فرشته کوچکی با همین نام و در حمایت از افراد سندروم داون در سال ۱۳۹۱ تاسیس شده است. این انجمن در تلاش است تا با معرفی فرشتگان سندروم داون به جامعه و فرهنگ‌سازی برای پذیرش این افراد، به حضور موثرتر آن‌ها در خانواده و جامعه کمک کند. آسمان نیلی بر آن است تا نشان دهد این کودکان اگر مورد توجه قرار گیرند می‌توانند به استقلال دست یابند و در برآوردن احتیاجات خود تا اندازه زیادی خودکفا شوند و حتی برای دیگران نیز مفید باشند.

فعالیت‌های انجمن آسمان نیلی بیشتر بر پایه گسترش فرهنگ پذیرش افراد سندروم داون بنا شده است؛ با این حال برگزاری دوره‌های درمانی برای کودکان، دوره‌های آموزشی برای والدین و افراد سندروم داون و همچنین مشاوره با والدین نیز از خدمات دیگر انجمن است. انجمن آسمان نیلی یک انجمن غیرانتفاعی و عام‌المنفعه است و کلیه درآمدهای حاصل از این انجمن صرف امور افراد سندروم داون می‌شود.

لازم به ذکر است که انجمن سندروم داون آسمان نیلی اولین مرکز تخصصی سندروم داون در اصفهان و تنها نماینده «داون سندروم اینترنشنال در ایران» است.



برای اطلاع از فعالیت‌های انجمن سندروم داون آسمان نیلی می‌توانید به آدرس اینترنتی این انجمن مراجعه نمایید:
www.asemannili.ir

ناتوان شدگان (رویکردی جامعه‌شناختی به طرد اجتماعی معلولین)

#کتاب_بخوانیم



است.

بخش دوم: طرد اجتماعی

این بخش به مبحث طرد اجتماعی می‌پردازد و شامل تاریخچه و ریشه‌های مفهوم طرد اجتماعی، تعریف طرد اجتماعی، ویژگی‌های طرد اجتماعی و مقایسه آن با فقر، درجات مختلف طرد اجتماعی، ابعاد طرد اجتماعی، رویکردهای متفاوت در مورد طرد اجتماعی و دیدگاه‌های نظری برخی از جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان پیرامون مسأله‌ی طرد اجتماعی مرور می‌شود.

بخش سوم: پژوهش کاربردی

در این بخش، وضعیت طرد اجتماعی معلولان جسمی و حرکتی در ایران را مورد بررسی قرار می‌دهیم. بنابراین این بخش از کتاب در برگزیده‌ی یک مطالعه‌ی تجربی توسط نویسنده در ایران است که در تکمیل و تأیید مباحث تئوریک می‌آید.

بخش چهارم: بررسی سابقه‌ی قانونی موضوع معلولیت

که مشتمل بر نگاهی به اعلامیه‌ها و قوانین جهانی در حوزه‌ی معلولیت، معلولان در قانون ایران، قوانین قبل از انقلاب، قوانین پس از انقلاب، محدودیت‌ها و پیشنهادها، نگاه و گفتمان غالب در قوانین مربوط به معلولان، پژوهش محوری، تربیت و برنامه‌ریزی نیروی انسانی، نگرش منفی و درک جامعه از معلولان، مشارکت سیاسی، نهادهای مردم‌نهاد و معلول‌نهاد، پیشگیری و نظارت در قوانین می‌باشد که با مقایسه قوانین ایران در حوزه معلولیت، با دو قانون: اصول استاندارد درباره‌ی برابر سازی فرصت‌ها برای معلولان مصوب قطعنامه ۴۸/۹۶ مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ مجمع عمومی و کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت به اتمام می‌رسد.

این دفتر از نگاهی نو به موضوع معلولیت و طرد معلولان پرداخته و بر تعریف‌پذیری معلولیت در پارادایم اجتماعی به لحاظ توجه به فاکتورهای اجتماعی طرد معلولان و پویایی آنها تأکید دارد و بر این اساس مسیری را در مقوله‌ی توانمندسازی معلولان می‌گشاید. بنابراین بخش کلیدی این کتاب، تلاش برای تغییر دیدگاه صرفاً پزشکی و فردگرایانه به معلولیت است. عناصر مدنظر ما در این مجال فاکتورهای اجتماعی‌ای هستند که شکل‌دهنده‌ی ناتوانی‌ای هستند که بر معلولان تحمیل شده و الگوهای پاسخ به آن که از جامعه متبادر شده یا ملازم با آن هستند. همچنین این کتاب با الهام از جنبش معلولیت توجه خود را به ظلم و ستم اجتماعی، گفتمان فرهنگی، و موانع زیست محیطی معطوف ساخته است. و ابعاد رنج معلولیت را در اقتصاد سیاسی و نظام جهانی، آگاهی کاذب و از خود بیگانگی، قدرت و ایدئولوژی و موانع جسمی و ارتباطی مورد بررسی قرار می‌دهد.

همچنین این کتاب فرضیه‌های بنیادی مربوط به تجربیات افرادی که «معلول» تلقی می‌شوند را به طور صریح بررسی می‌کند. یکی دیگر از ویژگی‌های این کتاب دادن جایگاهی به افراد معلول در محیط‌های آکادمیک است. این مطالعه تلاشی مستمر را برای تعریف دقیق و درستی از زبان و روش و هدف کار مرتبط با تجربه‌ی شخصی و اجتماعی معلولیت پایه‌ریزی می‌کند.

و...

کتاب مذکور در چهار بخش به نگارش در آمده است:

بخش اول: جامعه‌شناسی معلولیت

این بخش به مبحث جامعه‌شناسی معلولیت می‌پردازد که مشتمل بر مفهوم و تعریف معلولیت، اجزای اصلی معلولیت، انواع معلولیت، پیش‌زمینه‌های مربوط به مطالعات معلولیت، فرآیند برخورد جوامع انسانی با معلولیت، دورنمای مطالعات معلولیت، جامعه‌شناسی معلولیت، بررسی رویکرد پزشکی و اخلاقی به معلولیت در کنار رویکرد اجتماعی به معلولیت، مفهوم‌پردازی معلولیت در پارادایم‌های مختلف، معلولیت و ادبیات در مدل پزشکی و اجتماعی، ابعاد رنج معلولیت و نظریه‌های مربوط در حوزه‌ی معلولیت است. لازم به ذکر است که مفهوم‌پردازی معلولیت در پارادایم‌های مختلف حول دو محور پزشکی و اجتماعی معلولیت است که محتوای این کتاب ضمن بررسی جدال این دو مدل، به رویکرد دوم (مدل اجتماعی معلولیت) نزدیک‌تر

رشد ۲۵ درصدی فروش سالانه محصولات فیروز به همت معلولان

کارکنان معلول فیروز ضمن دریافت حقوق کامل، فوق‌العاده کاری استراحت میان کاری نیز دارند

فیروز نگاه جامعه به معلول را از «نان خوری» به «نان آوری» تغییر داده ادامه داد: جای افتخار دارد که این مجموعه معلولان را وارد فضای جدی کسب‌وکار کرده و به آنها لبخند، احساس مؤثر بودن و رضایت واقعی بخشیده است. وی همچنین از مجتمع کارخانه‌ای کانون توانا در شهر صنعتی لیا که در مجموع بیش از یکصد فرد معلول را به اشتغال گرفته است نیز بازدید کرد.



به گزارش پیک توانا: مدیرعامل گروه بهداشتی فیروز در نشست با معاون تعاون وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی که در حاشیه بازدید از کارخانه فیروز و مجتمع کارخانه‌ای کانون توانا صورت گرفت از رشد فروش ۲۵ درصدی محصولات فیروز در سال خبر داد و اظهار داشت: کارکنان معلول فیروز ضمن دریافت حقوق و مزایای منطبق با تعریف اداره کار از مزایای فوق‌العاده کاری و وعده‌های صبحانه، نهار، شام و میان‌وعده برخوردارند و در صورت برخورداری از شدت معلولیت از استراحت‌های میان کاری نیز بهره می‌برند.

سید محمد موسوی روش سرمایه‌داری الهی را دستاورد اندیشه‌های انقلابی امام خمینی (ره) برشمرد و بیان کرد: جذب نیرو، گسترش فعالیت‌ها و تبدیل دو شیفت کاری به سه شیفت در فیروز نتیجه پیروی از همین سبک سرمایه‌داری است.

این فعال اجتماعی تأکید کرد: اگر چه من به واسطه داشتن محدودیت جسمی توفیق حضور در خط مقدم جبهه و شهادت را نداشتم، اما با رعایت سبک سرمایه‌داری الهی در مجموعه خودم در راستای تداوم خون شهدا ایستادگی کردم.

فیروز نگاه جامعه به معلول را از نان خوری به نان آوری تغییر داد. سیدحمید کلانتری نیز در این نشست اظهار داشت: عملکرد مدیرعامل گروه بهداشتی فیروز حجت را بر بسیاری از مسئولان تمام کرد. این مسئول همچنین با تأکید بر این مطلب که مدیریت موسوی در

فرماندار تنکابن تأکید کرد:

ارائه نمونه بانکداری اسلامی به جامعه توسط کانون توانا ضروری است



فرماندار تنکابن در نشست با مدیرعامل کانون معلولین توانا این مجموعه را مجموعه‌ای قوی و دارای کارنامه‌ی قابل قبول دانست. کثیری واحد صندوق توانا را مستعد ایجاد بانک تک‌شعبه‌ای اعلام کرده و اضافه کرد: کانون توانا از این طریق می‌تواند یک نمونه‌ی کامل و عملی از بانکداری اسلامی را به جامعه عرضه کند. وی با تأکید بر لزوم انتشار پیک توانا، بهبود اوضاع فرهنگی جامعه نسبت به معلولان و حضور اجتماعی این گروه را مرهون فعالیت‌های این ماهنامه تخصصی دانست.

حضور واحد درمان کانون معلولین توانا در دومین نمایشگاه خدمات و تجهیزات توانبخشی



واحد درمان کانون معلولین توانا در دومین نمایشگاه تجهیزات توانبخشی و کمک‌توانبخشی معلولان و جانبازان که در آذر ماه سال جاری و به مدت ۴ روز دایر بود، حضور یافت. به گزارش پیک توانا: مسئول واحد درمان و سلامت کانون توانا هدف از شرکت در این نمایشگاه را رصد سطح کمی و کیفی محصولات توانبخشی مرتبط با نیاز معلولان اعلام کرد. پری چگینی اظهار داشت: این نمایشگاه فرصت خوبی است تا تولیدکننده‌ها از نزدیک جامعه هدف خود را شناسایی کرده و با نیازهای آنها بیشتر آشنا شوند.

معلولان و جهان زندگی روزمره

● علی اصغر نظری



اند پایشان را از این جهان فراتر نهند. مانند فیلسوفان، شاعران و حتی در مواردی دیوانگان (بهلول عاقل دیوانه را به خاطر آورد که چگونه همه چیز را به بازی می‌گرفت!). آن‌ها می‌توانند جهانی را تصور کنند که برای انسان‌های معمولی وجود ندارد. معلولان از معدود افرادی هستند که بنا بر جایگاه ویژه‌ای که در جامعه دارند از این قابلیت برخوردارند، قابلیتی که همزمان چشم بصیرت می‌دهد اما عذاب و درد نیز با خود به همراه می‌آورد.

افراد دارای معلولیت تا حد زیادی خارج از قراردادهای عرف زندگی قرار دارند. کمتر اتفاق می‌افتد که با آن‌ها به‌عنوان انسان‌های عادی برخورد شود. معمولاً یا کانون توجهات بیش از حد هستند یا نادیده گرفته می‌شوند. فرد معلول همواره در جایی بیرون از سپهر زندگی روزمره قرار دارد. فقر یک معلول با فقر یک انسان عادی بسیار تفاوت دارد، آن‌ها تنهایی، عشق، خشم، نفرت، تعصب، ترس و محبت را با شدت و عمقی بسیار بیش از افراد عادی تجربه می‌کنند. آنان قادرند ببینند که زندگی به سادگی بسیاری از انسان‌ها را نادیده می‌گیرد و تا چه حد می‌تواند ناعادلانه و ستم‌گرانه باشد. به عبارتی تازیانه و نوازش‌ها را بسی شدیدتر حس می‌کنند. در این موقعیت زندگی عریان تجربه می‌شود، خود زندگی است که تجربه می‌شود. به همین دلیل جامعه از دید فرد معلول شاید بسیار احمقانه به نظر برسد، درحالی‌که فرد عادی حتی تصویری مبهم از جامعه ندارد. فرد معلول به آسانی می‌تواند بفهمد روابطی که انسان‌ها زندگیشان را بر پایه آن بنا می‌نهند دست آخر تا چه حد می‌تواند تصنعی و بی‌محتوا از کار درآید. او می‌تواند دنیایی را در اندیشه خود تصور کند که تنها از آن اوست. اما این‌که چرا این جهان تاکنون به سخن نیامده است پرسشی است که خود آنان باید پاسخ دهند.

سایه‌هایی که برای دوره ای موقت بر دیوار زمخت زندگی ظاهر می‌شوند اما به سرعت ناپدید می‌شوند، سایه‌هایی که باری عظیم بر دوش دارند و مَه‌ری سنگین بر لب. گویی آن‌ها همواره زندگی را با سکوت سرد خود باید سپری کنند، با سکوت زندگی کنند و در سکوتی غمناک این جهان را بدرود گویند.

تو گویی هرگز وجود نداشته‌اند. تنها کسی می‌تواند آن‌ها را درک کند که در جایگاهشان باشد و از آن‌جا که این امر غیرممکن است، سخن‌ها درباره معلولان همیشه شبیه بازی بوده است.

چه خوشمان بیاید و چه ناراحت بشویم افراد معلول وجود دارند. آن‌ها معلول هستند و از بسیاری از توانایی‌های افراد عادی محرومند و محکوم به زندگی در جامعه‌ای که افراد عادی آن را برای افراد عادی‌تر ساخته‌اند هستند، جامعه‌ای متناسب حال انسان متوسط. نیازهای یک فرد دارای معلولیت هم‌زمان هم کمتر از یک فرد عادی است و هم بسیار فراتر از آن. نیازهایی که بسیار عمیق‌تر از نیاز به پله برقی، آسانسور و اتوبوس مخصوص است. هرچند اهمیت این موارد را نمی‌توان انکار کرد. اجازه بدهید اندکی از جاده اصلی منحرف بشویم.

همه آدم‌های عادی در جهان زندگی روزمره زندگی می‌کنند. جهان خرید، بازار، کار، ازدواج، فرزند و... این جهان ویژگی‌های خاصی دارد. همه چیز در آن معلوم شده است و افراد به سرعت می‌دانند در هر موقعیتی چه کار کنند. آن‌ها می‌دانند با پدر و مادر خود چگونه رفتار کنند، کی ازدواج کنند، معنای زندگی چیست، خوب چیست و بد چیست. فقط باید در جایگاه پدر، مادر یا کارمند قرار بگیری، آن‌وقت ماشین زندگی روزمره همه چیز را به تو خواهد گفت و انسان از زحمت اندیشیدن خلاص خواهد شد. همواره بوده‌اند افراد خاصی که توانسته



آزمون و خطا تا کی؟

حسین شیرخانی

۳۱

پیکر توانا

اجتماعی

به منصفه ظهور خواهد رسید. یعنی پاره‌ای از مواد آن به صورت لایحه‌ی مصوب مجلس خواهد بود و پاره‌ای دیگر به‌عنوان قانون جدید در هیأت وزیران تصویب خواهد شد.

فرق این دو نوع تصویب در این است که موادی که در قالب لایحه تصویب می‌شوند، قانون و لازم‌الاجرا هستند و موادی که در هیأت وزیران تصویب شده‌اند ممکن است با روی کار آمدن دولت جدید لزوم اجرایی بودن خود را از دست بدهند.

اما چاره بی‌گمان تغییر رویکرد است، صرف‌نظر از سرنوشت صدها هزار معلولی که زندگی‌شان در گرو تصویب این قانون است وقتی جامعه‌ای آزمود که با درگیر کردن هر چه بیشتر امور مربوط به قشر معلول و با بوروکراسی اداری نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود پس بهتر است راه دیگری در پیش گرفت.

و چرا نباید شانس تعیین موقعیت‌های سرنوشت‌ساز شغلی و آموزشی معلولان را با بودجه‌های دولتی به خود معلولان واگذار کرد؟ از این رو پیشنهاد می‌شود به جای تأکید بر کمک هزینه‌های مالی سازمان بهزیستی دوره‌های میان‌مدت آموزش شغلی به وسیله‌ی کارفرمایان و با پشتیبانی سازمان بهزیستی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و هر نهاد دولتی مؤثر در امور توانبخشی برگزار شود.

همچنین در نظر گرفتن مشوق‌های مالیاتی برای کارفرمایان می‌تواند ضامن موفقیت این دوره‌ها و اشتغال معلولان بوده و از تحمیل بار مستقیم مالی بر دولت پیشگیری کند.

آزادکردن کارفرمایان از پرداخت مالیات و پرداخت تسهیلات بیمه‌ای می‌تواند به شکوفایی تولید کمک مؤثری بکند.

می‌توان دریافت که بسیاری از سازمان‌های دولتی یا به استخدام معلولان تمایل ندارند و یا نیازی به مهارت‌های این افراد ندارند و عملاً نمی‌توانند یا نمی‌خواهند به اجرای مفاد مربوط به سهمیه استخدامی مربوط به آن‌ها بپردازند. امکان تحصیل رایگان معلولان نیز بر اثر کمبود بودجه همه‌شمولی خود را از دست داده و سازمان بهزیستی بعضاً بر اساس شاخص‌هایی چون پافشاری افراد درخواست‌کننده کمک هزینه تحصیلی، وضع مالی مددجو و... اقدام به اعطای این بخش از تسهیلات مالی می‌کند. وضعیت مناسب‌سازی محیط شهری و ارائه‌ی تجهیزات توانبخشی هم هم‌چنان وضعیت مطلوبی ندارد.

همچنین کمبودهای اساسی قانون جامع وقتی آشکار می‌شود که پس از کمتر از بیست سال نیاز به تدوین قانونی دیگر احساس شده است در حالی که اگر یک قانون درست طراحی شده و رویکردی صحیح داشته باشد سال‌ها تاریخ مصرف خواهد داشت. به گفته سهیل معینی از فعالان عرصه‌ی قانون‌گذاری معلولان، یکی از مهم‌ترین اصول تأیید مصوبات مجلس از سوی شورای نگهبان، عدم مغایرت با شرع و همچنین عدم مغایرت با اصل ۷۵ قانون اساسی است و بنابراین اصل نباید طرح‌های مصوب مجلس بار مالی به دولت تحمیل کنند و از آنجا که مواد دربرگیرنده رفاه اجتماعی معلولان باری مالی داشتند پس یا حذف شدند یا به گونه‌ای نگاشته شدند که بار مالی مستقیم به دولت تحمیل نکنند و این یکی از نقایص قانون بود.

نقص دیگر قانون ماده ۱۶ معروف بود که اجرای قانون را منوط به وجود بودجه می‌کرد. در حال حاضر نیز قانون جامع حمایت از حقوق معلولان که ناکارآمدی خود را نشان داده به گونه‌ای دوباره

برای معلولی که موفق به پیدا کردن هیچ شغلی در جامعه نشده، اشتغال دیگر اتفاقی نیست که اگر نیفتاد با آن کنار بیاید و اگر رخ داد به خوشحالی سطحی اکتفا کند؛ بلکه شغل برای او دغدغه اصلی زندگی است. معلول فاقد شغل و درآمد زندگی متفاوتی پیدا می‌کند.

باید گفت دیدگاه یک معلول بیکار نسبت به اشتغال با نحوه نگرش قانون‌گذار که به او وعده اشتغال در قالب ورژن جدید «قانون جامع حمایت از معلولان» می‌دهد بسیار متفاوت است. قانون‌گذار شاید این وعده‌ها را در یک روز کاری پر از نشاط می‌دهد اما معلول بیکار دغدغه‌اش این است که چگونه روز را شب و شب را روز کند. دنیای این دو، فرسنگ‌ها با هم فاصله دارد. هر یک از انسان‌ها کار خودشان را می‌کنند، قانون خودشان را دارند، مسائل را به شیوه خود و با اولویت‌های حرفه‌ای خودشان توضیح می‌دهند اما آن‌ها نمی‌دانند آن چه برای آن‌ها حرفه است برای عده‌ای زندگی است. به نظر می‌رسد کاری مثل قانون‌گذاری به گونه‌ای مانند کشتی‌رانی است؛ کشتی‌رانی هم برای کشتی‌بان و هم برای سرنشینان کشتی در حکم زندگی است.

اگر ناخدا کشتی را از روی تفنن در دریا بگرداند یا همه را اسیر طوفان می‌کند یا در نتیجه اتمام آذوقه همه را قربانی گرسنگی خواهد کرد. قانون‌گذاری هم اگر به سرگشتگی و اطناب بینجامد دیگر سودی نخواهد داشت؛ چرا که فرصت‌ها و استعدادها هدر رفته و زندگی نسل‌ها سپری شده است.

از زمان تصویب قانون شانزده ماده‌ای حمایت از حقوق معلولان شاخص‌ترین وعده‌ای که به معلولان داده می‌شد رفع مشکل اشتغال بود. حالا پس از دوازده سال از تصویب این قانون

جمع آوری اعانه عزت نفس معلول را تخریب می کند



مدیرعامل کانون معلولین در میتاپس تجارب مدیران که با حضور بیش از ۳۰ نفر از مدیران ارشد بنگاه های اقتصادی صورت گرفت اظهار داشت: کانون توانا تنها مجموعه ای است که نه تنها با دریافت کمک بلاعوض مخالف است بلکه آن را مخرب کرامت انسانی معلولان می داند. به گزارش پیک توانا: میتاپس مدیران یک دوره می صمیمی بین مدیران ارزش آفرین است که برای انتقال تجارب و همافزایی با هدف تشکیل خانواده ای بزرگ از مدیران کشور برگزار می شود.

محمد رضا هادی پور در این میتاپس اذعان کرد: طبق تحقیقات به عمل آمده همه N.G.O ها از اغنیا پول دریافت کرده و به توزیع آن بین معلولان می پردازند. وی ادامه داد: این سازمان ها به فکر استقلال و شخصیت معلولان نیستند و با جمع آوری اعانه به نفع معلولان عزت نفس این افراد را مورد تخریب قرار می دهند. عضو هیئت مدیره ی کانون توانا تصریح کرد: افراد دارای معلولیت افرادی توانمند هستند و جامعه در نگرستن به آنها دچار مشکلات فرهنگی است. هادی پور با بیان این مطلب که امروز

معلولان به حد کفایت توانمندی های خود را به اثبات رسانده اند تصریح کرد: حالا زمان آن رسیده که جامعه در ادای دین به این افراد احساس وظیفه کند. مدیرعامل کانون توانا خاطرنشان ساخت: افراد دارای معلولیت در حال حاضر در عرصه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، ورزشی و... موفق ظاهر شده اند و اگر کسی بخواهد چشم بر این موفقیت ها ببندد خود دچار مشکل است.

لباس های مناسب برای معلولان

• ندانی زاده

لباسی دارند که دارای شرایط زیر باشد:

- ۱- لباس باید در تن این افراد تنگ نباشد و روی لباس برجستگی مانند زیپ، دکمه، وجود نداشته باشد چون باعث فشار و آسیب به پوست می شود.
- ۲- کت افراد باید کوتاه باشد تا روی ویلچر راحت بنشینند و در ناحیه کتف و بازو دارای آزادی کافی باشد.
- ۳- آستین ها نباید خیلی بلند یا گشاد باشند تا در استفاده از ویلچر دچار مشکل نشوند.
- ۴- استفاده از کفش برای این افراد به منظور تمیز نگه داشتن و گرم بودن پاها بسیار مهم است و بهتر است کفش انتخابی یک سایز بزرگ تر باشد زیرا گاهی اوقات پاهای این افراد ورم می کند. همچنین کفش هایی که در کنار آن ها زیپ دارد برای این افراد بهتر است.



لباس ها می توانند مهم ترین چالش برای کسانی که روی ویلچر می نشینند باشند. شناخت هر لباس با هر شکل و فرمی به راحتی روی تن آنها نمی نشیند. یکی از شرکت های ایالات «تورنتو» لباس های مخصوص افراد معلول جسمی تولید می کند که مخصوص این افراد طراحی شده و جوابگوی نیازهای آن هاست.

ما در افراد ویلچر نشین با بدن نشسته کار داریم نه بدن ایستاده؛ به این معنا که کمر آنها حین نشستن عریض تر است بنابراین شلوارهایشان پایین می آید و پشت آنها را نمایان می کند و همچنین کش شلوار از جلو یا عقب چین می خورد. موارد پزشکی ای وجود دارد که باید به آن ها توجه کرد، مانند صاف ماندن پوست و چروک نخوردن آن.

پس باید تا حد ممکن شکاف لباس ها کم و تا حد ممکن تخت باشد. شلوارها نباید جیب پشتی، دکمه درشت و یا هر چیزی که موجب جراحت می شود، داشته باشند. لباس از پشت باید به دو قسمت تقسیم شود تا بتواند به افرادی که محدودیت حرکت در آنج دارند کمک کند.

کسانی که از ویلچر معمولی استفاده می کنند به فضای بیشتری در قسمت شانه نیاز دارند و این فضا حتی برای کسانی که از ویلچر الکترونیکی استفاده می کنند مورد نیاز است. همه این نکته ها باید در طراحی لباس استفاده شود تا بتواند یک فرد ویلچر نشین احساس راحتی در لباس خود داشته باشد. همچنین افراد دارای ضایعه نخاعی نیاز به



امام آمد ...

در آبان ماه اعتصابات کارکنان شرکت نفت، مخابرات، بانک ملی، سازمان آب، رادیو و تلویزیون و... بر دامنه مبارزات افزود. در ۱۳ آبان ۱۳۵۷ تظاهرات دانش‌آموزان و دانشجویان مقابل دانشگاه تهران به خاک و خون کشیده شد. ۱۴ آبان ارتشبد غلامرضا اژه‌اری مأمور تشکیل کابینه شد. تظاهرات تاسوعا و عاشورا عملاً به صورت همه‌پرسی بر ضد رژیم شاهنشاهی درآمد و مردم در شعارهایشان خواستار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی شدند.

رژیم شاه آخرین نفس‌ها را می‌کشید و آخرین تیر ترکش شاه و اطرافیانش نخست‌وزیری شاپور بختیار از اعضای قدیمی جبهه ملی بود که با شعار سوسیال دموکراسی آمده و خود را مرغ توفان می‌دانست. تمهید دیگر شاه برای حفظ تخت و تاج خود تشکیل شورای سلطنت بود و در ۲۶ دی ۱۳۵۷، محمدرضا شاه پهلوی ناچار به خروج از ایران شد. امام که دولت بختیار را غیر قانونی اعلام کرده و شورای انقلاب را تشکیل داده بودند با فرار محمدرضا شاه از ایران، آماده عزیمت به میهن اسلامی شدند. بختیار فرودگاه‌ها را بست و پرواز امام یک هفته به تأخیر افتاد اما سرانجام روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ حضرت امام پس از ۱۵ سال تبعید به ایران بازگشتند.

ورود امام به میهن را میلیون‌ها نفر از تهران و سایر نقاط کشور استقبال کردند و در نهایت انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید و اینگونه بود که امام با بوی گل سوسن و یاسمن آمد.

در ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ سینما رکس آبادان توسط عوامل ساواک به آتش کشیده شد و مردم بیگانه جان سپردند. جمشید آموزگار که در سال ۱۳۵۶ به جای امیرعباس هویدا بر مصدر نخست وزیر تکیه زده بود با گسترش امواج انقلاب اسلامی مجبور به استعفا شد و جعفر شریف امامی، که با شعار دولت آشتی ملی سعی در فریب افکار عمومی داشت به نخست وزیر رسید. او تاریخ شاهنشاهی را لغو و قمارخانه‌ها را تعطیل و مطبوعات را آزاد و حزب رستاخیز را منحل کرد اما هشیاری رهبری انقلاب و مردم مسلمان نقشه رژیم را نقش بر آب کرد.

روز ۱۳ شهریور ۱۳۵۷ نماز عید فطر در قیطریه تهران به امامت آیت الله مفتاح به نحو بی‌نظیری برگزار شد و با تظاهرات مردم در ۱۶ شهریور، اعلام حکومت نظامی شد. روز جمعه ۱۷ شهریور، مردم، بی‌خبر از حکومت نظامی به خیابان‌ها ریخته و ارتش شاه در میدان زاله (شهدا) به روی مردم بی‌دفاع آتش گشود و خیابان‌های اطراف را غرق در خون مردم بیگناه کرد و هفده شهریور ۱۳۵۷ بدین شکل در تاریخ انقلاب به جمعه سیاه معروف شد.

با آغاز سال تحصیلی، دانشجویان و دانش‌آموزان حضور مؤثرتری یافتند. امام در ۱۳ مهر ۱۳۵۷ عازم فرانسه شدند و از آنجا هدایت سکان کشتی مردم را در امواج خروشان انقلاب اسلامی به دست گرفت. دهکده نوفل لوشاتو در حوالی پاریس مبدل به کانون خبرساز جهان شد و مردم و خبرنگاران از همه نقاط دنیا برای مصاحبه با امام (ره) به آنجا سرازیر شدند.

تغییر فضاهای آموزشی هم‌پای تحول نظام‌های آموزشی

● فرزانه پارسایی
کارشناس ارشد روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی



مدتی است گسترش علم روانشناسی و جامعه‌شناسی به این نتیجه منتهی شده که کودکان و نوجوانان نیازمند فضاهای آموزشی شاد هستند. به‌ویژه این که با گسترش شهرنشینی خانه‌ها بیش از پیش کوچک شده، شکل آپارتمانی پیدا کرده و امکان حرکت و بازی را از بچه‌ها گرفته‌اند. در نتیجه کمبودهای آنها را با شاد کردن فضای مدارس و ایجاد امکان برای ورزش و بازی، استفاده از فضای سبز و یا رنگ‌های شاد می‌توان جبران کرد. علاوه بر آن که فضاهای آموزش و پرورش بر کارایی برنامه‌های آموزشی نیز اثر می‌گذارد. بنا به همین دلایل مدت‌ها است برنامه‌های آموزشی و به دنبال آن فضاهای آموزشی در سطح جهان تغییر زیادی کرده‌اند.

امروز در مدارس از هر فضایی برای آموزش دانش‌آموزان به بهترین وجه بهره‌برداری می‌شود به طوری که فضای کلاس‌ها و حتی حیاط مدرسه انباشته از وسایل و تصاویر کمک‌آموزشی است. **بچه‌های امروزی نه تنها دیگر محکوم نیستند ساعت‌ها پشت نیمکت‌ها ثابت بنشینند بلکه می‌توانند در صندلی‌های تک‌نفره ای که سطح میز آنها برای استفاده از وسایل آزمایشگاهی و کمک آموزشی صاف است بنشینند و معلم‌ها می‌توانند متناسب با هر فعالیتی نحوه آرایش کلاس را تغییر دهند.**

در روش‌های سنتی آموزش، معلم‌ها گوینده و دانش‌آموزان شنونده بودند. به‌عبارتی آموزش بر مبنای سخنرانی بود و در نتیجه معلم بر دانش‌آموزان احاطه داشت. در نتیجه نیمکت‌های دو یا سه نفره پشت هم چیده می‌شدند و امکان حرکت و مانور برای دانش‌آموزان و معلم کم بود اما با مطالعه روی شیوه‌های مختلف آموزشی، مشخص شده که یکی از بهترین شیوه‌های آموزشی که می‌تواند به نحو مؤثری بین آموزگار، دانش‌آموز و مباحث درسی رابطه ایجاد کند آموزش گروهی است.

از مزایای آموزش گروهی نیز طرح ایده‌های نو و ترغیب دانش‌آموزان به صحبت کردن است. این روش که اینک در جهان به‌طور گسترده به کار گرفته می‌شود اقتضا می‌کند که فضای آموزشی متناسب با آن تدارک دیده شود. همچنین در شیوه‌های آموزشی سنتی و چیده شدن نیمکت‌ها پشت سرهم، بسیاری از بچه‌هایی که قد بلندی دارند به ناچار به ته کلاس رانده می‌شوند و از ناحیه معلم به آنها توجه نمی‌شود. در حالی که اگر بچه‌ها به جای این که پشت هم بنشینند به شکل دایره‌ای بنشینند به طور یکسان مورد توجه معلمان قرار می‌گیرند.

به این ترتیب صندلی‌ها در نظام آموزشی تکی هستند و امکان جابجایی دارند. سطح آنها طوری ساخته شده که می‌توان وسایلی را به راحتی رویشان قرار داد و آزمایشاتی انجام داد. با این صندلی‌ها امکان این وجود دارد که دانش‌آموزان به گروه‌های

نقاشی‌ها و مجسمه‌های زیبا حس زیبایی‌شناسی دانش‌آموزان را تقویت کرد و در عین حال به آنها در زمینه فرهنگی و هنری به ویژه فرهنگ ملی و هنر بومی آموزش داد.

در کشورهای پیشرفته دانش‌آموز استثنایی به لحاظ بهره‌مندی از امکانات آموزشی از دانش‌آموز عادی جدا نیست و حتی در بسیاری از موارد برای کمک به یادگیری دانش‌آموز با نیازهای ویژه، از ابزارهای کمک آموزشی متفاوت استفاده می‌شود و مشکل فضای آموزشی برای دانش‌آموز استثنایی برطرف شده است اما در کشور ما این مشکل برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه برجای خود باقیست.

بسیاری از دانش‌آموزان معلول علاقمند به آموزش در سیستم آموزشی عادی با مشکلات و موانع مختلف روبرو می‌شوند که عملاً به سمت تحصیل در مدارس استثنایی سوق داده می‌شوند و این در حالی است امکان تحصیل در مدارس استثنایی برای همه گروه‌های دانش‌آموزان با نیازهای خاص اعم از نابینا، ناشنوا، جسمی حرکتی در همه مناطق کشور امکان‌پذیر نیست و بسیاری از شهرها از داشتن مدرسه استثنایی ویژه آموزش کودکان نابینا و ناشنوا محروم هستند و بنابراین تعداد دانش‌آموزان استثنایی در مدارس استثنایی موجود در سطح کشور با فراوانی قابل توجهی روبرو می‌شود که این رویداد منجر به کوچک شدن کلاس‌ها در فضای آموزشی می‌شود و با یک نگاه ساده در می‌یابیم که دانش‌آموزان استثنایی حتی در مدارس استثنایی نیز از حداقل استانداردهای جهانی برای آموزش محروم هستند و شاید این موضوع پاسخگوی بخشی از عدم موفقیت‌های دانش‌آموزان استثنایی در مقایسه با دانش‌آموزان عادی است.

چند نفره تقسیم شوند و کارهای گروهی انجام دهند. به این ترتیب معلم هم به جای این که در جلوی کلاس تک‌گو باشد، بین صندلی‌ها می‌گردد و دیگر نقش سخنران را ایفا نمی‌کند بلکه در نقش راهنما ظاهر می‌شود.

در نظام‌های پیشرفته آموزشی، حتی دانش‌آموزان بر حسب دروس مختلف در کلاس‌های مختلف می‌گردند و دروس تخصصی در کلاس‌های مختلف و همراه با امکانات متناسب با آن دروس تدریس می‌شود. مدارسی که در کشورمان کوشیده‌اند از چنین تجاربی استفاده کننده به نتایج خوبی دست یافته‌اند.

جالب است که ظاهراً فضاهای آموزشی گذشته ما به شیوه‌های نوین آموزشی دنیا نزدیک‌تر بودند. بسیاری از مدرسه چهار باغ اصفهان به‌عنوان نمونه‌ای از مدارس مربوط به چند صد سال پیش مثال می‌آورند که هم محیطی زیبا و جذاب بوده و هم امکان بحث و کار جمعی داشته است. هر چند که نمی‌توان در شرایط کنونی به‌طور کامل از این مکان‌ها الگوبرداری کرد ولی این نمونه‌ها نشان می‌دهد که ما براساس تجربیات گذشته امکان و توان تغییر شرایط و پویاتر کردن فضاهای آموزشی‌مان را داریم.

هم‌اینک در جهان وجود فضای سبز در مدارس چنان ضروری تلقی می‌شود که کشورهایی نظیر آلمان مدرسه‌هایشان را به باغ مدرسه تبدیل کرده‌اند.

با به روز کردن کتاب‌های کتابخانه و محیط خلاق می‌توان دانش‌آموزان را به کتاب‌خوانی علاقه‌مند کرد و به‌طور کلی همه این ابزار به شکوفایی استعداد دانش‌آموزان کمک می‌کند. حتی می‌توان هنر را نیز وارد فضاهای آموزشی کرد و با گذاشتن



طرح: صبا جاوید

علاقه مندان می توانند تحلیل خود را از این طرح به سامانه ی پیام کوتاه ۳۰۰۰۷۵۴۵ ارسال کنند. به بهترین تحلیل جایزه ای ارزنده اهدا خواهد شد.

سودوکو، مخفف عبارت ژاپنی "سوجی وا دوکوشین نی کاگیرو" به معنی «ارقام باید تنها باشند» است. قانون اول: در هر سطر جدول اعداد ۱ الی ۹ بدون تکرار قرار گیرد. قانون دوم: در هر ستون جدول اعداد ۱ الی ۹ بدون تکرار قرار گیرد. قانون سوم: در هر ناحیه ۳x۳ جدول اعداد ۱ الی ۹ بدون تکرار قرار گیرد.

۵	۳		۷				
۶			۱	۹	۵		
	۹	۸				۶	
۸			۶			۳	
۴			۸		۳	۱	
۷			۲			۶	
	۶				۲	۸	
			۴	۱	۹		۵
				۸		۷	۹

۴				۲	۸	۳	
	۸		۱	۴			۲
۷		۶		۸		۵	
۱				۷		۵	
۲	۷		۵			۱	۹
	۳		۹	۴			۶
		۸		۹		۷	۵
۳			۸		۶		۹
	۴	۲	۷				۳

طراح: حسین طارمیان

احضار به طلاق

● شیرین فتح الهی

داشت. بگذاریمش بهزیستی. خیلی که پافشاری کردم جوابش شد احضار به طلاق! تنه‌ایمان گذاشت اما تنها نشدیم، کنار هم بزرگ شدیم. یعنی او بزرگم کرد. سبحان از نفس کشیدن تا راه رفتن و حرف زدن و بیسکویت‌های توی جیبش خدا را آورد جلوی چشم‌هایم. خود خدا را، مطلق و کامل روی زمین درست درست در تیررس دیدم قرار داد.

صبح به صبح روی ماه خدا را بوسیدم و دلم مالش رفت از گرفتن دست‌هایش. بخشی از خدا گوشه اتاق کوچک من جا شد.

عباس نماند، دم رفتن اشک می‌ریخت و پی‌درپی می‌گفت دوستت دارم، از خر شیطان پیاده شو! به یک فرشته بی‌گناه می‌گفت خر شیطان! به کودک نوپای من که زیر ماسکی قد صورتش نفس می‌کشید. می‌خواست پاره تنم را رها کنم. بنشینم و دلش و لابد توت خشک کنم و برگه‌ی زردآلو. بعدم قه‌قه‌ها بخندیم جوری که انگار آب از آب تکان نخورده. فقط بچه‌مان را دادیم رفته، همین! عباس همین؟ این بچه که نمی‌فهمد تو چه بزرگش کنی یا نکنی! سر یک سال خدا یکی دیگرش را به ما می‌دهد. یکی بهترش را!

انگار از یک ماشین حرف می‌زد که سر تصادفی مچاله شده و یا ژاکتی که سر طناب بوده و باد برده و حالا بهترش را می‌خریم، قشنگ‌ترش را!

سبحان گریه می‌کرد. شیرش می‌دادم که صدای تق در را شنیدم. عباس رفت! برف نم‌نمک شروع به باریدن می‌کند. بر من، بر پیرمردی که گوشه‌ی خیابان کاسه ای زنگ‌زده به گدایی گرفته، بر دخترکی که از شوق می‌دود، بر مرد جوانی که تا بینی در یقه پالتوایش فرو رفته.

کنارم نیست، برمی‌گردم روی پله‌ی مغازه‌ای نشسته و جیب‌هایش را تکان می‌دهد! و برف... برف بر همه ما یکسان می‌بارد.

حواسم بهش هست. یعنی خیالم راحت است که دارد پشت سرم می‌آید. با این حال هزار گاهی برمی‌گردم پشتم را می‌پایم. کلاه کاپشنش را روی سرش کشیده و بخار گرمی از دهان نیمه‌بازش بیرون می‌آید. درخت‌ها را می‌شمارد. به راهم ادامه می‌دهم. زن بارداری را می‌بینم که از روبه‌رویم می‌آید. به زور قدم برمی‌دارد و نفس نفس می‌زند، مردی هم هم‌پایش است و چیزی شبیه پسته یا بادام مشت‌مشت در دستان زن می‌ریزد. یاد خودم می‌افتم.

همچین که کمی شکمم بالا آمد عباس کار و زندگی‌اش را ول کرد. یک الف بچه را گذاشت در دکانش و خودش شد پروانه و تا آخر نه ماه دور من چرخید، اما سبحان که به دنیا آمد انگاری پر و بالش سوخت! به چهارراه می‌رسیم. چادر را روی بینی‌ام می‌کشم و کف دستم را ها می‌کنم. برمی‌گردم منتظر می‌شوم باید تا با هم خیابان را رد شویم. برگ‌های خشک‌شده را جمع می‌کند و می‌گذارد زیر درخت‌ها. نگاهم را حس می‌کند. بلند می‌شود و می‌دود. توی دویدن لنگ‌زدنش بیشتر معلوم می‌شود. به نظر من که از همه قشنگ‌تر می‌دود.

قدش از من بالاتر زده. شاید هم من آب رفته‌ام! روی پنجه پایم بلند می‌شوم و شالش را روی دماغ یخ‌زده و سرخس می‌کشم. می‌دانم آن زیر هنوز دهانش باز است. برگ‌ها رو چرا می‌زاری زیر درختا؟ چشم‌هایش از هیجان دو دو می‌زند. پیش مامانشون باشن!

دستای سرد استخوانی‌اش را می‌گیرم و رد می‌شویم. به دختر بچه‌ای که لبوی داغ‌گنده‌ای را سر چنگال پلاستیکی گاز می‌زند می‌خندد. از جیبش خرده‌های بیسکویتش را روی سنگ‌فرش‌ها می‌ریزد. بی این که نگاه کند، انگار دست‌هایش به این کار عادت دارند. واسه مورچه‌هاست؟ شالش را با دست‌هایی که همیشه لرزش خفیفی دارند پایین می‌کشد. پیداشون می‌کنن؟ معلومه که!

عباس نماند که نماند. هرچه گفتم و هرچه همه ریش‌سفیدی کردند، مرغش یک پا



صبح روز هفتم کنار پل عابر

● بهناز ضیحی

به این پل‌های عابر ساده نگاه نکنید. به چشم مزاحم‌هایی که فقط ساخته شده‌اند تا وقت شما را در گذشتن از خیابان بگیرند. این‌طورها هم نیست. خیلی از این‌ها شاید منتظر شما باشند. اگر شهرداری این‌همه برای رد شدن از آن‌ها تبلیغ می‌کند لابد بی‌دلیل نیست. شاید دلیلی عاقلانه، عارفانه و حتی عاشقانه داشته باشد. مثلاً برای خود من گذشتن از پل عابر یک دلیل عاشقانه خیلی قوی دارد. آن هم پلی که حتماً پله داشته باشد. نه پله برقی و نه آسانسور. شما هم این‌قدر دنبال این وسایل آسایش‌زا نباشید. روی این پله‌برقی‌ها و آسانسورها هیچ اتفاق تازه‌ای نمی‌افتد مگر اینکه کسی پایش لای درز پله‌ها گیر کند یا کسی از هولش پله رفت و برگشت را برعکس برود و بخواهد با مغز بیاید زمین و دل یک عده‌ای را شاد کند یا آسانسور مگر واقعاً چه سود خاصی می‌رساند جز اینکه مدام باید دلهره داشته باشی نکند الان گیر کنی و اکسیژن کم بیآوری، یا اینکه با سرعت نور در ثانیه سقوط کنی روی زمین. پس جز خطر مرگ چیز خاصی ندارند. آن وقت فکر می‌کنید این جور مردن جذاب خواهد بود. به نظرم اصلاً و ابداً. اما مردن از درد انتظار خیلی جذاب و فوق‌العاده خواهد بود.

تازه این‌ها را کسی دارد برایتان می‌گوید که خودش پای بالا رفتن از پله‌ها را ندارد. نه اینکه واقعاً نداشته باشم. دارم. اما خودشان را لوس کرده‌اند و روی یک صندلی چرخ‌دار آویزان مانده‌اند. همین لعنتی‌ها بودند که کار دست دلم دادند. همین‌ها و آن آسانسور به‌دردنخور که خراب بود. آن روز صبح باید جایی می‌رفتم که یادم نیست کجا. یادم بود ولی از وقتی او را دیدم بقیه چیزها آن قدر برایم کم‌اهمیت شدند که زود فراموشم می‌شوند. صبح زود بود و من کنار پله‌های پل عابر ایستاده بودم و فکر می‌کردم حالا چطوری این آهن‌قراضه‌ها را بالا و پایین بروم که یک‌هوا دستی صندلی‌ام را به حرکت درآورد و گفت: شاید برای شما هم بد نباشه یه وقتی از پله بالا پایین برید ببینید ما چی می‌کشیم. دیدم که همش سوار آسانسورید و انگار که خنده کوتاهی کرد و ادامه داد: بجنب مریم تو از جلو بگیر. الان سرویس می‌ره. فرصت نکردم جوابش را بدهم اما صدایش مجبورم کرد برگردم و نگاهش کنم. رو پله هفتم بودیم که تازه به خودم آمدم و گفتم: اذیت نشین. کاش یه مرد می‌ومد و بلافاصله حرفم را خوردم. الان که فکر می‌کنم می‌بینم عجب حرف احمقانه‌ای زده بودم. هیچ چیز نگفت. فقط شنیدم که دارد سخت نفس می‌کشد. سرویشتان آمده بود که آخرین پله را آمدم پایین. خداحافظی هم نکرد. دوید که به سرویس برسد. تا آن روز هیچ‌وقت از اینکه روی این صندلی نشسته‌ام خوشحال نبودم. ناگهان احساس کردم چقدر این آهن‌پاره را دوست دارم. همه‌جایش را خوب نگاه کردم. مخصوصاً دسته‌هایش را. اصلاً از همان روزها شد که تصمیم گرفتم بروم توی کار طراحی دسته. به دست‌های مختلف فکر کردم و دسته‌هایی که باید بگیرند. دست‌های چاق، لاغر، استخوانی، کوچک، بزرگ، دست‌هایی با انگشتان کشیده، یا با رگ‌های آبی بیرون‌زده، دست‌هایی که عادت دارند کلی انگشتر توی انگشت‌هایشان بیندازند، دست‌هایی با پوست‌های حساس یا دست‌هایی که فقط به کمک به دیگران فکر می‌کنند. به نظرم این‌ها حساس‌ترین و لطیف‌ترین دست‌ها هستند. مرد و زن هم ندارد.

تا چند دقیقه‌ای یادم رفته بود اصلاً چرا آمدم این‌ور خیابان. اتوبوسشان که محو شد یادم آمد. داشتم با خودم فکر می‌کردم قبلاً کجا دیده بودمش. یک لحظه فکر کردم نکنند آشنایی بود. من چرا نشناختمش. به هر حال به نتیجه خاصی نرسیدم. فقط یک چیزی ته دلم گفت کاش فردا هم آسانسور خراب باشد. اما لعنتی درست شده بود. از دست‌هایی که آمده بودند و درستش کرده بودند حرص درآمد. فردای آن روز زودتر از دیروز روی پادری آسانسور ایستاده بودم. آن روز هیچ کاری نداشتم. فقط آمده بودم ببینم آسانسور درست شده یا نه که اگر درستش نکرده‌اند بروم اعتراض کنم و بدهم پدرشان را... دروغ گفتم. آمده بودم ببینم اگر درست شده قبل از آمدنش خرابش کنم. ده بار کلید بالا و پایینش را زدم. پایم را لای درش گیر انداختم.



اما لامصب خراب نمی‌شد. یک‌هوا صدایش را شنیدم که با لبخندی گفت: «این جوری خراب نمیشه‌ها، یه کم بیشتر تلاش کنید» و بعد تا من به خودم بجنبم رفت تو و دکمه یک را فشار داد. انگار که دیرش شده باشد. سرویشتان داشت راه می‌افتاد. روی پل دوید. برای اتوبوس دست تکان داد. دعا دعا کردم نبیندش و جا بماند. اما رفت. از شوخ‌طبعی‌اش خجالت کشیده بودم. هنوز هم گاهی فکرم درگیر می‌شود که نکند قصد من را از کلنجار رفتن با آسانسور فهمیده بود. خوب اصلاً فهمیده باشد، اصلاً کاش می‌فهمید. باور کنید نمی‌دانم چه شده بود. یک چیزی مرا تا عصر همان‌جا نگه داشت. هنوز هم امید داشتم که شاید یک آدم بی‌فرهنگی که استفاده از وسایل عمومی را بلد نیست پیدا بشود و بزند گند آسانسور بیاید بالا اما از شناس من نشد. همه مانند انسان‌های متمدن رفتند و آمدند.

فردا صبح نفهمیدم چطور لباس پوشیدم و چطور از خانه زدم بیرون. هنوز هم با خودم می‌گویم کاش حداقل یک نگاهی به آینه می‌انداختم. نکند زیادی شلخته بودم. اصلاً کاش آن چتر رنگی را برمی‌داشتم. اما نه همان‌طوری بهتر بود. برفی که روی لباسم نشسته بود حس شاعرانه خاصی به من داده بود. شاید فکرم به ظاهر احمقانه به نظر برسد اما باور کنید تأثیر دارد. مثلاً چشم‌انتظاری در یک روز بارانی با یک بارانی شیک و یک چتر سیاه شاعرانه‌تر است یا که مثل من لباس درهم‌ریخته بپوشید و موها و شانه‌ها تان خیس شده باشد. خوب معلوم است دومی. حس انتظار در تمام حالت‌هایش موج می‌زند. اولی بیشتر مرا یاد مراسم خاک‌سپاری این خارجی‌ها می‌اندازد.

روز ششم توی دفتر خاطراتم نوشتم: خوب که چی؟ میاد و میره. توهم میری و میای. بیشتر شبیه مسئول در آسانسور شدی. بهت می‌خنده‌ها بدبخت. یه کم به حس اعتماد کن. بزار یه کاری برات بکنه. با خودم گفتم باشه.

صبح روز هفتم آمد. آن روز سلاسه‌سلاسه می‌آمد. انگار داشت از برف و سرما حسایی لذت می‌برد. حتی سمت آسانسور هم نیامد. از کنار رد شد و گفت صبح بخیر و رفت سمت پله‌ها. دید که در آسانسور باز است اما من نمی‌روم تو. پرسید: خرابه؟ خواستم دروغ بگویم که یک‌هوا یک نفر از خدا و از دل ما بی‌خبر از بالا دکمه را فشار داد و آسانسور حرکت کرد. لبخندی زد و گفت: فکر کردم هوس پله‌سواری کردیدی. آه، لعنت به من. کاش می‌گفتم آره. کاش یک چیزی می‌گفتم که بفهمد به خاطر او آمده‌ام. زانم باز نشد به حرف‌زدن. مثل اینکه توی دهانم ماست بسته باشند. چون مجسمه‌ای ایستادم و بالا رفتنش از پله‌ها را تماشا کردم. دیدم که روی پل ایستاد و منظره برفی شهر را تماشا کرد. چشم‌هایش را بست و نفس عمیقی کشید. مثل کسی بود که دارد از چیزی یا کسی خداحافظی می‌کند یا می‌خواهد برای همیشه از جایی دل بکند و روز هفتم به هشتم نرسید.

البته من مانند احمق‌ها امیدوارم که برسد. خوب بعضی‌ها هم نمی‌گویند مانند احمق‌ها می‌گویند شبیه عاشق‌ها. شاید هم درست‌ترش مانند بچه‌ها باشد. بچه‌هایی که پدر و مادر بهشان قول می‌دهند این جمعه ببرنشان پارک، بعد نمی‌برند و می‌گویند حتماً هفته‌ی بعد می‌رویم و بچه آخر هر جمعه کمی ناراحت می‌شود، غصه می‌خورد، با همه قهر می‌کند اما از فردایش باز امیدوارانه منتظر است که آن روز برسد. اما هنوز هم وقتی هر روز صبح می‌روم و کنار پله‌ها می‌ایستم با خودم فکر می‌کنم چه قدر سنگدل بودم که منظره خداحافظی‌اش را تماشا کردم و بعد بغض می‌کنم.

هر روزی که آسانسور خراب است حال من بهتر می‌شود. به چشم خوش‌شانسی به این قضیه نگاه می‌کنم و البته بیشتر نگاهم روی پله‌ها خیره می‌شود. روی صدای پاها روی نفس‌نفس زدن‌های از پله بالا رفتن. روی دست‌هایی که روی نرده‌ها متوقف می‌شوند. روی نگاه‌هایی که بالای پل به شهر خیره می‌مانند و بیشتر از همه روی پاهایی که توقف می‌کنند. پل‌ها را جدی بگیرید.

آنکه معلول است و یک جامانده است
از تقلا و تلاش افتاده است
آنکه شد بیتاب و در بستر خزید
حس برفت از دست و پاشد ناامید
از بزرگ و کوچک و پیر و جوان
می شوند از اجتماع دور و نهان
کنج تنهایی و عزلت مانده اند
سهم ناچیزی ز دنیا برده اند
پس چه باید کرد با این مشکلات
پس چه راهی جست بر این معضلات
بعضی از آنها تلاشی بی نظیر
کرده اند و گشته اند فردی خبیر
با نبود دست، خطاطی کنند
با دهان خویش نقاشی کنند
یا که با انگشت پا گیرد قلم
نقش هایی می کشد او بیش و کم
در مقام ورزش و بازی چنان
گوی سبقت می ربایند بی امان
ذهن خلاق گهی افتد به کار
با کمک یک شاهکار آرد به بار
پس نباید کرد آن ها را رها
کنج تنهایی به امید خدا
گر محیطش نامناسب نابجاست
مشکلاتش باعث رنج و بلاست
هر چه امکانات لازم هست زود
کن فراهم از دل و عمق وجود
با ترحم ننگریم احوالشان
راه را هموار سازیم بهرشان
باید آن ها را ز جان یاری دهیم
شادی و امید و دلداری دهیم
همچو عصمت دیدگان را باز کن
هر کمک با نام حق آغاز کن
بی بی عصمت کاملی

تو می جویی به تاریکی مسیر عشق و رویا را
حضورت خیره خواهد کرد همه چشمان دنیا را
نگو چشمان من هر لحظه در خواب است
بگو چشمان من با عشق بی تاب است
به جنگ ناامیدی ها برو ای دوست
که بینایی چشمان تو در اوست
نگو در ماندم از احوال تکراری
بگو من زنده ام با شور و بیداری
تو با لبخند خود انگار بینایی
تو با آن عینک دودی چه زیبایی
محمد مهدی علی نژاد



زندگی لاکچری ما

● مرتضی رویتوند

می‌پوشد. اگر شما به حیوانات علاقه دارید باید یک پلنگ به عنوان حیوان خانگی داشته باشید. اگر شما اهل سفر هستید باید روزهای زوج در اروپا باشید و روزهای فرد در آمریکای جنوبی و روز جمعه عکس‌های سفرهای خود را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کنید. خلاصه مصداق‌های لاکچری مهم نیست، مهم بسیار پول خرج کردن به منظور دیده شدن است.

۴ افراد دارای معلولیت هم لاکچری مخصوص خودشان را دارند؛ که چندان شباهتی به لاکچری دیگران ندارد. یک ویلچر معمولی بیشتر از ده میلیون ریال، یک ویلچر الکترونیکی بین ۵۰ تا ۳۰۰ میلیون ریال! سمک از ۱۰ میلیون ریال تا ۵۰ میلیون ریال و گاه بیشتر. به این هزینه‌ها، هزینه‌هایی مانند هزینه رفت‌وآمد و هزینه‌های درمانی و هزینه‌های مناسب‌سازی محل زندگی و... باید اضافه کنیم. اینها بخشی از هزینه‌های زندگی افراد دارای معلولیت است که می‌توان زندگی آنها را یک لاکچری ویژه دانست. در واقع برای آنکه معلولان بتوانند در جامعه حضور پیدا کنند نیازمند تن‌دادن به یک زندگی لاکچری هستند. زندگی‌ای پر از هزینه.

۵ کسی را می‌شناسم که او هم یک نوع زندگی لاکچری را انتخاب کرده است. زندگی‌ای پر از مهربانی و بخشش. اما زندگی‌اش چندان در جامعه متمایز نیست. گویی مهربانی دیگر ارزش نیست.

۱ هدیه تولدش بود. کمی بزرگ بود در غارشان جا نمی‌شد اما بسیار ارزشمند بود. هیچکس در آن قاره این چنین هدیه‌ای نگرفته بود. هدیه‌ای که شاید گاهی همه چیز را به هم می‌زد، اما دوست‌داشتنی بود. یک دایناسور شش‌متری. پسرک از داشتن این هدیه به خودش می‌بالید، چرا که این هدیه بسیار گران بود. پدرش صاحب چند غار و چند چشمه بود. پسرک هر روز دست دایناسورش را می‌گرفت و در میان دوستانش قدم می‌زد. او با دایناسورش فخر می‌فروخت. نام پسرک لاکشر بود. بعدها پیروان منش و مسلک لاکشر، مکتب لاکشریسم را ایجاد کردند.

۲ لاکشری یا لاکچری نوعی سبک زندگی‌ست که شاید بتوان تجمل‌گرایی را معادلی مناسب برای آن در زبان فارسی دانست. در این نوع سبک زندگی، شما باید با تجمل زندگی کنید. لباس‌های چند میلیونی و ماشین‌های چند میلیاردری از مهمترین ویژگی لاکچری‌ها محسوب می‌شود. در این سبک زندگی شما باید بیشتر و بیشتر پول خرج کنید تا بیشتر دیده شوید. البته همه زندگی در رفاه را می‌پسندند و اساساً زندگی در رفاه را نمی‌توان تقبیح کرد. مسئله آنجاست که نباید این نوع سبک زندگی یک ارزش محسوب شود.

۳ هر گروهی از جامعه بسته به علایق و فرهنگش لاکچری خاص خودش را دارد. به عنوان مثال اگر شما به ورزش علاقه دارید باید با یک کفش ورزشی خارجی بسیار بسیار گران ورزش کنید. از همان کفش‌هایی که رافائل نادال



دیوار

● محمد علی سپهر افغان

جلال این جا را نگاه کرد، آن جا را نگاه کرد. هیپکس توی کوچه نبود. باد می آمد و برگ ها را جا به جا می کرد. باران کمی می بارید. گربه چاق و سیاه از روی دیوار او را نگاه می کرد. آرش و امید از کوچه بغلی بیرون آمدند و به جلال سلام کردند. آرش با دست روی شانه جلال زد و خندید و حال او را پرسید. جلال گفت فوبم. امید آستین جلال را تکان داد و گفت امروز خیلی سر حال هستی. جلال خندید و هر سه به طرف زمین بازی رفتند. عادل و بقیه بچه ها هم آن

جا بودند. موهایشان خیس شده بود و با توپ رو پای می زدند. آرش خیلی فوب رو پای می زد. بعد هم توپ را شوت کرد رو به آسمان. توپ رفت و رفت و رفت و اندازه یک گدو شد. همه بچه ها با دهان های باز و فندان به آسمان نگاه کردند. توپ پرشید و از میان باران عبور کرد و آن طرف تر رفت. باد توپ را هل داد و توپ سوار بر باد کج شد و پایین آمد.

عادل گفت ای داد بی داد. همه نگران شدند. توپ افتاد پشت دیوار از آن طرف درخت ها پایین رفت و همه به زمین خورد و دو باره بالا آمد. همه گفتند آهوهوهوهو...

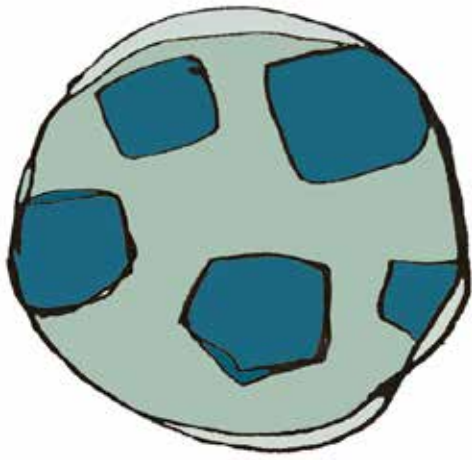
توپ باز هم پایین رفت و از پشم پنهان شد. صدای باران بیشتر شده بود. آرش گفت عجب بدشانسیم. جلال با ناراحتی زمزمه کرد ای داد بی داد حالا کی توپ را بیاورد؟

دیوار باغ بلند و دروازه بزرگ آن بسته بود. انگار سال ها بود کسی توی باغ نرفته بود. دروازه آن جا همیشه بسته بود.

ا مید دستش را روی سرش گذاشت و چشمهایش را باز تر کرد و پرسید حالا چه کار کنیم؟

جلال به دیوار بلند نگاه کرد. آستین های فالی اش توی باد تکان می خوردند. با خودش فکر کرد کاش می توانستم کمک کنم. آرش با آن موهای فرخری عقب





بلند بلند صدا می‌کرد. دست‌های آرش دیگر نمی‌توانستند وزن او را تحمل کنند. جلال چند قدم جلو رفت. امید گفت آن سگ تو را هم گاز می‌گیرد. عادل گفت جلو نرو. اما جلال تصمیم گرفته بود آرش را نجات دهد. او با قدم‌های بلند و مملک به طرف دیوار رفت و به سگ نزدیک شد. سگ سرش را به طرف او چرخاند و نزدیک شد. جلال گفت پشه! برو سگ خوب. ما فقط می‌خواهیم توپمان را بیاوریم. سگ جلال و آرش را نگاه کرد. جلال گفت من از تو نمی‌ترسم و سعی کرد چهره اش را مانند یک مرد شباع نشان دهد. سگ به پشم‌های او نگاه کرد. آرش آویزان به دیوار گفت جلال یک کاری بکن من می‌ترسم.

جلال چند قدم دیگر جلو رفت، سگ سرش را پایین آورد و به پشت سرش نگاهی انداخت. جلال گفت نترس آرش سگ‌ها به آدم‌های ترسو حمله می‌کنند.

تالاب! آرش با سر توی بوته‌های کنار دیوار افتاد و صدای ناله اش بلند شد. جلال خودش را بین سگ و آرش قرار داد. سگ چرغید و از آن جا دور شد. بچه‌ها هورا کشیدند. توپ از پشت درخت‌ها بالا آمد و از روی دیوار رد شد و پایین آمد. امید گفت این هم از توپمان. بچه‌ها توپ را بین خودشان چرخاندند و پاس دادند به جلال. آرش با رنگ پریده از بین بوته‌ها بیرون آمد و جلال را بغل کرد و گفت آخرین خوب او را ترساندی. من همیشه فکر می‌کردم تو ضعیف هستی.

جلال نگاهی به آستین‌های خودش انداخت و گفت نه من ضعیف نیستم چون شباعم.

بچه‌ها با موهای فیس دنبال توپ می‌دویدند. هوا تمیز و فنک بود. گربه سیاه چاق از روی دیوار بلند باغ آن‌ها را نگاه می‌کرد.

رفت و دوید و پایش را به دیوار فشار داد و خودش را پرت کرد به طرف بالا. بعد هم دست‌هایش را به لبه دیوار قلاب کرد. همه تعجب کرده بودند. آرش خیلی تندو تیز و کوچولو بود. انگار مردانگی اش کل کرده بود. خودش توپ را انداخته بود و نمی‌خواست بازی بپه‌ها را فراب کند. همه دوست داشتند فوتبال بازی کنند حتی توی آن هوای بارانی.

او سعی کرد خودش را بالا بکشد. عادل جلو رفت و کفش او را گرفت و به طرف بالا هل داد. همه خندیدند اما بعد فرار کردند. عادل بعد از همه سگ بزرگ را دید که به طرف آن‌ها می‌آمد. سرعت سگ زیاد بود و عصبانی به نظر می‌رسید. جلال هم دوید. می‌دانست که نباید به زمین بیفتد. مراقب بود و قلبش تند تند می‌زد. صدای سگ نزدیک بود. اگر می‌افتاد نمی‌توانست جلوی برخورد صورتش با زمین را بگیرد.

امید داد زد سگ آرش را خورد! جلال و بقیه ایستادند و نگاه کردند. آرش توی هوا مانده بود. نه می‌توانست از دیوار بالا برود و نه می‌توانست پایین بیاید. سگ زیر پاهایش عو عو می‌کرد و بالا و پایین می‌پرید. امید سنگی از زمین برداشت تا به سگ بزند اما جلال گفت حیوانات را نباید ازیت کنیم. امید گفت این سگ آرش را گاز می‌گیرد. سگ پایین بود و آرش بالا.

فاصله بچه‌ها با دیوار زیاد بود. باران شدید تر می‌شد و سگ





می توانستم فیلی چیزها را بو کنم و بگویم که آن ها چه چیزهایی هستند.

فانم مری دوباره بپه ها را صدا زد:

« بپه ها من توی دستم یک چشم بند دارم. امروز با این چشم بند بازی می کنیم، به نوبت من این چشم بند را روی چشم های شما می بندم و بازی را شروع می کنیم!! »

کوش هایم را فوب تیز کردم تا صدای بقیه ی بپه ها را هم که حرف می زدند، بشنوم. یکی با صدای تودماغی اش گفت:

« فانم مری چشم بند چی هست؟ برای چی باید چشم بند ببندیم؟؟ »

پارسا بود، هیچ وقت بینی اش را پاک نمی کرد. یکی دست هایش را ملامت به هم زد و گفت:

« اول من بازی می کنم ، اول من بازی .. »

این سمر بود، سمر همیشه دوست داشت اولین نفر باشد توی بازی.

یعنی فانم مری چه بازی را می خواست انجام بدهد؟ نمی دانستم باید کمی صبر می کردم. فانم مری دوباره گفت:

« من احتیاج به یک داوطلب فوب دارم که بتواند با انگشت هایش فوب لمس کند، این یک بازی با انگشت هست، وقتی شما چشم هایتان را با چشم بند بستین، من چند تا چیز به شما می دهم و شما باید حدس بزنید که آن ها چی هستند، بدون اینکه ببینید.»

همه ی بپه ها با هم شروع کردند به حرف زدن. فیلی شلوغ می کردند. یکی بلند گفت:

« فانم بدون اینکه ببینیم؟؟ پطوری؟؟ »

این صدای بلند کوروش بود، همیشه با صدای بلند حرف می زد، فانم مری گفت:

« من داوطلب فودم رو انتخاب می کنم: سینا جان»

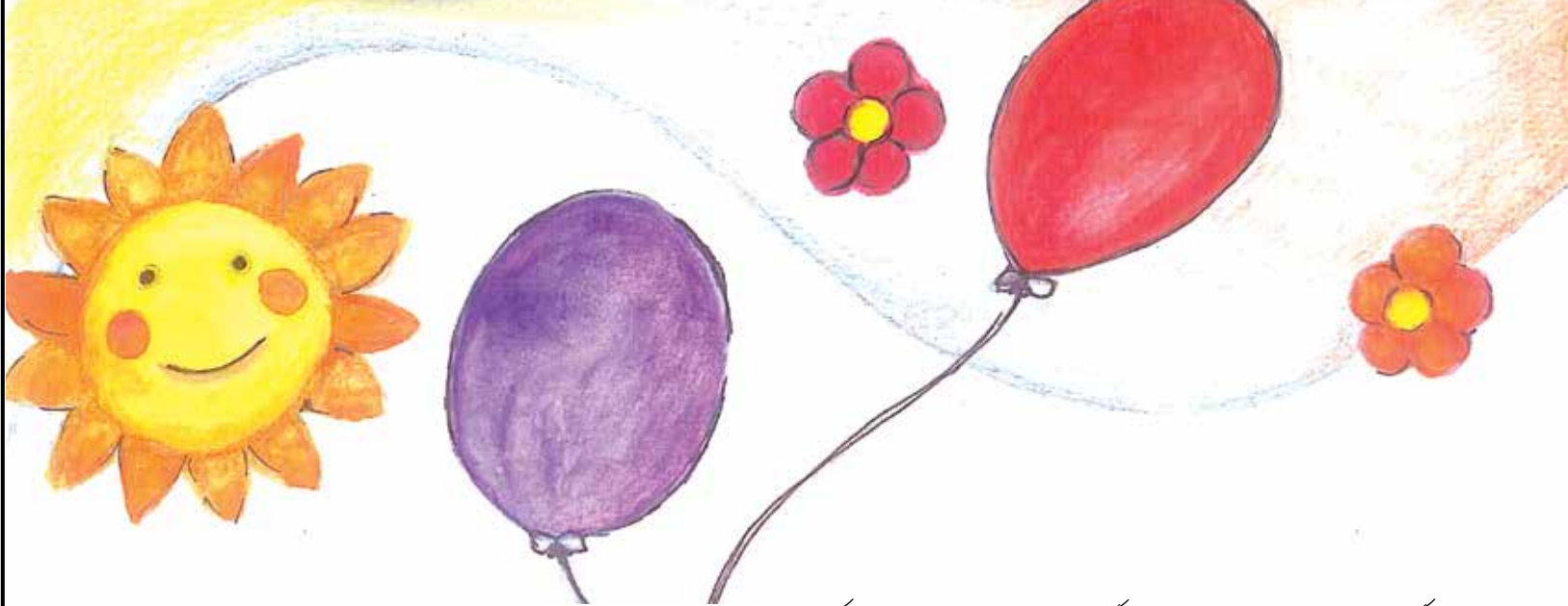
اول فکر کردم، کوش هایم اشتباه می شنود، اما نه فانم

« بازی فوب خوب... من نه نمی بوم بازی لبم...هیچ وقت...» همیشه پشت همین میز می نشستیم. به مامان گفته بودم، دوست ندارم بروم مهد، اما حرفم را گوش ندادند و اسمم را نوشت توی یک مهر کودک. همه ی بپه ها هر روز می دویدند و بازی می کردند. اما من نه. من یک بازی فوب برای فودم داشتم. فکر کنم هیچ کدام از بپه ها آن بازی فوب را بلد نباشند. بازی با انگشت ها...بازی با بینی ...وقتی آن ها بازی می کردند، من هم بازی مخصوص فودم را می کردم. صدای فنده هایشان می آمد. فکر کنم گرکم به هوا بازی می کردند. یا قایم باشک. اما من نه. هیچ وقت آن ها توی بازی راهم نمی دادند. می گفتند:

« تو نمی توی جلوت رو ببینی... یه وقت میفتی روی زمین...»

فتما امروز هم دوباره یک بازی دویدنی داشتند یا نمی دانم. من هم بعضی وقت ها با مدارهایم نقاشی می کشیدم. فانم مری گفته بود که درخت چه شکلی دارد، من هم سعی می کردم تا یک درخت بکشم.





برنده ی این بازی می شدم. فانم مری
یک چیز دیگر توی دست هایم گذاشت:
« این یکی پی می تونه باشه؟ »
اول فوب پرفاندم. بویش کردم. کرد بود و
بوی فوبی می داد. یک چیز کوچک به یک
طرفش پسییده بود. مثل یک شافه. به آن
دست کشیدم. یک برگ کوچک هم داشت.
فانم مری گفت:

« به نظرت پی هست سینا جان؟ »
گفتم:

« سیب.. »

وقتی بپه ها دست می زدند، من به بازی
فکر می کردم، همیشه که نباید بروم یا اگر کم
به هوا بازی کنم. می توانم یک بازی تازه
برای خودم داشته باشم.

مری گفت: سینا جان، می فواستم بگویم: « نه من بازی نمی کنم و نمی توانم... اما یادم
افتاد که من فوب بدم با انگشت هایم چیزها را لمس کنم... شاید این بازی را من می بردم...
دست هایم را روی میز گذاشتم و گفتم:

« من حاضرم فانم مری... »

یک دفعه دست های فانم مری روی صورتم حرکت کرد، او داشت چشم بند را روی چشم
هایم می گذاشت. بپه ها دار زدند:

« فانم او که نمی تواند ببیند، پس برای پی چشم بند می زنی؟ »

فانم مری چشم بند را پشت سرم کمره زد و گفت:

« این قانون بازی هست... همه باید رعایت کنند... »

بعد کنار گوشم گفتم:

« آماده هستی سینا جان؟ »

یک کم ترسیده بودم، شاید بازی فانم مری سفت بود یا من بلد نبودم. اما گفتم:

« بله.. من آماده ام. »

یک نفس عمیق کشیدم. فانم مری زد روی میز:

« بپه ها ساکت!! کسی نباید حرف بزنه یا راهنمایی کنه... فقط خود سینا باید فکر کنه و با استفاده از

انگشت هاش و بینی بفهمه که توی دست هاش پی داره؟ »

همه ساکت شدند. فکر می کردم که هتما دارند به انگشت های من نگاه می کنند. صدای افتادن

پند تا چیز روی میز به گوشم رسید. فانم مری گفت:

« حالا شروع کن. اول فوب توی دست هایت بپرفان. بعد بویشان کن. بعد بگو که چه چیزهایی

هستند!! »

یک چیز کرد توی دست هایم گذاشت. فوب پرفاندمش. نرم بود و با یک انگشت که فشار می

دادم یک طرفش فرو می رفت. بو کردم. بوی پارچه می داد. تکانش دادم. صدا نمی داد. گفتم:

« این توپ پارچه ای. »

همه دست زدند. بپه ها گفتند:

« آخرین سینا... آخرین سینا »

فانم دوباره یک چیز دیگر توی دست هایم گذاشت و گفت:

« فوب دقت کن... »

چیزی را که فانم مری توی دست هایم گذاشته بود، فوب لمس کردم. با انگشت هایم رویش

کشیدم. سفت بود، گوشه داشت و گرد نبود. لبه هایش را شمردم. ۴ تا گوشه داشت. فیلی از

این بازی فوشم آمده بود. باید به پسرها نشان می دادم که بازی فقط دویدن و

قایم باشک نیست. با دست ها هم می توان بازی های فوبی کرد. اما این یک کم

سفت بود. باید درس می زدم. تکانش دادم. باز شد. صدای فش فش آمد.

دستم را رویش کشیدم. فکر کنم کتاب بود. گفتم:

« کتاب... »

همه هورا کشیدند. صدای آخرین آخرین می آمد. فوشمال بودم. داشتم



ارتباط با افراد سندروم داون

سها صراف؛ کارشناس ارشد ارتباطات و
مدیر انجمن سندروم داون آسمان نیلی



۴۴

پیک توانا سلامت

شماره ۶۵ / دی و بهمن ماه ۱۳۹۵

سندروم داون. این نکته را نیز در نظر داشته باشید که سندروم داون یک ویژگی است بنابراین نگویید فرد مبتلا به سندروم داون، بلکه در شرایط مورد نیاز بگویید فرد سندروم داون.

زمانی که با فرد سندروم داون صحبت می‌کنید مراقب تَن صدای خود باشید. با فرد سندروم داون متفاوت‌تر از بقیه رفتار نکنید. مثلاً به او توجه ویژه نکنید یا کلاً نسبت به وی بی‌تفاوت نشوید. آن‌ها این تفاوت را درک می‌کنند و چون در بیشتر مواقع از تفاوت‌های خود با دیگران آگاه هستند نسبت به این برخورد دوگانه احساس دل‌زدگی می‌کنند.

بخشی از هر ارتباط فراتر از کلمات اتفاق می‌افتد. ما با نگاه‌ها و با حرکات بدنمان بخش عمده‌ای از پیام‌ها را خواسته و ناخواسته به مخاطب القا می‌کنیم و جالب آن‌که بدانید افراد سندروم داون در درک حالات خلقی ما توانایی خوبی دارند. آن‌ها به راحتی درک می‌کنند که شخصی که با آن‌ها در حال صحبت است چه احساسی نسبت به ایشان دارد. نگاه‌های ما می‌تواند در مواقعی برای فرد سندروم داون یا خانواده وی ناراحت‌کننده باشد بنابراین در برخورد با یک فرد سندروم داون باید به حرکات بدن و شیوه نگاه کردنمان نیز توجه داشته باشیم. نگاه مستقیم و طولانی مدت و همچنین نگاه‌نکردن و تلاش برای نادیدن هر دو می‌تواند منفی تلقی شود. در واقع توجه بیش از اندازه و نادیده گرفته شدن هر دو می‌تواند تأثیر ناخوشایندی بر فرد سندروم داون بگذارد.

در آخر، حضور اجتماعی افراد سندروم داون می‌تواند به موفقیت آن‌ها در رسیدن به یک زندگی مستقل بسیار تأثیرگذار باشد و این حضور به کمک انسان‌های آگاه در جامعه شکل خواهد گرفت. **افراد با نیازهای ویژه، هم‌دردی و دلسوزی نمی‌خواهند، آن‌چه آن‌ها در جامعه نیاز دارند همدلی است.** با همدلی می‌توان حضور آن‌ها را در جامعه پررنگ و مفید کرد.

بسیاری از افراد زمانی که کودکی آهسته‌گام را در خیابان یا در مهمانی یا هر مکان دیگری می‌بینند، نمی‌دانند چه برخوردی باید با او داشته باشند. گروهی خجالت‌زده می‌شوند، گروهی احساس ترحم می‌کنند و برخی به هول‌وهراس می‌افتند. در صورتی که هیچ‌یک از این برخوردها صحیح نیست اما نکته این‌جاست که بیشتر افراد آموزش ندیده‌اند و نمی‌دانند با هر پدیده خارج از عادتشان چگونه باید برخورد کنند و این امری عادی است. **پس نکته‌ای که باید لحاظ شود بحث فرهنگ‌سازی برای پذیرش تفاوت‌هاست، نه زیر سؤال بردن افرادی که توانایی برقراری یک ارتباط خوب با افراد آهسته‌گام را ندارند یا بدتر از آن حذف افراد آهسته‌گام از جامعه.**

در این یادداشت به نکاتی اشاره می‌کنیم که می‌تواند در برخورد افراد با یک کودک آهسته‌گام سندروم داون مؤثر باشد. با عمل به این رفتارها می‌توان افراد سندروم داون و خانواده‌هایشان را به حضور در جامعه تشویق کرد، حضوری که هم برای فرد سندروم داون و هم برای جامعه مفید باشد.

پیش از هر چیز باید بدانیم سندروم داون متعلق به هیچ گروه، نژاد یا طبقه خاصی نیست و هر کسی ممکن است کودک سندروم داونی به دنیا آورد. علاوه بر آن تاکنون هیچ دلیل اثبات‌شده‌ای برای تشکیل جنینی با سندروم داون مشخص نشده است، بنابراین در برخورد با خانواده‌های دارای فرزند سندروم داون بهتر است علت را سؤال نکنیم.

افراد سندروم داون آهسته‌گام هستند یعنی برای آموزش نیاز به تلاش بیشتری دارند با این حال آن‌ها عقب‌مانده یا دیوانه نیستند. کودکان آهسته‌گام به آرامی آنچه را نیاز دارند فرا می‌گیرند و می‌توانند مستقل زندگی کنند. خواندن آن‌ها با عناوینی که درخور نیست می‌تواند باعث رنجش و ناامیدی شود.

برای مخاطب قراردادن شخص سندروم داون یا صحبت در مورد او باید کودک را با نامش صدا کنیم و نگوییم بچه‌ای که سندروم داون دارد یا کودک مبتلا به

فقط کمی تاریخه کنی

● ترجمه: پوریا طیارزاده



جلوگیری از فلج اطفال

واکسن فلج اطفال تا ۹۰ درصد از این بیماری پیشگیری می‌کند.

دو نوع واکسن فلج اطفال وجود دارد:

- واکسن فلج اطفال غیرفعال: این نوع در کشورهایی وجود دارد که بیماری فلج اطفال، محدود است.

- واکسن فلج اطفال خوراکی: این نوع در کشورهایی وجود دارد که بیماری فلج اطفال، هنوز به طور کامل ریشه‌کن نشده است.

واکسن فلج اطفال غیرفعال را در چهار نوبت به کودک تزریق می‌کنند: دو ماهگی، چهار ماهگی، ۶ تا ۱۸ ماهگی و ۴ تا ۶ سالگی.

واکسن فلج اطفال خوراکی را در سه نوبت به کودک می‌خورانند: اولین نوبت، موقع تولد است و نوبت‌های بعدی، با چهار هفته فاصله از نوبت قبلی به کودک داده می‌شوند.

سازمان جهانی بهداشت اعلام کرده که پیشرفت‌های زیادی برای مبارزه با بیماری فلج اطفال صورت گرفته است و تا سال ۲۰۱۸ این بیماری به طور کامل ریشه‌کن خواهد شد. در سال ۲۰۱۶ تنها ۷ نمونه از این بیماری در سراسر جهان ثبت شده است. این بیماری سیستم عصبی کودک را مختل می‌کند و در عرض چند ساعت می‌تواند باعث فلج شدن کامل فرد شود.

«پاکو فونتنس»، خبرنگار «یورونیوز» که به آزمایشگاه تولید واکسن فلج اطفال در لیون فرانسه رفته در این باره می‌گوید: «شیوع فلج اطفال به پایین‌ترین حد خود در تاریخ رسیده است.

سازمان جهانی بهداشت پیش‌بینی کرده این بیماری تا کمتر از دو سال دیگر ریشه‌کن شود.» فاز نهمی برنامه ریشه‌کن‌سازی فلج اطفال در فاصله سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ مبتنی بر گنجاندن ویروس مرده در واکسن است.

«ژوئل کالمه»، مدیر ارشد آزمایشگاه تولید واکسن «سانوفی پاستور» درباره پیشرفت‌های صورت گرفته می‌گوید: «واکسیناسیون رایج در برگزیده واکسن‌های سه‌گانه است. این واکسن خوراکی است و شامل فلج اطفال گونه‌های ۱، ۲ و ۳ است. اکنون الگوی واکسن تغییر کرده و از این پس شامل گروه ۱ و ۳ است. برای جلوگیری از خطر گروه ۲، ویروس مرده در واکسن تعبیه می‌شود. هدف این نوع جدید از واکسن که توزیع آن به تازگی شروع شده پایین آوردن درصد سرایت این بیماری است.

مدیر ارشد آزمایشگاه تولید واکسن سانوفی پاستور درباره مشکلات پیش رو می‌افزاید: نخستین مشکل ایمنی است. اگر دسترسی ایمن به تمامی نواحی داشتیم که کودکان مبتلا در آنجا به سر می‌برند، ریشه‌کنی بیماری زودتر صورت می‌گرفت. دومین مشکل پیش رو مربوط به پس از ریشه‌کن کردن این بیماری است. این ویروس همچنان در آزمایشگاه‌های تحقیقاتی و جاهایی که آن را کشت داده‌اند حضور دارد.

در حال حاضر تنها کشورهای افغانستان و پاکستان در معرض شیوع این بیماری قرار دارند. در سال ۲۰۱۵ چند نمونه از این بیماری در کشور اوکراین مشاهده شد.

فلج اطفال در اثر آلوده‌شدن با «پلیوویروس» رخ می‌دهد. این ویروس یا از طریق تماس مستقیم فرد به فرد و یا از طریق تماس با خلط آلوده دهان یا بینی بیمار و یا از طریق تماس با مدفوع آلوده منتقل می‌شود.

این ویروس از طریق دهان یا بینی وارد بدن می‌شود و در حلق و مجرای گوارشی تکثیر و از طریق خون و مایع لنف در تمام بدن پخش می‌شود.

از زمان ورود ویروس به بدن تا بروز علائم بیماری، ۵ تا ۳۵ روز و به طور میانگین ۷ تا ۱۴ روز طول می‌کشد.

اما بیشتر افراد علائمی ندارند.

عوامل خطر فلج اطفال

- واکسینه‌نشدن با واکسن فلج اطفال

- مسافرت به مناطقی که در آن مناطق، فلج اطفال شایع است.

- مراقبت از بیماری که ویروس «پولیو» دارد.

- دست‌زدن به نمونه‌های آزمایشگاهی که حاوی ویروس زنده پولیو است.

- داشتن سیستم ایمنی ضعیف، مثلاً در بیماران مبتلا به ایدز.

- اگر بعد از تماس با پولیوویروس، استرس زیادی داشته باشید و یا فعالیت ورزشی شدید انجام دهید، باعث کاهش قدرت سیستم ایمنی می‌شود.

- افرادی که لوزه‌های خود را جراحی کرده‌اند.

انواع فلج اطفال

۳ نوع عفونت فلج اطفال وجود دارد:

- بیماری تحت بالینی

- عفونت غیر فلج اطفال یا فلج نافرجام

- عفونت فلج اطفال

علائم بیماری تحت بالینی و غیر فلج اطفال

برخی از افراد دارای نوعی از فلج اطفال می‌شوند که این نوع منجر به فلج نمی‌شود و به نام فلج نافرجام خوانده می‌شود.

علائم این فلج نافرجام عبارت است از: علائم خفیف شبیه آنفلوآنزا و علائم دیگر بیماری‌های ویروسی.

علائمی که ۱ تا ۱۰ روز طول می‌کشند، عبارتند از:

- تب

- گلودرد

- سردرد

- استفراغ

- خستگی

- درد و یا گرفتگی کمر

- درد و یا گرفتگی گردن

- درد و یا سفتی دست‌ها و پاها

- گرفتگی عضلانی و حساسیت عضلانی

- مننژیت

علائم فلج اطفال

در موارد نادر، عفونت ویروسی پولیو باعث فلج می‌شود.

این نوع فلج ممکن است نخاع و یا مغز و یا هر دو را تحت تاثیر قرار دهد. علائم اولیه این نوع فلج نیز همانند علائم غیرفلج شامل تب و سردرد است.

در عرض یک هفته، علائم خاص فلج اطفال ظاهر می‌شود، این علائم عبارتند از:

- نداشتن عکس‌العمل

- دردهای عضلانی شدید و یا گرفتگی‌های شدید عضلات

- شل شدن اندام و اغلب در یک طرف بدن بدتر است.

- فلج ممکن است ناگهانی باشد.

تشخیص فلج اطفال

- عکس‌العمل غیرطبیعی

- سفتی پشت

- هنگامی که بیمار به پشت دراز کشیده است، بلند کردن سر و پاهایش مشکل است.

- سفتی و خشکی گردن

- مشکل در خم کردن گردن

- مشکل در بلع و تنفس

آزمایشات تشخیصی عبارتند از:

- بررسی ترشحات گلو، مدفوع و یا مایع نخاع

- معاینه مایع مغزی نخاعی

- میزان آنتی‌بادی‌های خون

آینده‌ای بهتر برای رفع آسیب‌های نخاعی

● ترجمه: افروز راشدی اشرفی

پیشرفت‌های پزشکی آسیب نخاعی

• یک گروه تحقیقاتی در دانشگاه VU آمستردام به سرپرستی دکتر «نادیا دامینیچی» به پیشرفت‌هایی در مطالعات در حال انجام خود با تمرکز بر الگوهای مغزی نوزادان انسان و حیوانات در مراحل اولیه راه‌رفتن دست یافته‌اند. این رفتار اولیه - که به‌طور قابل توجهی میان حیوانات مختلف و کودکان یکسان است - مرحله‌ای به نام «انعکاس پله اولیه» را آماده می‌کند. همچنین امیدهای فراوانی وجود دارد که این تحقیقات یک شبکه عصبی اجدادی مشترک را کشف کند که می‌تواند کلیدی برای پیشرفت توانبخشی و تحرک بیماران دارای آسیب‌های نخاعی و همچنین کودکانی که از فلج مغزی رنج می‌برند باشد. نتایج اولیه این تحقیقات امیدبخش بوده‌اند زیرا این نکته به اثبات رسیده که عصب‌های بنیادی می‌توانند راه‌رفتن را در برخی نمونه‌های حیوانات آزمایشگاهی بهبود بخشند. این پروژه در نشست سالانه انجمن بیولوژی تجربی (SEB)، که در اوایل جولای ۲۰۱۶ برگزار شد، مورد توجه قرار گرفته و برای ورود به مرحله‌ی بعد برای استفاده عملی بر روی بیماران آماده است.

• در اواخر ماه می ۲۰۱۶، گزارشی مبنی بر نتایج مثبتی برای گروهی از بیماران که از آسیب‌های نخاعی جدی رنج می‌بردند در یک آزمایش تجربی در بیمارستان مونت سینای در نیویورک دریافت شد. این رویکرد خاص، از تزریق سلول‌های بنیادی به مناطق آسیب‌دیده با هدف بازیابی عملکرد و حرکت بهره گرفته است. به‌طور کلی یک بیمار فلج که پس از یک سانحه‌ی رانندگی وحشتناک امیدی به راه رفتنش نبود، در حال بازیابی مجدد حواس و حرکت در پاها و ران‌هایش است. تاکنون، ۴ بیمار از میان ۶ بیمار درگیر در این مطالعه نشانه‌هایی از پیشرفت را نشان داده‌اند. طبیعتاً تحقیقات بیشتری در این زمینه لازم است اما نتایج بسیار دلگرم‌کننده هستند.

در اواخر سال ۲۰۱۵، در یک مطالعه تحقیقاتی، حرکات مجدد دست و بازو پس از آسیب‌دیدگی نخاعی به مناطق پایین گردن فرد فلج مشاهده شده است. این روش شامل تغییر مسیر اعصاب بیماران به گونه‌ای که عصب‌های سالم به عصب‌های آسیب‌دیده متصل شده‌اند می‌شود که در نتیجه ارتباط عصبی در سراسر بدن بهبود می‌یابد. این روش می‌تواند تنها پس از چند ساعت که آسیب وارد شده است انجام شود و بیماران می‌توانند بعد از یک شب ریکاوری از یک عمل چهارساعته مرخص شوند. البته هنوز هم درمان فیزیکی نیاز است تا مغز بتواند شبکه‌های عصبی جدید را بشناسد اما اثر روانشناختی که حتی از بهبود اندک بیماران به دست می‌آید بسیار ارزشمند است.

• بر اساس گزارش‌هایی در اوایل سال ۲۰۱۵، از یک مرکز آلمانی برای بیماری‌های عصبی، یک داروی ضد سرطان مورد تأیید FDA به نام eptothiloneB درمان جدیدی را برای آسیب‌های نخاعی ارائه می‌دهد. اگرچه این درمان هنوز در مراحل اولیه است، اما بازسازی سلولی در خزندگان دارای آسیب نخاعی را در پی داشته است. در اغلب مواقع، یافت زخم و عوامل دیگر، توانایی بدن را برای خود ترمیمی در محل آسیب‌دیدگی محدود می‌کنند. همان‌گونه که مشخص است این درمان به خصوص، نیازمند روش‌های درمانی بسیار متفاوتی برای توجیه یک رویکرد بالینی معتبر است. با این وجود، تیم تحقیقاتی مطالعات خود را در رابطه با میزان اثربخشی این دارو برای انواع مختلف آسیب‌ها ادامه می‌دهد.

این دستاوردها آینده‌ای بهتر را برای بیماران آسیب‌نخاعی نوید می‌دهند.



ستون فقرات به چهار بخش تقسیم می‌شود: گردنی، صدری، کمری و خاجی. این بخش‌های ستون فقرات، رشته و اعصاب را در مهره‌های ستون فقرات به هم مرتبط می‌کنند. هر چه آسیب وارد شده به ستون فقرات در بخش‌های بالاتری باشد وخامت آسیب و احتمال از بین رفتن عملکرد در بدن بیشتر می‌شود. آسیب به بخش‌های گردنی (C1-C7) وخیم‌ترین نوع آسیب نخاعی است در حالی که آسیب در ناحیه خاجی اغلب عواقب دراز مدت محدودی دارد.

آخرین پیشرفت‌های پزشکی برای آسیب‌های نخاعی

آسیب‌های نخاعی در میان مخرب‌ترین وضعیت‌های پزشکی که یک شخص از نظر فیزیکی و مالی می‌تواند تجربه کند قرار دارد و تا امروز، هیچ راه‌حل یا درمان قطعی برایش پیدا نشده است. با وجود حدوداً ۲۷۶ هزار فرد مبتلا به این بیماری تضعیف‌کننده در سراسر ایالت متحده آمریکا، این مسئله به موضوع تحقیقاتی مهمی برای متخصصان پزشکی تبدیل شده است.

آسیب‌های وارد شده به ستون فقرات یا اعصاب مرتبط عموماً منجر به از دست رفتن قدرت، حس و سایر عملکردهای مهم می‌شود. علاوه بر آن، هزینه‌های پزشکی برای رسیدگی به بیمارانی که از آسیب نخاعی رنج می‌برند بسیار بالا و بیش از یک میلیون دلار در سال اول و حدود ۱۸۵ هزار دلار در سال‌های بعد است. خوشبختانه، جامعه پزشکی فعالانه به دنبال پیدا کردن راه‌حلی برای این بیماران است.

هوندا و دستگاهی جدید برای کمک به راه رفتن



شرکت هوندا که در تلاش است لذت حرکت کردن را برای افراد بیشتری به ارمغان بیاورد، از سال ۱۹۹۹ شروع به تحقیق و توسعه دستگاهی برای کمک به راه رفتن کرد. این دستگاه مانند روبات انسان‌نمای شرکت هوندا به نام آسیمو از تکنولوژی کنترل کمکی بهره می‌برد که بر اساس مطالعات بسیار این شرکت روی نحوه راه رفتن انسان توسعه یافته است.

این دستگاه با استفاده از مدل آونگ برعکس که از طرز راه رفتن روی دو پا سرچشمه می‌گیرد به فرد کمک می‌کند به هدف خود (راه رفتن درست و موثر) دست یابد. دستگاه شرکت هوندا برای آموزش نحوه راه رفتن طراحی شده است. کنترل کامپیوتری این دستگاه با استفاده از داده‌های دریافتی سنسورهایی فعال می‌شود که زاویه باسن را هنگام راه رفتن کنترل می‌کنند تا تقارن زمانی برای بلند شدن هر یک از پاها از زمین و حرکت آنها به سمت جلو را بهبود بخشد و به فرد کمک کند با برداشتن گام‌های بلندتر، بهتر راه برود. این دستگاه کم‌حجم و کم‌وزن طراحی شده است.

بهره‌گیری از یک سیستم کمربند ساده باعث می‌شود که شخص بتواند به راحتی دستگاه را به خود متصل یا از خود جدا کند. استفاده از بدنه و قاب‌هایی با سایز قابل تنظیم باعث می‌شود افراد مختلف با سایزهای مختلف بدنی و انواع گوناگون معلولیت بتوانند از این دستگاه استفاده کنند.

این دستگاه می‌تواند با استفاده از یک سیستم اندازه‌گیری، الگوهای راه رفتن و نحوه آموزش هر کاربر را در یک تبلت نشان دهد و دارای سه وضعیت آموزشی به شرح زیر است:

۱. وضعیتی که دستگاه بر اساس الگوی راه رفتن شخص بر حرکات او در راه رفتن اثر می‌گذارد.
۲. وضعیت متقارن که دستگاه بر اساس الگوهای حرکتی شخص به او کمک می‌کند بتواند حرکات همزمان مانند خم کردن و کشیدن هر دو پا را انجام دهد.
۳. در این وضعیت دستگاه به صورت مکرر، نحوه قدم برداشتن شخص را طوری تحت تاثیر قرار می‌دهد که می‌تواند وزن خود را به راحتی بلند کند.

دستگاه کمکی راه رفتن



آیا روزی روبات‌ها نیز مانند لباس‌های الکتریکی قابل پوشیدن جای خود را در زندگی ما پیدا خواهند کرد؟ البته همین‌طور است. داستان‌های علمی و تخیلی هم می‌گویند چنین چیزی اتفاق خواهد افتاد. همه ما در گذشته شاهد حضور روبات‌های قابل پوشیدن در نمایش‌های تجاری یا کنفرانس‌های خبری بوده‌ایم، اما اینکه فردی را مشاهده کنیم که از این روبات‌ها به عنوان بخشی از لباسش در زندگی روزمره استفاده می‌کند حال و هوای دیگری دارد. با این همه دستگاه کمک حرکتی که اخیراً توسط شرکت یاسکاوا الکتریک طراحی شده ممکن است همه‌چیز را عوض کند و این امکان را به وجود آورد که برای اولین بار، روبات‌های پوشیدنی برای تمام افراد قابل استفاده شوند.

این دستگاه که برای تحرک معلولان و سالمندان طراحی شده، از یک جفت کفش روباتیک و باتری تشکیل شده است. این کفش‌ها به کاربر امکان می‌دهد که لحظه برخورد پاشنه پای خود به زمین را دقیقاً زمانی حس کند که یکی از کفش‌ها پا را برای حرکت کمی تقویت می‌کند. این دستگاه به کاربر امکان می‌دهد بدون اینکه کسی از پشت به او کمک کند تعادلش را هنگام راه رفتن حفظ کند.

فریرول دستگاهی برای حرکت ساده‌ی افراد دارای معلولیت



صندلی‌های چرخ‌دار و واگرهایی که برای کمک به افراد دارای معلولیت طراحی شده‌اند، معمولاً آنقدر بزرگ هستند که فرد برای استفاده از آنها نیاز به کمک شخص دیگری دارد. اما وسیله‌ای که توسط هایکی جوان، یک طراح صنعتی اهل هلستینکی فنلاند، طراحی شده و فریرول نام دارد یک واگر نامحدود است که امکان حرکت آزاد و ساده را برای کاربر فراهم می‌کند.

این وسیله برای استفاده روزمره افراد دارای معلولیت طراحی شده و به جای اینکه یک بخش اضافی باشد، قسمتی از خود دستگاه محسوب می‌شود. طراحی آن طوری است که آن را کاملاً از انواع مشابه متمایز می‌سازد.

استفاده از صندلی از جنس کتان سبک به جای پلاستیک سخت، هم وزن این وسیله را کاهش داده و هم قدرت محافظت از فرد را دو برابر افزایش داده و عملکردی شبیه کمربند خودرو دارد. قابلیت تنظیم ارتفاع و نیز جمع شدن پشت وسیله، فریرول را برای همه‌ی افراد صرف نظر از اندازه و قد قابل استفاده کرده است. علاوه بر این، حجم کم این واگر باعث شده که دیگر نیازی نباشد افراد آن را بیرون خانه یا در اطاق نگهداری کنند، بلکه می‌توانند به راحتی آن را جمع و با خود حمل کنند.

اسپلینت سبک وزن کافو با طراحی سه‌بعدی

اسپلینت کافو نوعی بریس قابل تنظیم، با قابلیت گردش و کارایی مناسب، بیش از اینکه شبیه یک پای مصنوعی سنتی باشد، شبیه یک وسیله کمکی شیک و زیبا است. وسیله‌ای که قطعاً نظر مثبت افراد نیازمند به این وسیله را جلب خواهد نمود. هدف از تولید این وسیله که به صورت سه‌بعدی طراحی و ساخته می‌شود، ارائه ابزاری کارآمد و مفید برای مصدومان حوادث رانندگی است.

در حالی که طراحی اسپلینت کافو طوری است که امکان گردش آزادانه را فراهم می‌کند و یک طرح بیضوی سبک‌وزن دارد، دقت خاصی در آن دیده شده تا این وسیله بتواند وزن فرد را به راحتی تحمل کند. استفاده از فن‌آوری اسکن سه‌بعدی، امکان بهینه‌سازی طراحی وسیله بر اساس وزن افراد را فراهم می‌سازد.

مهم‌ترین مزیت این وسیله، قابلیت تنظیم و شخصی‌سازی برای کاربران است. وسیله‌ای که از طریق پرینت سه‌بعدی تهیه می‌شود، شبیه وسایلی به نظر می‌رسد که از طریق تزریق در قالب‌ها تهیه می‌شوند، اما در واقع این محصول به صورت شخصی‌سازی شده تولید می‌شود. وسایل کمکی و اندام مصنوعی تولید شده با فن‌آوری پرینت سه‌بعدی یکی از بزرگترین پیشرفت‌هایی است که با بهره‌گیری از روش‌های نوین ساخت محقق شده است.



عصای گانی‌مد

این مدل شگفت‌انگیز در چهار نسخه مختلف و با قیمت‌های مناسب که از ۵۰ یورو شروع می‌شود، عرضه شده و بدین ترتیب، تعریف جدیدی از شیک و مدرن بودن را ارائه کرده، شکی نیست این عصا، ابزاری مناسب برای استفاده هم‌روزه است. از مزیت‌های این وسیله می‌توان به تحرک‌پذیری مستقل و پیشگیری از بروز درد در کاربر اشاره نمود. این وسیله با یک طراحی مهیج به بازار عرضه شده است.

دسته‌هایی با کارکرد در حالت باز و اجزای شفاف که حس لمس یک بدنه بسته باعث راحتی دست‌ها و گردش بهینه هوا می‌شود. محل استراحت دست‌ها با توجه به ملزومات مختلف، حس خوشایندی به کاربر می‌دهد.

توجه به این نکته که نیازی نیست گانی‌مد به جایی متصل شود و به راحتی در هر محلی قابل نصب است، در کنار نقطه‌ی تکیه‌گاهی تعبیه‌شده، امکان رفع خستگی را فراهم می‌آورد.

میله تلسکوپی بیضوی شکل با خاصیت ارتجاعی بالا از نوآوری‌های به کار رفته در طراحی این وسیله است. همچنین با وجود پایه‌های بیضوی شکل و تغییر جهت چرخاندن، امکان کاهش یا افزایش سطح اتکا با زمین از این طریق وجود دارد.

ترجمه مرتضی راضی



DAT NEWS

DAT organized a ceremony on the occasion of International Day of Persons with Disabilities at the Ministry of Foreign Affairs' Club

Masoume Amedi



On Monday night, 5th of December, Disability Association of Tavana (DAT) organized a ceremony on the occasion of international day of persons with disabilities. Ambassadors from 20 countries, representatives from ECO, UNICEF, UNESCO, UN, and the Chairman of Welfare Organisation of Iran, some Parliament Members, some other representatives from different organisations, and disabled managers of DAT took part in the ceremony at the Ministry of Foreign Affairs' Club.

Mohsen Lashkari, a blind child member of DAT, read some phrases of Quran; and Leila kabiri and Atiyeh Shahsavai, a blind interpreter, hosted the ceremony.

After playing Iran national anthem; Mohammad Reza Hadipour, managing director of DAT, started his speech with welcome saying to the guests. He continued: we believe that disability is a physical limitation and not inability; as human became creative because of their limitations. We would like to share our experiences with other countries and model their developments.

Moreover, Masoumeh Amedi, the head of International Relations Unit of DAT, presented a performance report of some of DAT's activities by a Power-point.

In the following, Maria Dotsenko, the Director of United Nations Information Centre (UNIC), read the Ban Ki-moon's, the current Secretary-General of the United Nations, message.

Sayed Mohammad Mousavi, the Chairman of Board Directors of DAT, also after happy saying for international day of persons with disabilities, said: Human has invented the lamp because he could not see in the dark, has invented the microscope because he could not see microbes, has invented the aircraft because he could not fly. I have more limitations in my body so wheelchairs have been invented for me. So, human beings became creative due to their physical and bodily limitations. Therefore, we are not disabled as you call us as such, but everyone is disabled. Isn't it right that insurance company charge insured people for probable accidents? While, not all of them will have an accident; but insurance companies collect money from the all to pay compensations to

those who have received damages. So, the insurance model should be accepted by all societies, so that if one member of a family becomes disabled their costs should be covered by National Per Capita Income.

Anooshirvan Mohseni Bandpey, The head of the State Welfare Organization, also said: there should be a context and condition prepared for mobility, activity and flourishing talents of all the disabled; Hope we can make the most effort to join persons with disabilities to economic, political, social and cultural activities in the society. I congratulate the international Day of Persons with Disabilities not just to the disabled, but to all people; and prove that all people in the world are disabled. If disability means physical and bodily limitations, all people have limitations in some ways. I hope we could approve and implement the amendment of the Law for the Protection of the Rights of Persons with Disabilities early in 2017.

In the following, the Australia Embassy was appreciated because of their cooperation with DAT and the Australian ambassador received a certificate of appreciation/ an appreciation note and a handwoven rug made by Handicraft Unit of DAT.

It is worth to mention that Akbar Hataminia, a blind artist and pianist, and Fatemeh Salehi, a disabled artist and dulcimer musician, separately played for the guests in two different parts of the ceremony.



The superior job creator for Iranian disabled was rewarded through special statue of the first international congress of "Barrier-Free World Awards 2016"

Translated by Morteza Razi



Appreciating to creating over 600 stable job employments as well as his measures toward the social responsibilities, the special statue of the First International Congress of "Barrier-Free World Awards 2016" was submitted to Sayed Muhammad Mousavi, the founder of Disability Association of Tavan and managing director of Firouz hygienic groups.

Mousavi was rewarded through the statue by Turkish Labor Minister at the congress which was held in Istanbul where delegations of some European countries were present.

Mousavi, as managing director for Firouz hygienic group and founder of Disability Association of Tavana, who is the representative of the United Nation Economical and Social Council (ECOSOC) related to Iranian disabled people was invited to participate in the mentioned congress due to his measures towards creating employment as well as preparing the occupation bases for people with disabilities. Additionally, Majid Majidi, Iranian famous film director and director of the film "Color of Paradise" participated in the congress too; and they were only Iranian representatives in the congress.

The congress, which was held by the cooperation of Education and Training Ministry and Culture and

Tourism Ministry of Turkey, Istanbul University, Necmettin Erbakan University in Konya and by presence of representatives from Turkey and other countries, rewarded Mousavi, Iranian top jobs creator for people with disabilities, through special statue by the jury.

It is notable that the international congress was held to expand facilities and financial aid, reduce deprivations, and to realize the opportunities equality for the disabled around the world. This congress was held by effort of disabled hall of the Istanbul municipality in Istanbul in December 10th - 11th, 2016.

It is remarkable that the subjects of education, access to the facilities, job opportunities, modern technologies, and international communications were discussed in the congresses in the framework of specialized task forces and then it was decided the outcomes to be shared with international executive organizations.

The Minister of Labor and Social Affairs of Turkey met Mousavi in the sideline of the congress and got acquainted with experiences of Mousavi in the field of enabling the disabled people and expressed his hope in changing the attitude of the society towards the handicap.

The most important titles of 65th issue of Peik-e- Tavana publication:

- Granting statue of the international congress of “Barrier-Free World Awards 2016” to the founder of the Disability Association of Tavana
- The Disabled could not get the rehabilitation equipment
- Hajar rely on her own beliefs and became supporter of her family
- Mousavi: divine capitalism means getting value on human dignity
- live the life by continuing education
- Stop! Here is the private place
- Disabled employment: Red Carpet of independence
- Meeting of Disability Association of Tavana with ambassadors of 20 countries to spread the culture of getting correct attitude for persons with disabilities around the world
- Peyk-e Tavana as the representative of disabled people in the press exhibition
- It should be eliminated begging for persons with disabilities
- Gathering the charitable donation for persons with disabilities will destroys their self-esteem
- Types of spinal cord injuries
- Experiences of grandmother of a teenager with autism
- New technologies for vision-impaired and blind people



بانک قرض الحسنه رسالت

بانکی اجتماعی با خدماتی نوین

مدیریت استان قزوین



نخستین بانک قرض الحسنه خصوصی کشور

خدمات بانک قرض الحسنه رسالت

- ◆ افتتاح حساب پس انداز، جاری و صدور دسته چک
- ◆ صدور آنی کارت شبکه شتاب (رسالت کارت)
- ◆ انتقال وجه از طریق سامانه های پایا و ساتنا
- ◆ وصول کلیه چک های مشتریان از شبکه بانکی
- ◆ کارت خوان های شعبه (PINPAD)
- ◆ کارت خوان های فروشگاه های (POS)
- ◆ موبایل بانک، اینترنت بانک و تلفن بانک
- ◆ درگاه پرداخت الکترونیک

سالمی
کاربرانه

۲٪

قرض الحسنه با
اعطای تسهیلات